

کودک

سال پنجم، شماره ۲۲۵

پنجشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۸۴ ● ۱۵۰ تومان



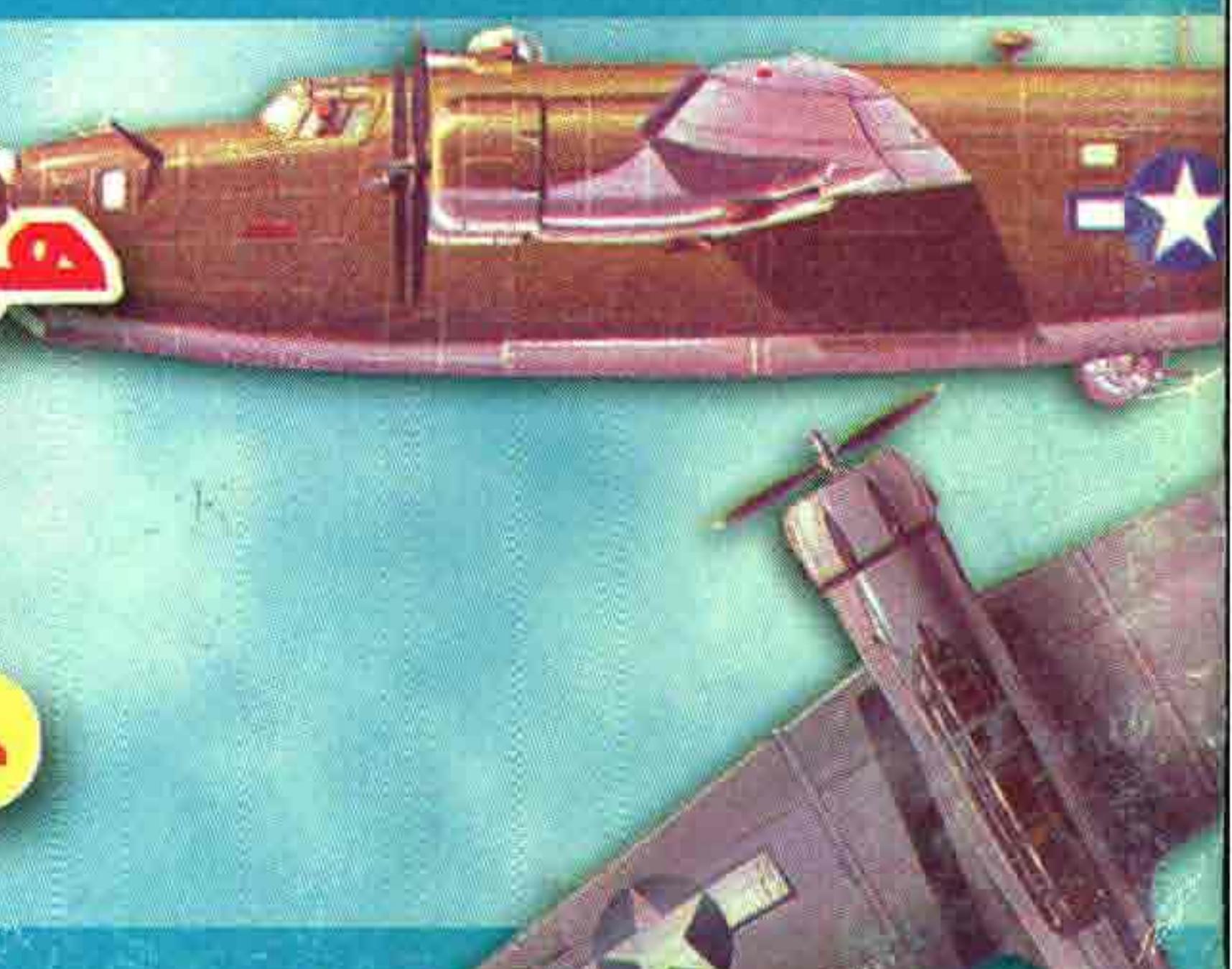
کتاب در مجله

هوایی‌ماهای جنگ

جنگ جهانی دوم



جلد پنجم



پویام فراونیر پنجمین دوره معرفیان

دوست

هفته نامه کودکان ایران

صاحب امتیاز: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام «ره»

- مدیر مسؤول: مهدی ارگانی • سردبیران: افشین علا، سیامک سرمدی
- مدیر هنری: احمد قائمی مهدوی • تصویرگر: محمد حسین ملواتیان
- مدیر داخلی و طراح بازی جلد: نادیا علا
- عکس: امیر محمد لاجورد • حروفچین: نیرالسدات والاتبار
- امور مشترکین: محمد رضا اصغری

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه چاپ و نشر عروج نشانی: خیابان انقلاب
چهار راه حافظه - پلاک ۹۶۲ تلفن: ۰۴۷۰۶۸۳۳ - تماير: ۰۶۷۱۲۲۱۱

مسابقه

«دوست دارید چه ببینید؟!»

(ویژه اسفندماه)

روی جلد تصویری را می بینید که دو کودک را در حال باز کردن دری نشان می دهد. اگر جای آنها بودید، دوست داشتید پشت در چه ببینید؟

آرزوها، خواسته ها، نظرات و ... خود را در قالب شعر، قصه (حداکثر یک صفحه) یا نقاشی برای ما بفرستید تا در مسابقه شرکت داده شوید. فرصت دارید تا پاسخ هایتان را تا ۲ هفته بعد از انتشار این شماره، به نشانی مجله بفرستید. روی پاکت نامه حتماً بنویسید: «مربوط به مسابقه دوست دارید چه ببینید؟ (ویژه اسفندماه)»

فهرست مطالب کتاب در مجله:

PBY - کاتالینا
P-۴۰D - کیتی هاوک
SB ۲C - هل دایور
...

مقدمه
کینگ کبرا
B-۱۷G
B-۲۹
B-۲۴j

کتاب در مجله

مواییمهای

جنگ

جنگ جوانی دوم

جلد پنجم



دوست با خدا

میتا محمدی / ۸ ساله / از ترکان

بسیار مهربان بود. انگار از آسمان آمده بود. کلماتش زیبا بود انگار نوری از خدا در سینه‌اش داشت. کاش دوباره دستش را بر صورتم می‌گذاشت تا چشمانم را پیدا کند و با آن عمق وجودم را باید.

او زیبایی‌های هر چیز را بیتر از من می‌دید:

او زیبایی رگبار بهار را با چشمان گوش‌هاش می‌دید

او سپیدی برف زمستان را با دست‌هایش می‌دید

آبی دریاهای را با گوش‌هایش می‌دید

او هفت رنگ پاییز را با گذاشتن برگ‌های خشکیده در زیر پاهاش می‌دید

او نگاهی نداشت که من گرمای نگاهش را بیننم اما گرمایی به اندازه‌ی گرمای خورشید در صدایش موج می‌زد. من فکر می‌کردم او نمی‌بیند، اما او می‌دید، او می‌دید، با چشمان دست‌هایش با چشمان گوش‌هایش با چشمان دلش دلی هم اندازه‌ی ستاره‌ها دلی هم اندازه‌ی کهکشان‌ها دلی هم اندازه‌ی کیهان.

او خیلی زودتر از من خدارا فهمیده بود او بدون خواندن درس‌های دینی و قرآن پی‌برد که خدا کیست.

او یک پروانه‌ی آزاد بود او هر جا که دوست داشت می‌توانست ببرود اما او پروانه‌ای بود که بال نداشت بال‌هایش شکسته بود اما می‌توانست هر جا که دوست داشت ببرود ولی نه با بال‌های رنگارنگش، با بال‌های

پر نقش و نگار دلش که همچون دو چشم بینای سیز رنگ زیبا بود او خوب بلد بود پرواز کند. پرواز کردن او دیدن هر چیز بود، او چیزی را نمی‌دید، امانه او یک چیز را می‌دید او خدایش را می‌دید او عظمت خدایش را

می‌دید، او بخشنده‌ی خدایش را می‌دید.

او نایینا بود امانه، او نایینا نبود، او می‌توانست بینند دل من چه رنگی است. او می‌توانست بینند دل من هر

چقدر هم بزرگ باشد کوچکتر از دل اوست.

او یک دوست بود. یک دوست نایینا. یک دوست با خدا.

آتنا عبدی - ۱۲ ساله از رشت



لطیفه

پدر: پرویز ساعت کجاست؟

پرویز: پدر جان ساعتم همیشه جلو می‌رفت. امروز آن قدر جلو رفت که هر چه گشتم پیدایش نکردم!

چستان

کدام فلز است که اگر نام آن را بر عکس کنیم نام یک سبزی نارنجی رنگ می‌شود؟

جواب: جیوه

زرد و طلایی، شکل خیارم روی درختم، هسته ندارم.

جواب: موز

حیدر بدرقه ۱۲ ساله از تهران



عباس محمدنژاد / از رشت

روی درخت اثار

خواب کلاع شیطون
می‌بردش آسمون

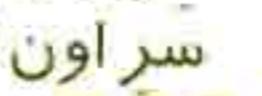


کرم قشنگ و بیکار

خوابای بد می‌بینه
که بنوکش گرفته

روی بوته خیار

خوابیه مرغ شیطون



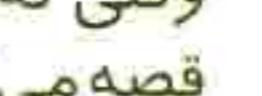
کرم قشنگ و بیکار

خوابای بد می‌بینه

که نوک می‌زد

وقتی که گردی خوشگلی

قصه‌های پیش ما
می‌گی پچه‌ها خوب بخوايد!



الله خوبیست ۷ ساله از تهران



صدق رضا قمی / ۱۰ ساله / از قم



آرزو صالحی / ۹ ساله / از ملارد

هفته گذشته و در جلد چهارم کتاب در مجله ویژه هوایی‌ماهای جنگ جهانی دوم، با هوایی‌ماهای جنگی انگلستان، آشنا شدید. یکی دیگر از قدرت‌های هوایی در این نبرد جهانی، آمریکا بود. این کشور هر چند با محل نبرد فاصله زیادی داشت، اما هوایی‌ماهایش در جبهه متفقین، کمک‌های بسیاری به سود متفقین می‌کردند. در این شماره با تعدادی از هوایی‌ماهای آمریکایی شرکت کننده در جنگ دوم جهانی آشنا می‌شوید.

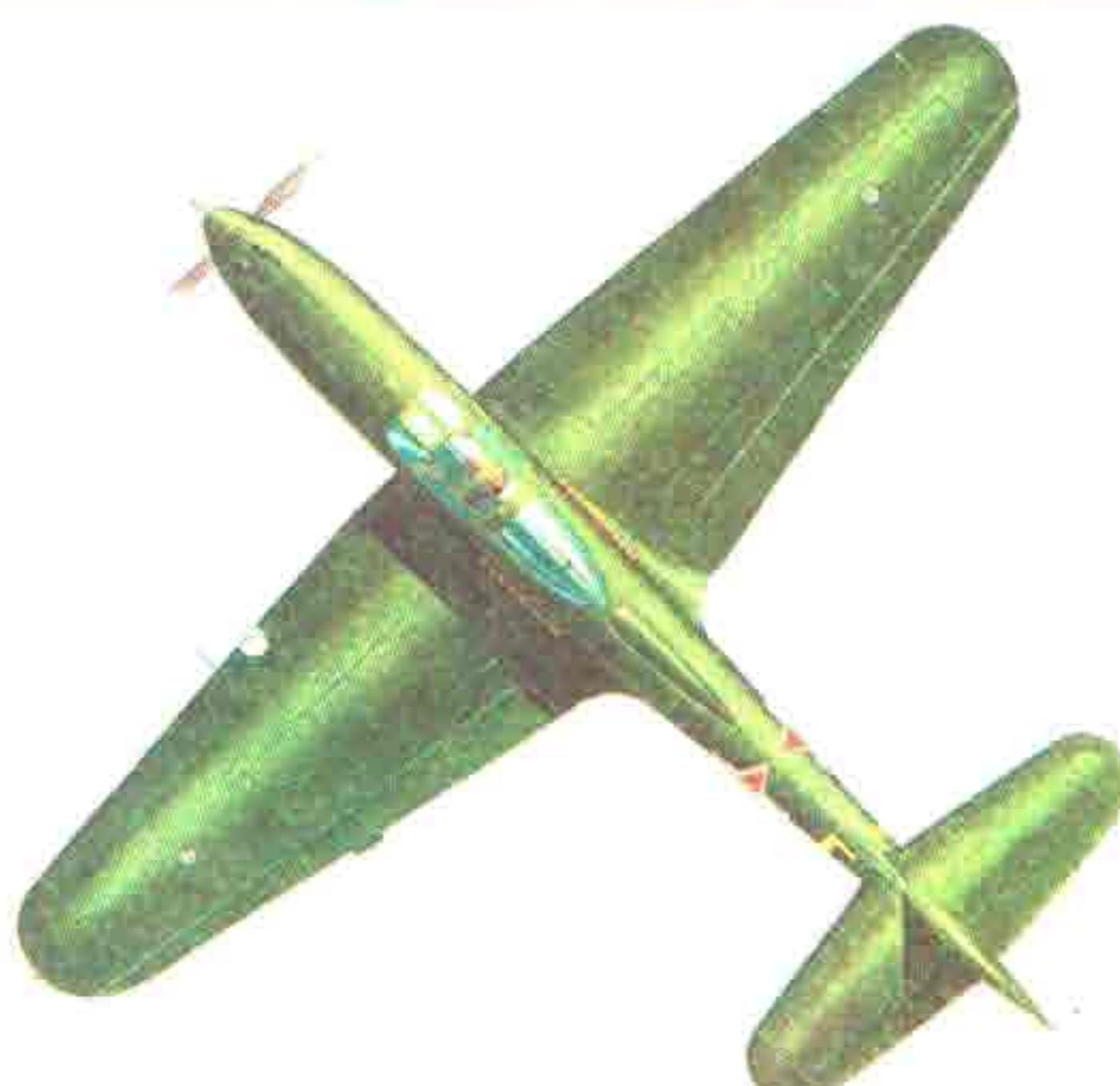
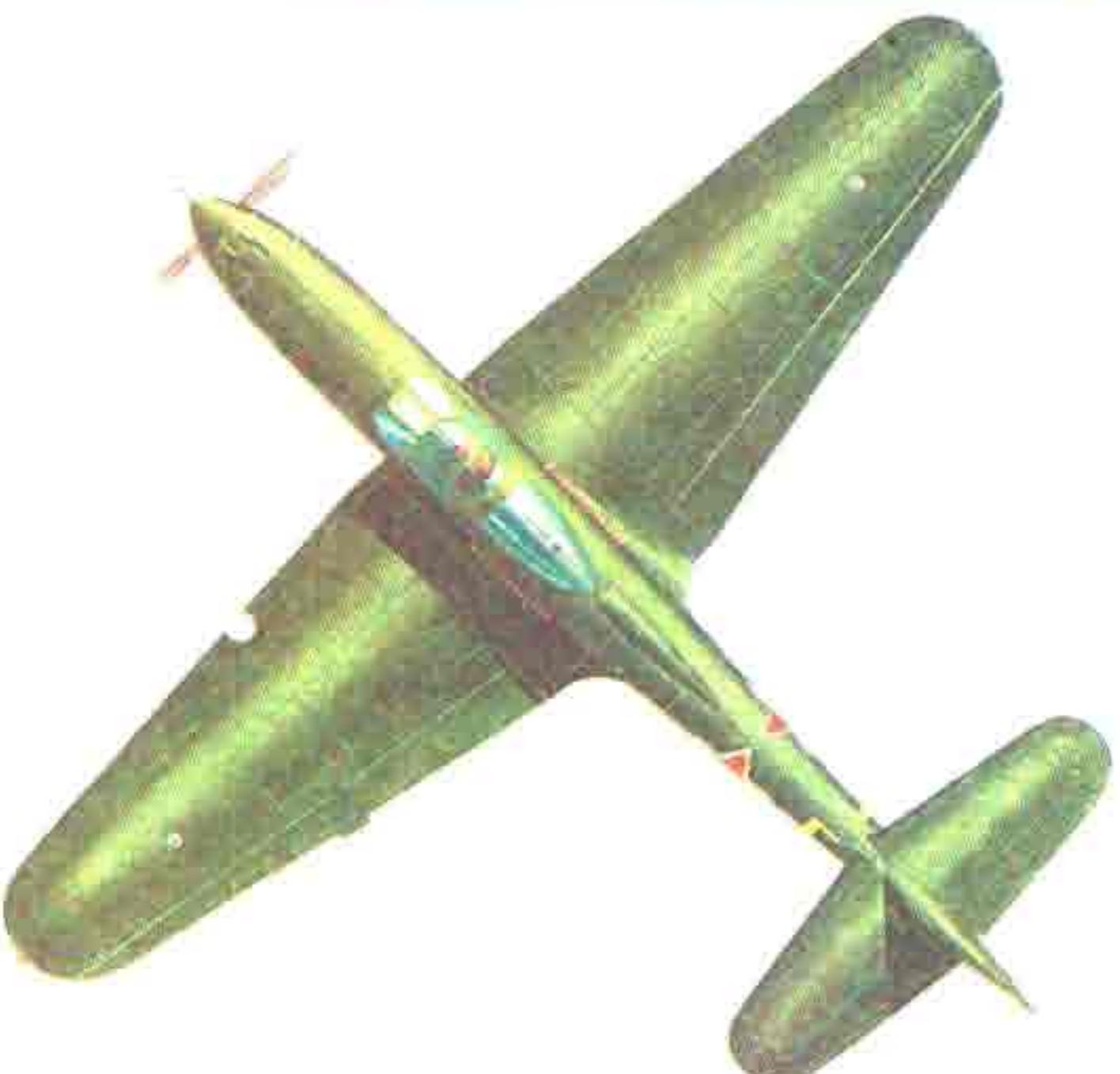
یک خاطره منادی



یکی از صفات حضرت امام (س)، استفاده درست و صرفه جویی بود. ایشان همیشه به اعضای خانواده، صرفه جویی و استفاده درست در کارها را سفارش می کردند که مثلاً به اندازه غذا درست کنند تا اضافه نیاید. و همیشه گوشزد می کردند که: الان ما در وضعی هستیم که امکان دارد وضع بعضی از خانوادهها به سختی بگذرد.

دختر حضرت امام نقل می کند که یک بار خدمت امام بودم. ایشان از من خواستند پاکت دارویشان را بدهم. داخل پاکت، دارویی بود که باید به پایشان می مالیدند. شاید کسی باور نکند که بعد از مصرف دارو، امام یک عدد دستمال کاغذی را به چهار تکه تقسیم کردند و با یک قسمت از آن، چربی پایشان را پاک کردند و سه قسمت دیگر را داخل پاکت گذاشتند تا برای دفعات بعد استفاده کنند. به امام گفتم: «اگر برنامه زندگی به این صورت است، پس همهی ما جهنمی هستیم! چون ما واقعاً این رعایت‌ها را، به خصوص در مورد دستمال کاغذی، نمی کنیم.»

- نام هوایپما: کینگ کبرا
- کشور سازنده: آمریکا
- موتور: آلیسون

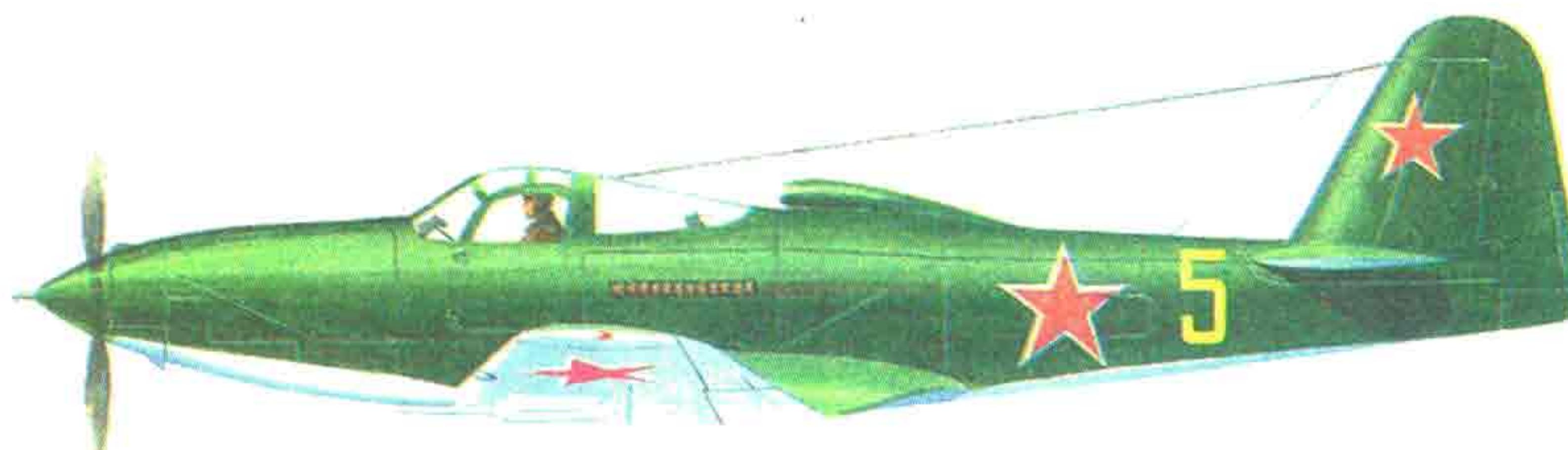


امام فرمودند: شما این طور
نباشید، ولی باید رعایت کنید.
اگر ما خدمتی به انقلاب می‌کردیم،
ایشان خیلی خوشحال می‌شدند. در
زمان جنگ، اهل جماران برای کمک
به پشت جبهه، در منزل خود امام جمع
می‌شدند. ایشان می‌آمدند و همیشه
اظهار خوشحالی و رضایت می‌کردند
که می‌دیدند همه‌ی ما نشسته‌ایم، یکی
لحاف می‌دوzd، یکی در کیسه نایلون
آجیل می‌ریزد و یکی کار دیگری
می‌کند. خیلی موقع هم خودشان
می‌آمدند، می‌نشستند و برای جبهه،
کیسه‌ها را از آجیل پر می‌کردند. حتی
من یک بار گفتم: اجازه بدھید ما پشت
این کیسه بنویسیم که این کیسه‌ی آجیل
به دست خود امام پرشده و برای جبهه
فرستاده شده است تا رزمنده‌ای که
این آجیل به دستش می‌رسد، خوشحال
شود. اما امام قبول نکردند.



۵

حداکثر سرعت: ۶۵۷ کیلومتر در ساعت
وزن: ۲۸۹۲ کیلوگرم (بدون بمب)





پوکت پر برف

مصطفی و حماده دوست

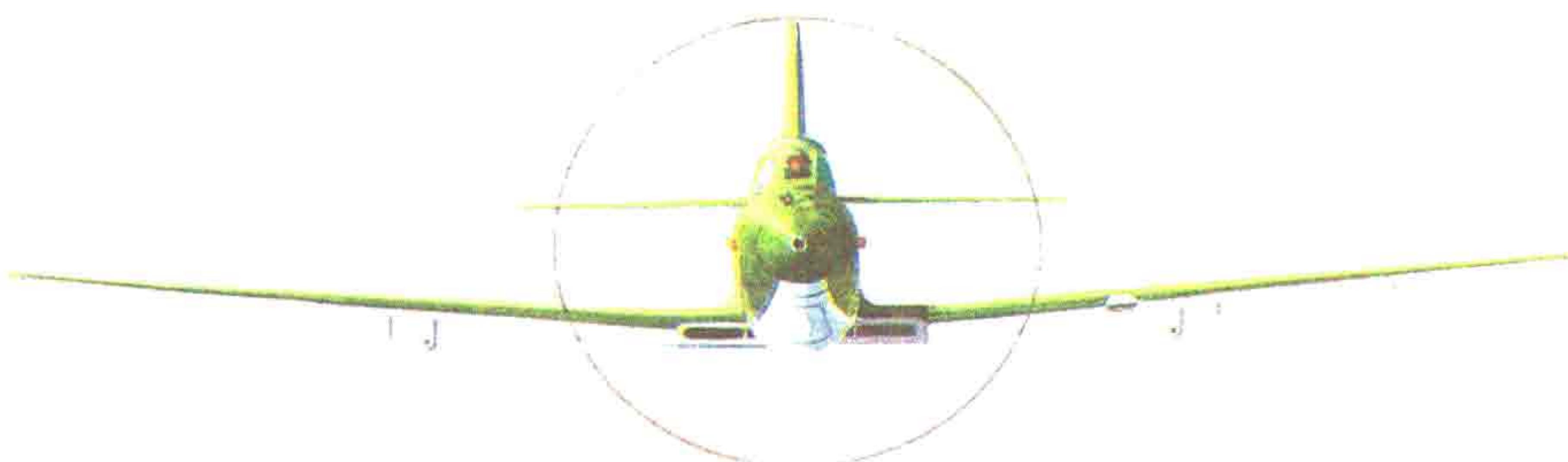
تمام روستارا یخ گرفته
زمین سرد و هوا خاکستری رنگ
در این بیرونگ بی پایان ابری
ده ما قهوه‌ای رنگ است و دلتانگ

نه رقص زرد و گرم کشتزاری
نه آواز زلال جوی آبی
نه بعدهای سبز گوسفندی
نه لبخند سفید آفتادی

زمستان است فصلی سرمهای رنگ
و دیگر چشمها در قل و قل نیست
سکوتی جیوه‌ای افتاده بر ده
نسیمی نیست، باغی نیست گل نیست

۶

طول بال: ۹ متر و ۹۶ سانتی‌متر
اسلحة: یک اسلحه ۳۷ میلی‌متری - ۴ اسلحه ۱۲/۷ میلی‌متری - ۲۲۷ کیلوگرم بمب



زمستان است اما خانه ما
پر از تصویر خوشنگ بهار است
فضای خانه سرشار از صدایی است
که آواز خوش آهنگ بهار است



میان خانه‌ی نارنجی ما
نشانی از غم خاکستری نیست
و دلها سرخ و سبز و ارغوانی است
و بر هر چهره یک لبخند آبی است



پدر با برف و سرما در ستیز است
و دستش بوته‌ی امید فرداست
دو دست مادرم رنگ بهار است
و در چشمان او خورشید پیداست



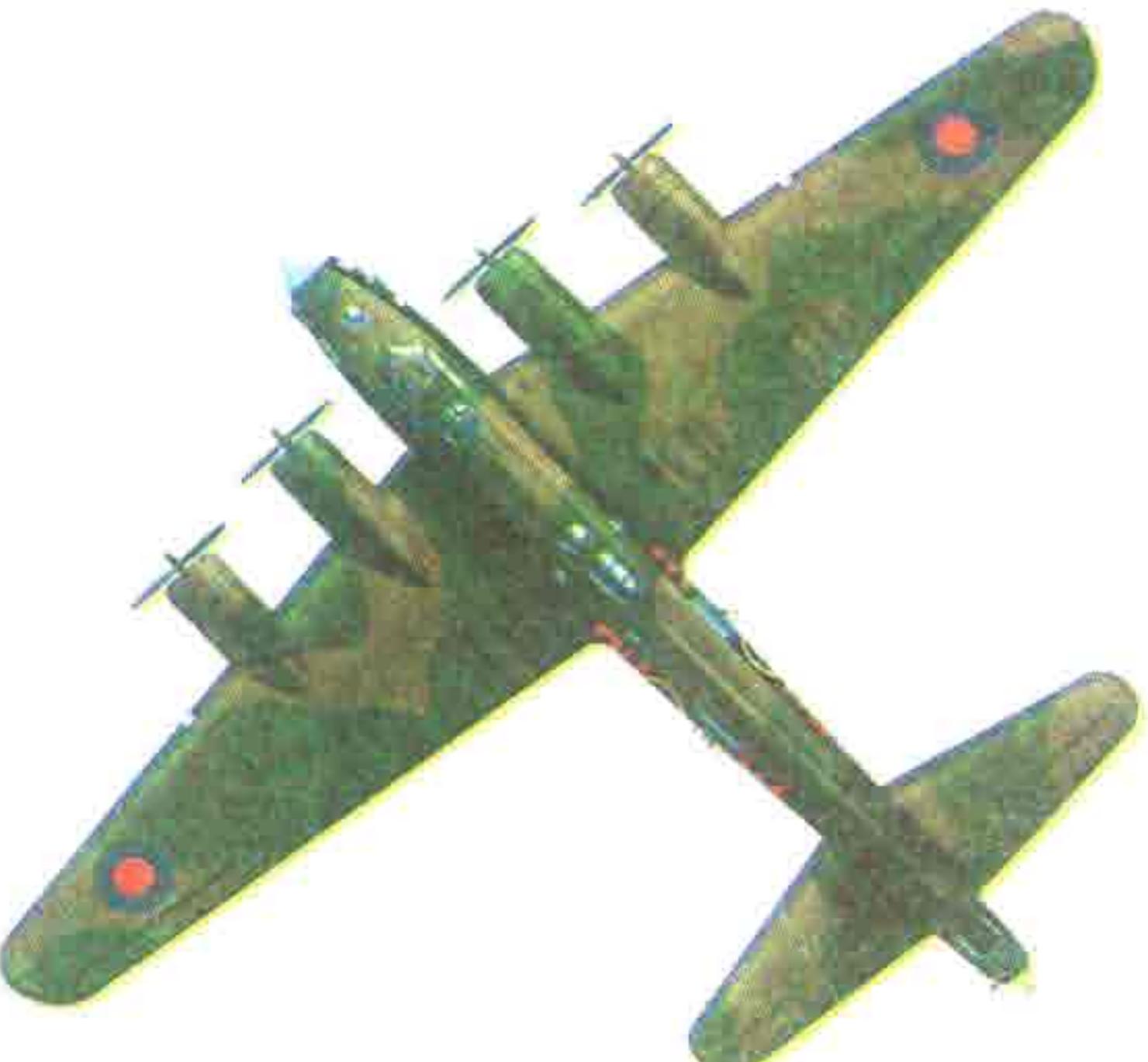
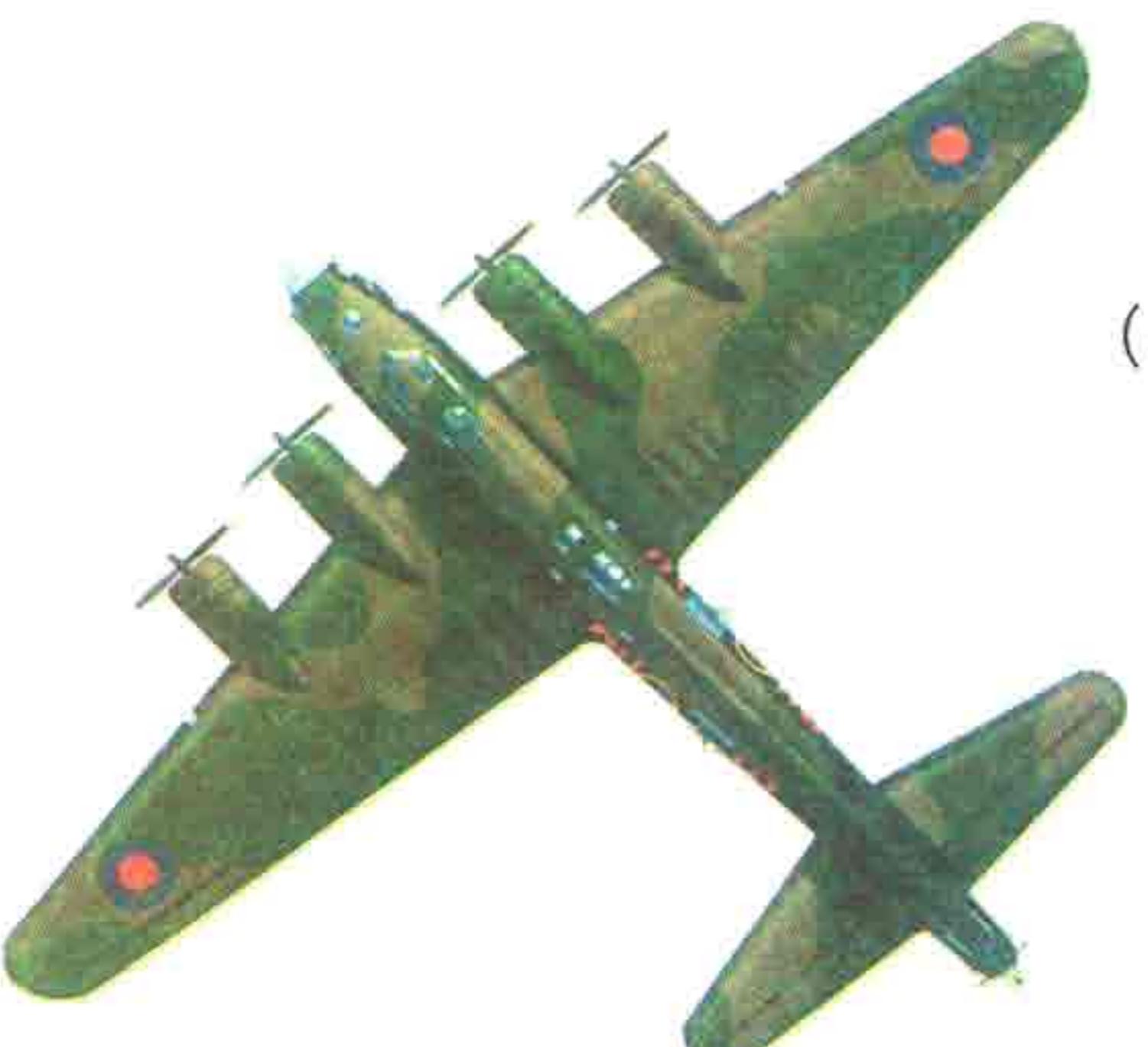
میان خانه‌ی آرامش ما
خدارا می‌توان حس کرد و فهمید
خدا مهمان خوب خانه‌ی ماست
که با او می‌توان گل گفت و خندید



چه می‌شد گر بهار خانه‌ی ما
میان خانه‌ها تکثیر می‌شد
و با یاد خداوند بهاران
سکوت غصه‌بی تاثیر می‌شد

V

نام هوایپما: B-17G (بوئینگ)
کشور سازنده: آمریکا
موتور: رایت سیکللون





اَبْ مُسِيْحًا

مجید ملامحمدی

مردم مسیحی پشت یک درخت پنهان شد. او می‌خواست امام باقر (ع) را اذیت کند. وقتی امام باقر (ع) به او نزدیک شد، از پشت درخت در آمد. فوری جلوی او ایستاد و به ایشان دشنامی داد.

امام باقر از حرف او تعجب کرد. مردم مسیحی مثل آدم‌های از خود راضی جلوی امام ایستاد. او می‌خواست حرف زش را تکرار کند.

امام باقر (ع) که عصبانی نبود، فقط جواب داد: «تو اشتباه می‌کنی. من باقر هستم، نه آن چیزی که گفتی.»

مردم مسیحی با صدای بلندی خنده دید و گفت: «آیا مادر تو یک زن آشپز نبود؟»

بعد دوباره قاه قاه زیر گنده زد. امام باقر (ع) با آرامش جواب داد: «خوب این کار مادرم بود. مگر عیوبی دارد؟»

حداکثر سرعت: ۴۸۶ کیلومتر در ساعت
وزن: ۱۶۳۸۱ کیلوگرم (بدون بمب)



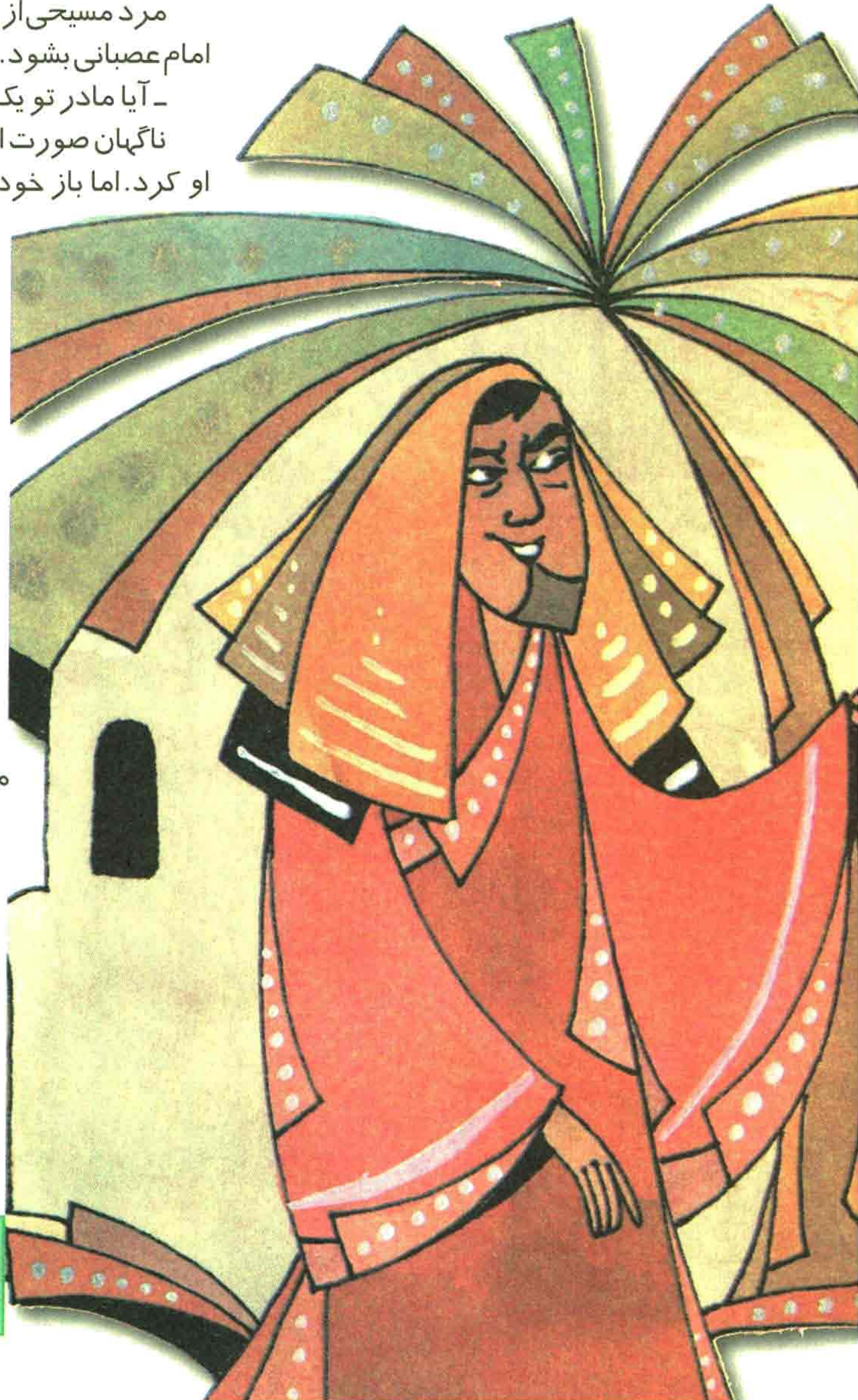
مرد مسیحی از جواب‌های او لجش گرفت. او دوست داشت
امام عصبانی بشود. حالا فکر کرد یک حرف زشت‌تر بزند.
– آیا مادر تو یک خدمتکار بد زبان نبود؟

ناگهان صورت امام باقر (ع) سرخ شد. یک نگاه معنی‌دار به
او کرد. اما باز خودش را آرام نگه داشت. مرد مسیحی باز هم
زیر خنده‌زده بود.

امام باقر (ع) گفت: «اگر حرف تو راست
باشد خداوند مادرم را ببخشد، اما اگر
دروغ می‌گویی خدا از گناه تو بگذرد.»
حرف‌های امام مثل آب سردی بود که
روی سر او ریخته باشند. امام باز هم آرام
و سر به زیر بود. مرد مسیحی به دوستش
فکر کرد. به همان کسی که از امام بدگویی
کرده بود. به خودش گفت: «همه‌اش
قصیر دوستم است. او به من دروغ گفته
بود. باقر آدم پاک و مهربانی است. خیلی
هم باگذشت است.»

جلوtier رفت. تصمیم گرفت از امام
معذرت خواهی کند.

– ببخشید آقا. من کار زشتی کردم!
امام به او لبخند زد. بعد دستهایش را
برای روپوشی باز کرد. مرد مسیحی به
گریه افتاد. او تصمیم گرفت مسلمان شود.
این فکر همان لحظه به سراغش آمد. فوری
دست امام را بوسید و گفت: «من می‌خواهم
مسلمان شوم.»
چهره‌ی نورانی امام پر از شادی شد.



دوست میلاد پریوکت حضرت امام محمد باقر (ع) را
تبریک عرض می‌کند.

● طول بال: ۲۲ متر و ۷۸ سانتی‌متر
● اسلحه: ۱۲ مسلسل ۱۲/۷ میلی‌متری - ۷۹۸۳ کیلوگرم بمب





توی یک قاب بزرگ و سیاه، سیاه مثل شب، خانم معلم، مثل ستاره‌ای روشن، نورافشانی می‌کند. به خورشیدی می‌ماند که می‌سوزد تا به ما کرمی و نور و زندگی ببخشد. گچ می‌خورد تا ما را از سفیدی دانش و صفات خوب انسانی پر کند. حنجره‌اش را پاره می‌کند تا به ما الفبای زندگی بیاموزد. او دوست ماست. دوستمن دارد. دوستش داریم.

امیر محمد لاجورد

ستاره‌ای در خشان در پای تخته سیاه

● چند سال است که معلم هستید؟

بعد از گرفتن دیپلم به مرکز تربیت معلم حضرت زهراء رفتم و ۲ سال آنجا بودم. از دانشگاه آزاد هم لیسانس علوم تربیتی رشته آموزش ابتدایی را گرفتم. ۱۴ سال سابقه کاری دارم. ۱۲ سال پایه پنجم، یکسال پایه دوم، و امسال هم که در پایه سوم مشغول به خدمت هستم.

● بچه‌ها معلم‌شان را دوست دارند. شما چه احساسی نسبت به آنها دارید؟

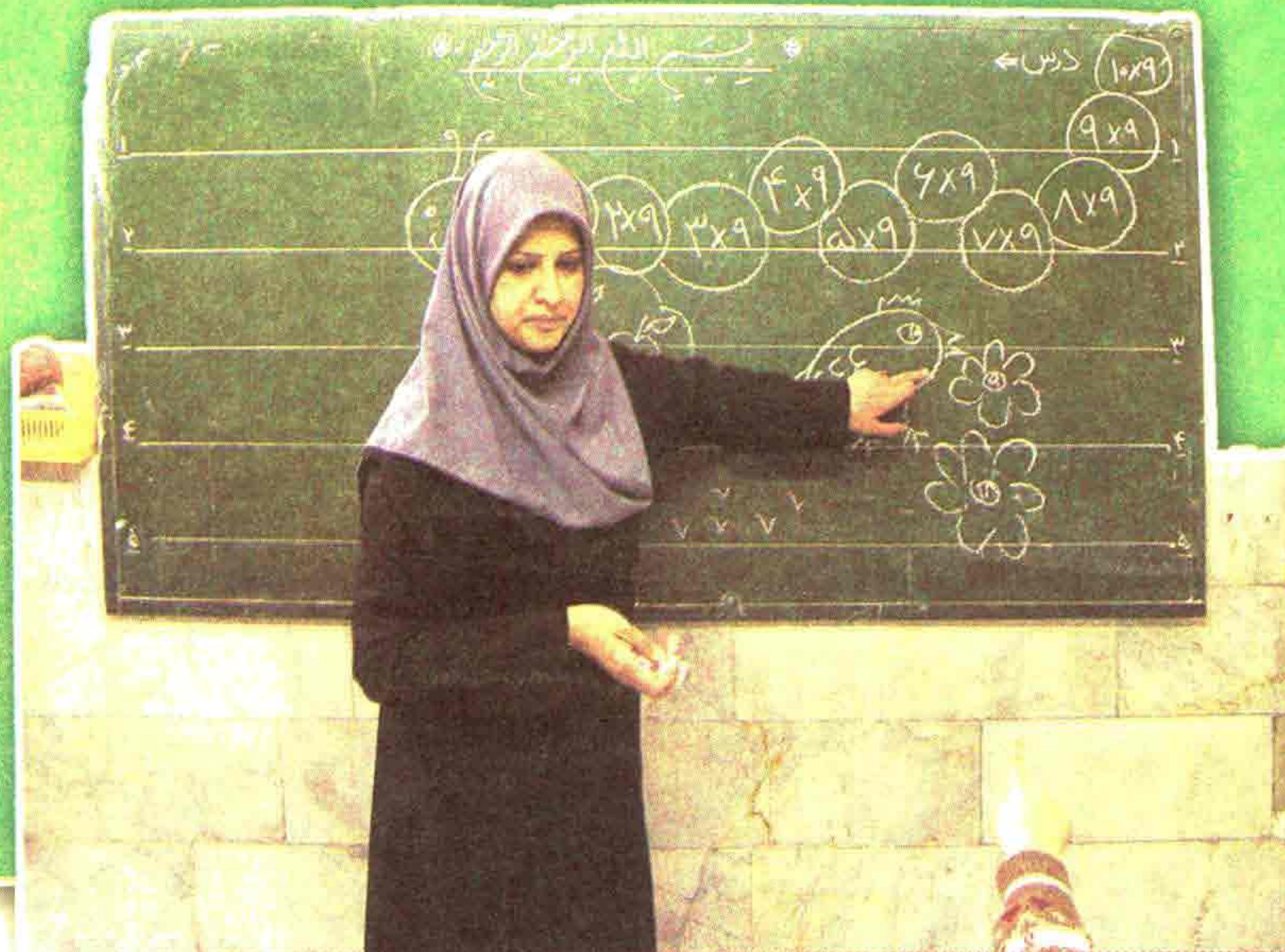
جای آنها در سینه من است و آنها را خیلی خیلی دوست دارم. همه‌ی آنها را.

● لطفاً خودتان را معرفی کنید.

آمنه کاشی، ۳۶ ساله، معلم پایه سوم.

● چه شد که شغل معلمی را انتخاب کردید؟

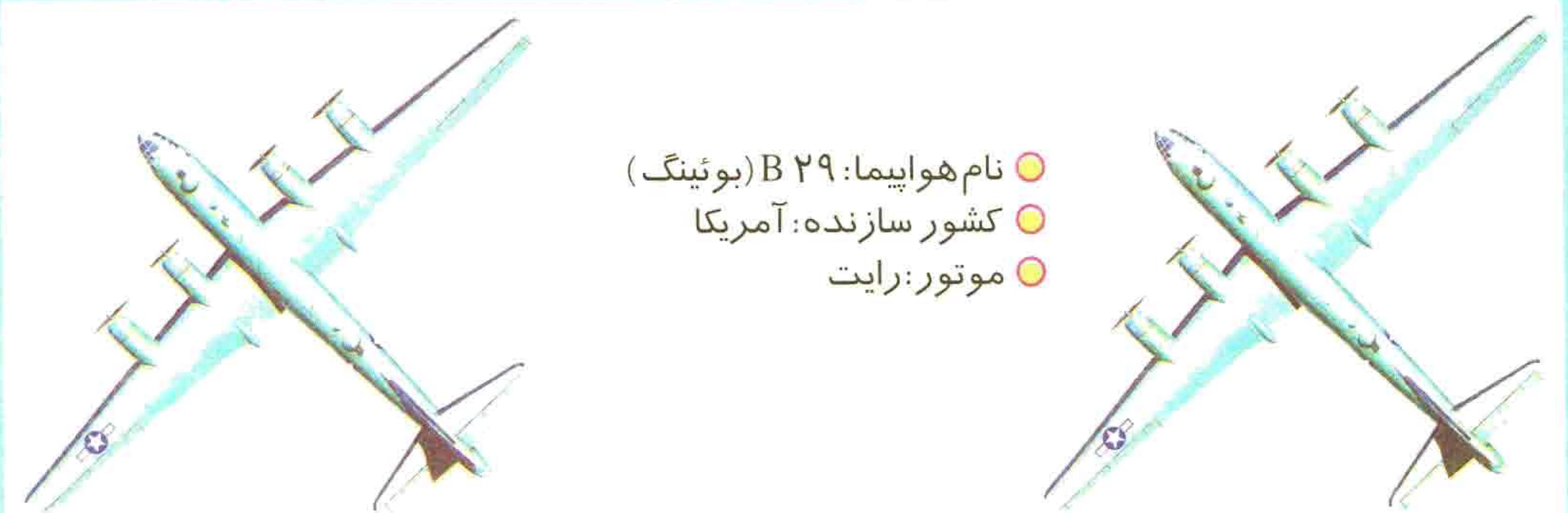
خب من از دوران کودکی دوست داشتم یک معلم باشم. یادم است بازی ام این بود که قرقره‌های خیاطی مادرم را بر می‌داشتیم و به اتفاقی می‌بردم و فرض می‌کردم که آنها دانش آموزان هستند. آنها را مانند یک کلاس درس می‌چیدم و به آنها درس می‌دادم. هیچوقت هم خسته نمی‌شدم اینقدر این بازی را می‌کردم که پدرم می‌آمد در می‌زد و می‌گفت: «بس نیست؟ کلاس درس تمام نشد؟»



نام هواپیما: B ۲۹ (بوئینگ)

کشور سازنده: آمریکا

موتور: رایت





اینجاست اسمش محمد جان نثاری است و الان کلاس اول راهنمایی است. من سالها پیش در این دبستان معلم او بوده‌ام. لطف کرده و به اینجا آمده تا به من سر بزند و حالم را پرسد. قدرشناسی از این بیشتر؟

● اسم معلم کلاس اولتان یادتان است؟

بله، خانم نوری.

● اسم دانش آموزان چند سال قبل را به یاد دارید؟

بله، البته بیشتر اسم‌های کوچک آنها را.

● نظرتان در مورد نفره ۲۰ چیست؟

بیشتر از آن دوست دارم که بچه‌ها مطالب را خوب فراگیرند تا اینکه بخواهند با حفظ کردن درس‌ها نمره‌ی ۲۰ بگیرند.

● زنگ تفریح را دوست دارید؟

خیلی زیاد. بالاخره بعد از ساعتی تدریس به آن احتیاج داریم.

● چند فرزند دارید؟

یک دختر بنام «ملیکا» که در کلاس پنجم دبستان درس می‌خواند و یک پسر ۵ ساله بنام «علی».

● بین شان فرق هم می‌گذارید؟

از لحاظ دوست داشتن نه. هر کدام شیرینی خودشان را دارند.

● چه فرقی بین زمانی که خودتان دانش آموز بودید با حالا می‌بینید؟

خیلی فرق کرده است. امروز بیشتر روی خلاقیت، ابتکار و نوآوری دانش آموزان کار می‌کنیم. تعداد پدر و مادرهای باسواد هم بیشتر است و این خود کمک بزرگی در امر آموزش است.

● بچه‌ها قدرشناس زحمات شما هستند؟

بچه‌ها امانت خدا و والدینشان در پیش ما هستند. تمامی معلمین مانند پدر و مادر خود بچه‌ها و مانند یک با غبان دلسوز هستند. بچه‌ها قدر می‌دانند. اما غیر از این تمامی تلاش یک معلم این است که از هر دانش آموز، یک انسان خوب تربیت کند و می‌داند با این کار علاوه بر اینکه توانسته است خدمتی در حق آن دانش آموز کند، خدارانیز خوشحال کرده است. بسیاری از دانش آموزان من حالا بزرگ شده‌اند و برای خودشان مردی شده‌اند. بعضی‌هایشان ازدواج کرده‌اند. این آقا پسر که الان

حداکثر سرعت: ۵۷۶ کیلومتر در ساعت

وزن: ۳۲۳۶۹ کیلوگرم (بدون بمب)



● چقدر در درس و مشق ملیکا به او کمک می‌کنید؟

بیشترین کمکی که از من می‌خواهد در کارهای فوق برنامه‌اش است. البته بیشتر سعی می‌کنم به جای کمک مستقیم او را راهنمایی کنم و به او می‌گویم چیزی که معلمش را خوشحال می‌کند این است که احساس کند خودت تمام کارها را کرده‌ای. ممکن است کمک گرفتن از یک بزرگ‌سال باعث شود که کار بهتر شود اما من خودم بیشتر دوست دارم که دانش آموز خودش کارش را انجام دهد حتی اگر خیلی خوب نشود. مهم این است که دانش آموز تمام سعی و تلاش خود را انجام دهد.

● شما خیلی خنده‌رو خوش اخلاقید، سر کلاس با بچه‌ها هم همینطورید؟

یا گاهی بد اخلاقی می‌کنید؟

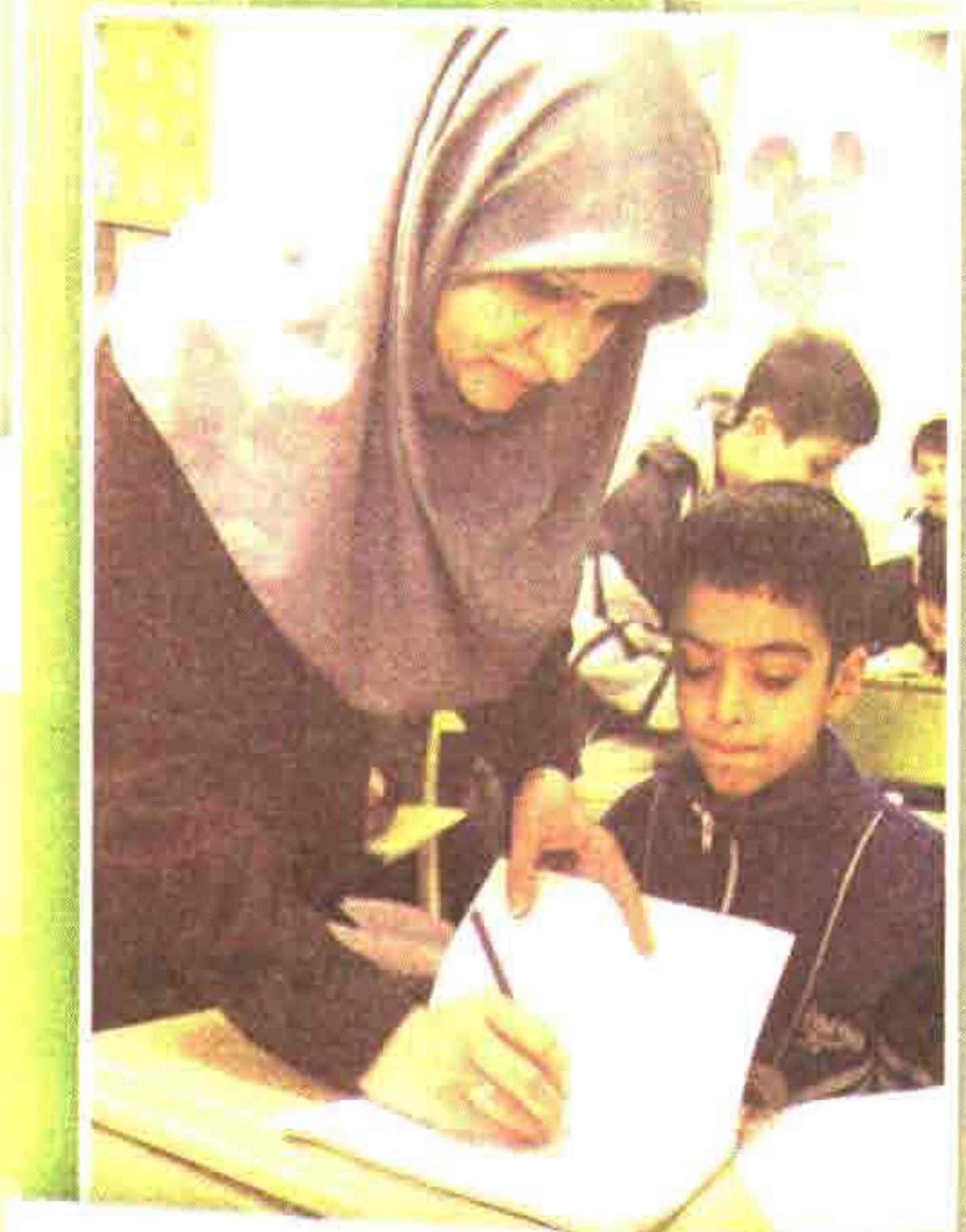
خوش اخلاقم. معمولاً ناراحت نمی‌شوم و بد اخلاقی نمی‌کنم. همه به من می‌گویند که خیلی صبور هستم. نهایت بد اخلاقی که البته خیلی هم کم پیش می‌آید این است که یک نگاه خیره به آنها بیاندازم.

● نظرتان درباره تقلب چیست؟

کار خیلی بدی است اگرچه یک دانش آموز ممکن است برای این کار ناپسند، به نظر خودش دلایلی داشته باشد. معلمی یک هنر است و معلم باید این قدر هنرمند باشد و درسش را به حدی ساده آموزش دهد که فکر تقلب به سر هیچ دانش آموزی خطور نکند. اگر خدای نکرده شاهد رخدادن یک تقلب توسط یکی از بچه‌ها باشم، از آن فرصت برای راهنمایی اش و پیدا کردن راه درست استفاده می‌کنم.

● چه آرزویی دارید؟ چه صحبتی با بچه‌ها دارید؟

قدرت پدر و مادرشان را بدانند. خوب درس بخوانند و از زمانی که در اختیار دارند به نحو احسن استفاده کنند. سعی کنند همواره در پی یادگیری باشند. نه تنها در کلاس درس، بلکه در خارج از کلاس نیز در پی یادگیری باشند. بچه‌ها بدانند که در قلب ما معلمين جای دارند. ما با هم در کلاس زندگی می‌کنیم. بچه‌های عزیزم، درست است که من رو بروی شما و در کنار تخته سیاه هستم، اما دلم با شما و پشت نیمکت‌هاست. با شادی شما شادم و با ناراحتی شما ناراحت. بزرگترین آرزویم این است که بچه‌ها در کلاس بزرگ زندگی هم از خدا نمره‌های خوبی بگیرند و دفتر زندگی‌شان پر از ستاره باشد.

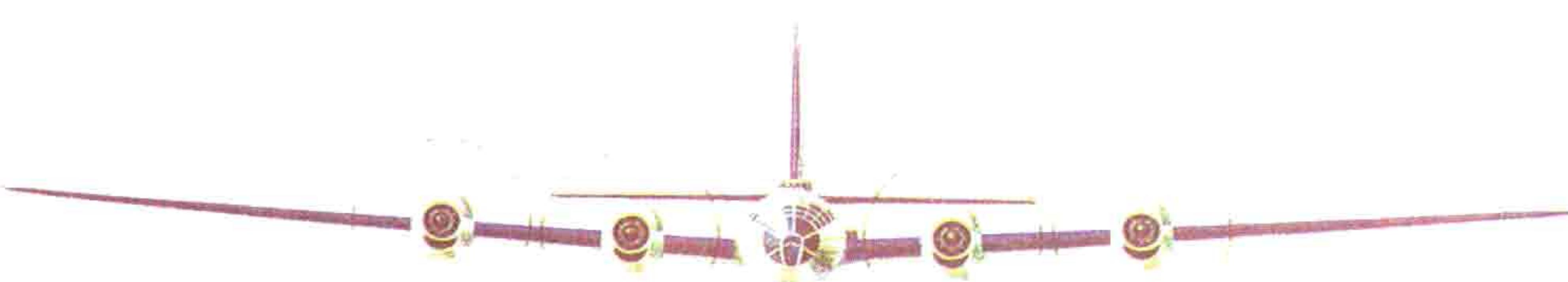


آقا پسری که اکنون دانش آموز دوران راهنمایی است و به این دبستان آمده است تا به معلم دوران دبستانش سر بزند.



● طول بال: ۳ متر و ۱۸ سانتی‌متر

● اسلحه: ۱۲ مسلسل ۷/۱۲ میلی‌متر - یک مسلسل ۲ میلی‌متری - ۹۰۷۲ کیلوگرم بمب





بهار ففیں پکن

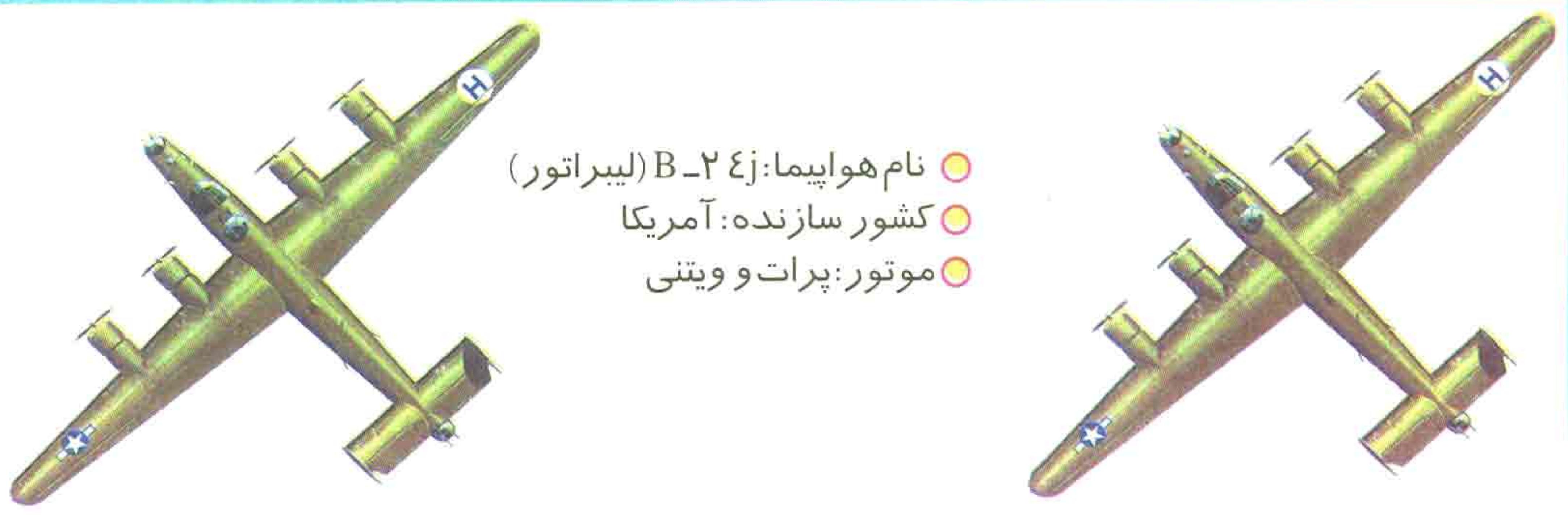
عکس‌هایی که جهان را تکان داد

• عکاس: جف وایدنر

• مکان: میدان «تیان آن من»، پکن - پاییخت چین

• تاریخ عکسبرداری: ۱۵ خرداد ۱۳۶۸ هجری شمسی (۵ ژوئن ۱۹۸۹ میلادی)

تصویر دانشجوی چینی که در برابر رژیم تانک‌های ارتتش چین در میدان «تیان آن من» پکن ایستاد، یکی از تکان‌دهنده‌ترین عکس‌هایی بود که در دهه‌ی ۸۰ میلادی در مطبوعات جهان به چاپ رسید. چینی‌ها که در سال ۱۹۴۹ میلادی به‌رهبری «مائو تسه تونگ» انقلاب بزرگی را برپا کرده بودند، عقیده داشتند که باید بی‌عدالتی‌های اجتماعی و نبودن آزادی در سراسر چین از بین برود. اما مدت‌ها پس از مرگ مائو و در زمان حکومت «تونگ شیائو پینگ»، استبداد، فساد و نبودن آزادی باعث شد تا مردم چین به خصوم دانشجویان، به سیاست‌های حکومت چین اعتراض کنند. در پنجم ژوئن سال ۱۹۸۹ میلادی، هزاران دانشجوی چینی در میدان «تیان آن من» پکن جمع شدند و با شعارهای «شیائو پینگ، متشرکیم و خدا حافظ»، «بیشتر از این دروغ نگویید!»، «هرگز برنگرد» خشم خود را به دولتمردان چینی اعلام کردند. متأسفانه این تظاهرات به خاک و خون کشیده شد و صدها دانشجو کشته و زخمی شدند.





راهبان در مسیحیت

صدها سال است که گروهی از معتقدین به مسیحیت، از زندگی اجتماعی کناره‌گیری می‌کنند و در مکان‌هایی به نام «دیر» یا «صومعه»، به عبادت و زندگی می‌پردازند. به مردانی که این روش زندگی را در پیش می‌گیرند، «راهب» و به زنان، «راهبه» گفته می‌شود. راهب و راهبه‌ها اجازه‌ایزدواج و تشکیل خانواده ندارند. این نوع زندگی در مذهب کاتولیک و ارتودکس رواج دارد.



پوشش راهبه‌ها و راهب‌ها در حدود پانصد سال پیش.

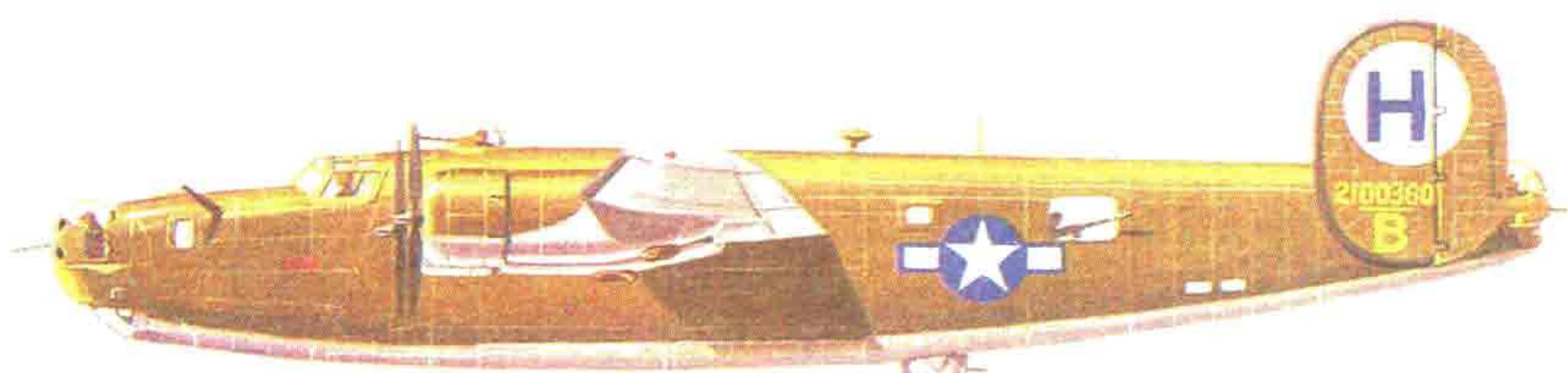
راهبه‌های مسیحی در حال کار کردن

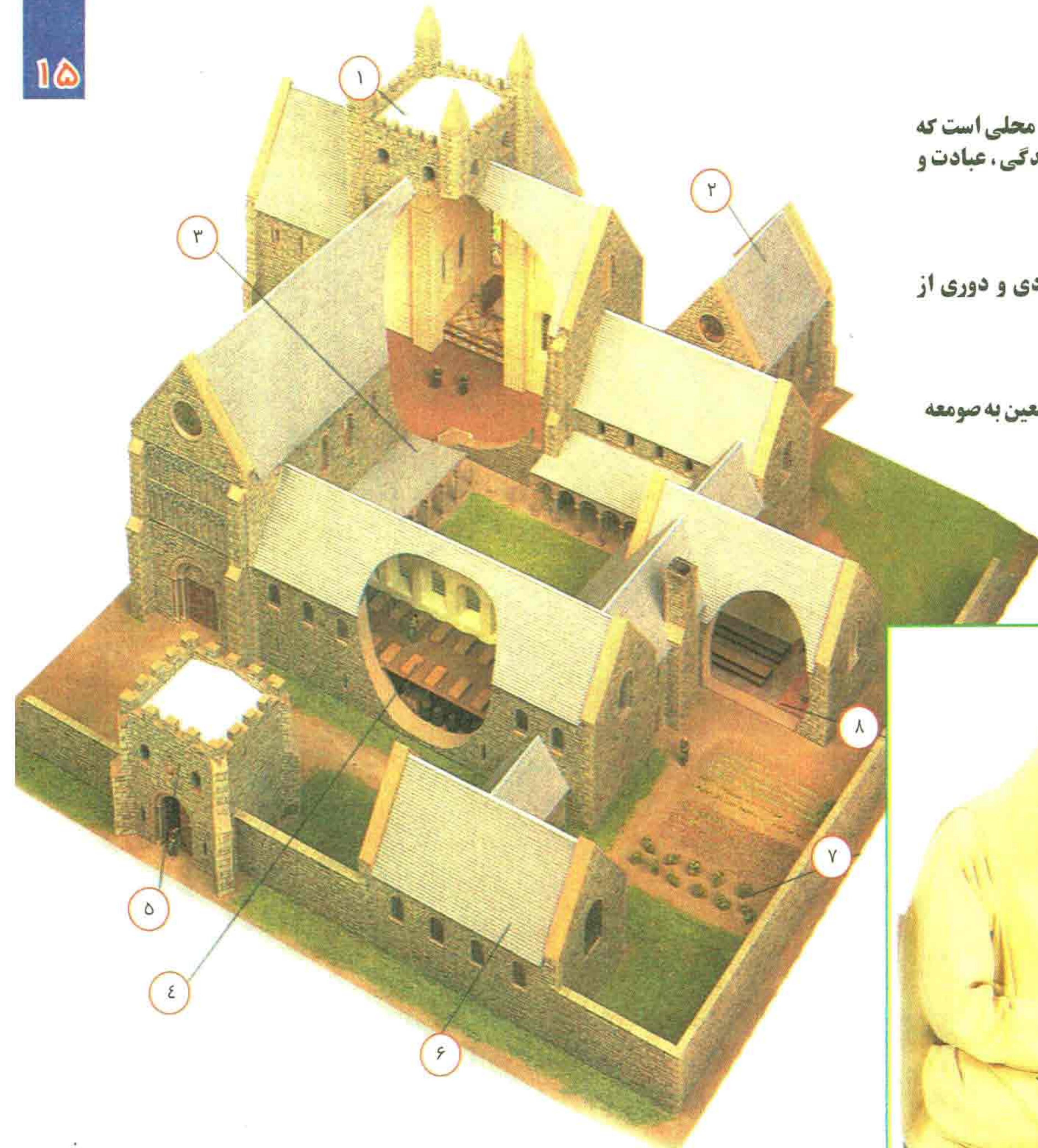


گروه دیگری از مسیحیان که به رهبانیت و دوری از زندگی اجتماعی اعتقاد دارند، «قبطیان» نام دارند. قبطی‌ها در قرن سوم پس از میلاد مسیح (ع) در مصر زندگی می‌کردند. آنها به زندگی در بیابان کشیده شدند و امروزه نیز به گوشه‌نشینی و عبادت خداوند می‌پردازد. کلیساي قبطیان با کلیساي بقیه مسیحیان فرق دارد.



حداکثر سرعت: ۴۶۷ کیلومتر در ساعت
وزن: ۱۶۵۵۶ کیلوگرم (بدون بمب)





* «صومعه» یا «دیر» محلی است که راهبان مسیحی در آنجا به زندگی، عبادت و پرستش خداوند می‌پردازند.

- ۱) کلیسا
- ۲) دفتر صومعه
- ۳) محلی برای مطالعه انفرادی و دوری از دیگران
- ۴) خوابگاه راهبان
- ۵) در رودی «صومعه»
- ۶) درمانگاه برای درمان مراجعین به صومعه
- ۷) باغ کشت گیاهان
- ۸) سالن غذاخوری صومعه



شمعدان و شمع در صومعه‌ها و دیرها هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد. راهبان از غروب تا سور شمع روشن می‌کنند. به عقیده‌ی آنها، اندیشه‌ی مسیح (ع) همچون شمعی روشن بود که جهان تاریک را نورانی نمود.

یک راهب مسیحی که در سکوت و آرامش در حال مطالعه است.



طول بال: ۲۰ متر و ۴۷ سانتی‌متر
اسلحه: ۱۰ مسلسل ۱۲/۷ میلی‌متری - ۳۹۹۲ کیلوگرم بمب

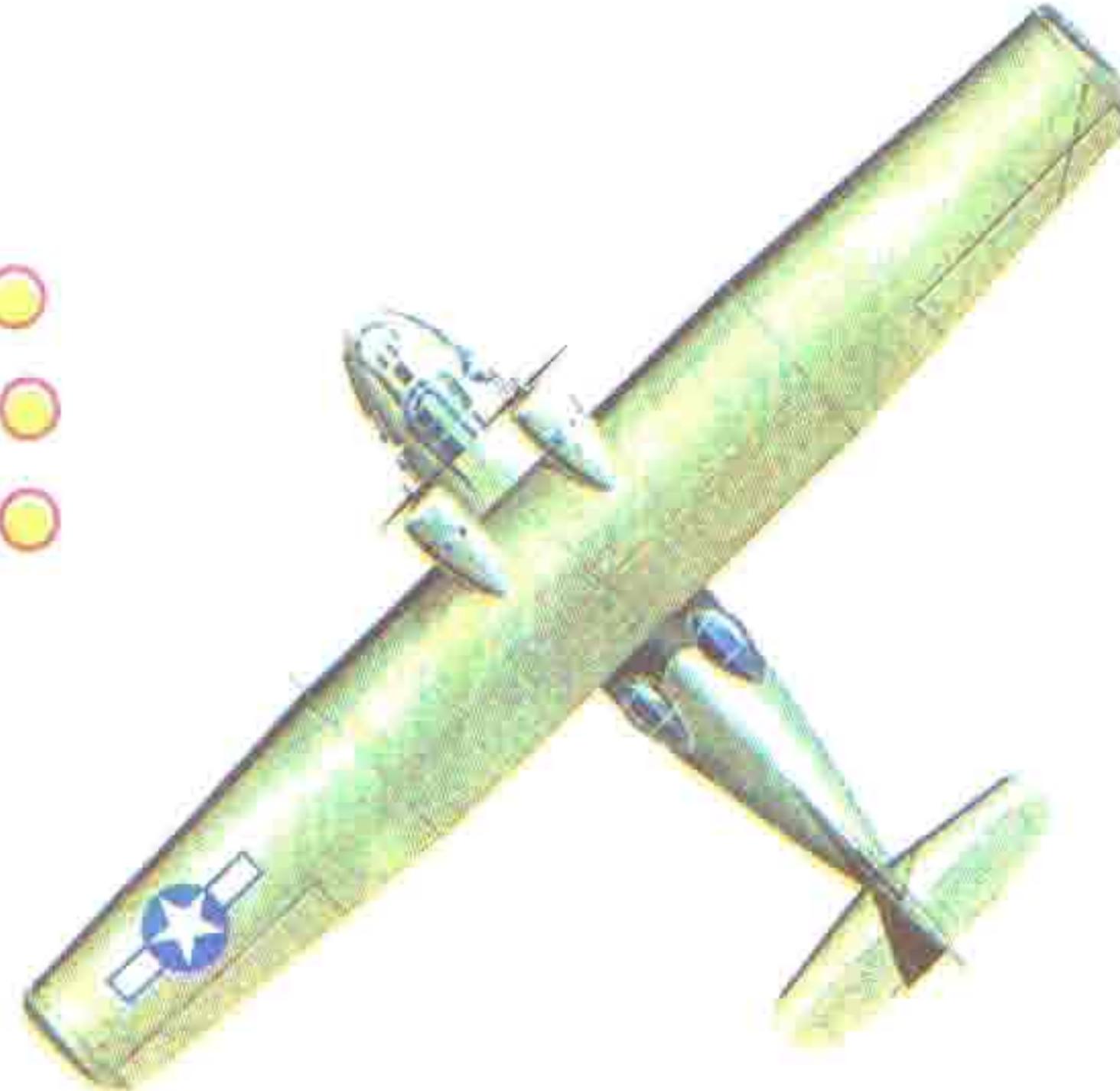
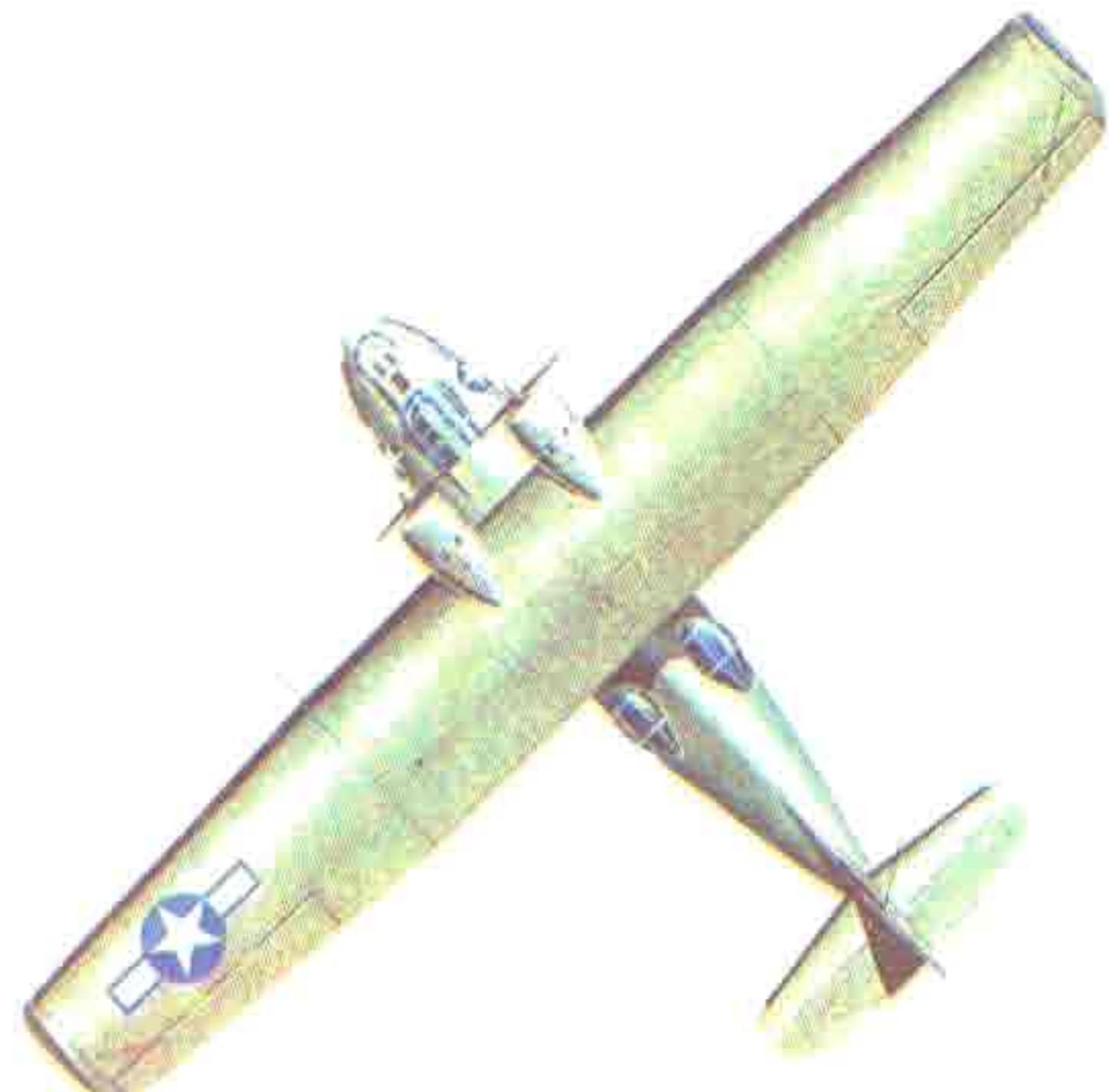


چشم انسان در فضا

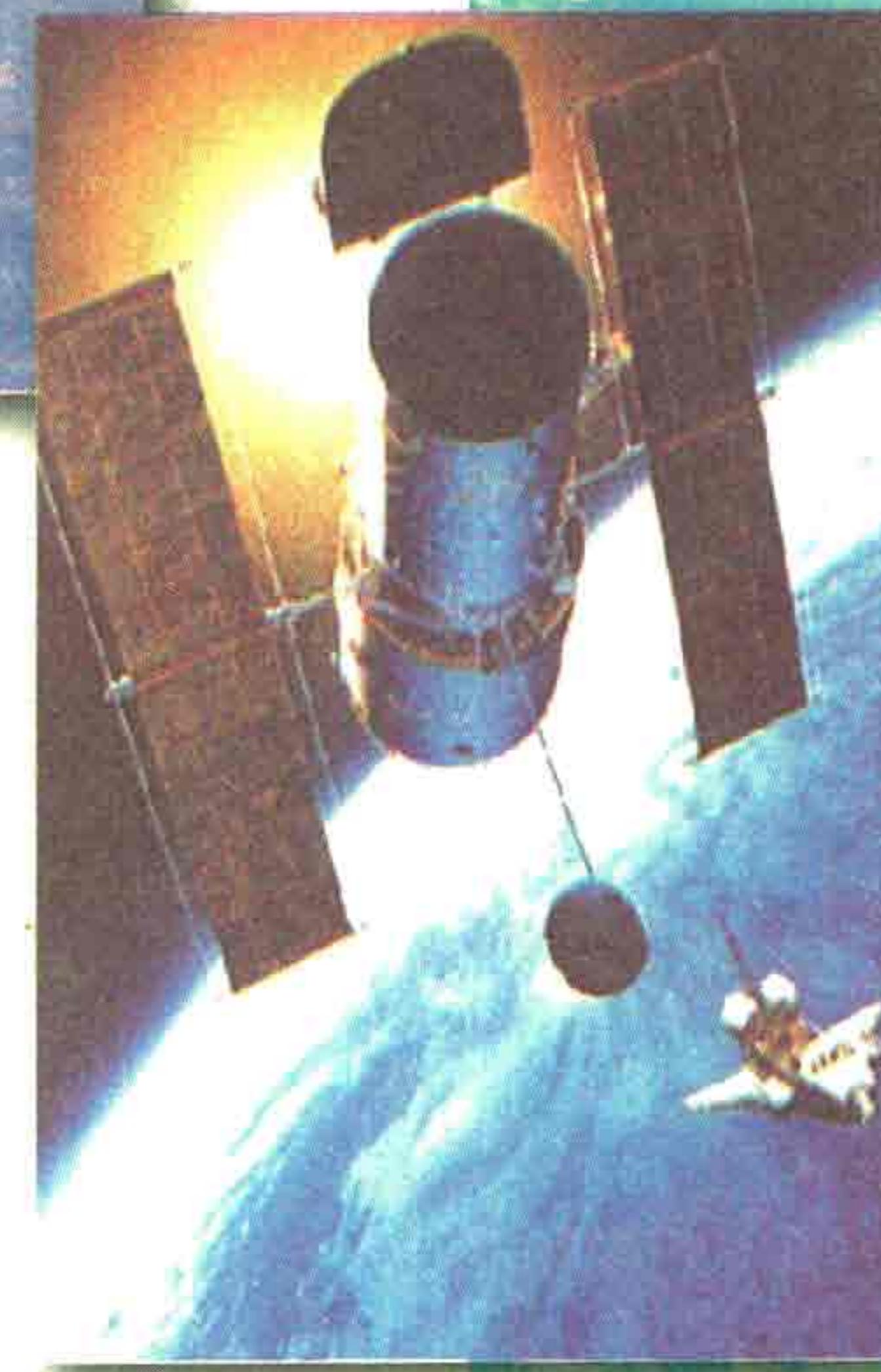
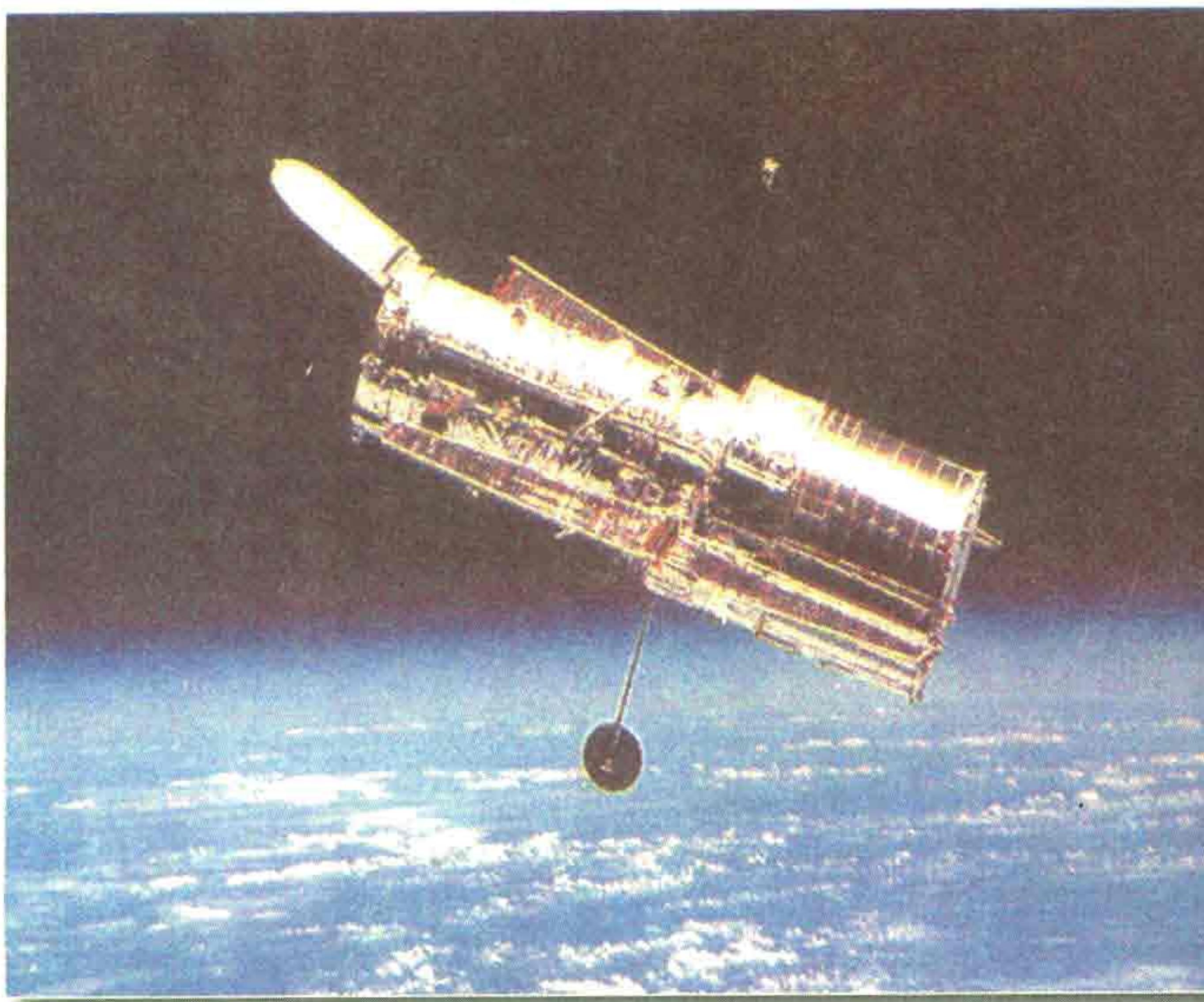


تلسکوپ فضایی «هابل» آرام و بی‌صدا از ارتفاع ۶۰۰ کیلومتری بالای زمین، تصاویر و اطلاعات ارزشمندی از سیارات و فضا به زمین ارسال می‌کند. هابل، چشم همیشه بیدار انسان در فضای بی‌کران است که از سال ۱۹۹۰ میلادی در فضا قرار گرفته است. این تلسکوپ فضایی در سه مرحله با تجهیزات جدید، مجهز شده است. اولین بار در سال ۱۹۹۳ لوازم جدیدی به تلسکوپ اضافه شد. سپس در سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ ۱۹۹۹ بار دیگر تجهیزات دیگری به هابل افزوده شد. آخرین تعمیر و بازسازی این تلسکوپ فضایی در سال ۲۰۰۲ میلادی انجام گرفت.

- نام هوایپما: PBY - کاتالینا
- کشور سازنده: آمریکا
- موتور: پرات و ویتنی



ادوین هابل

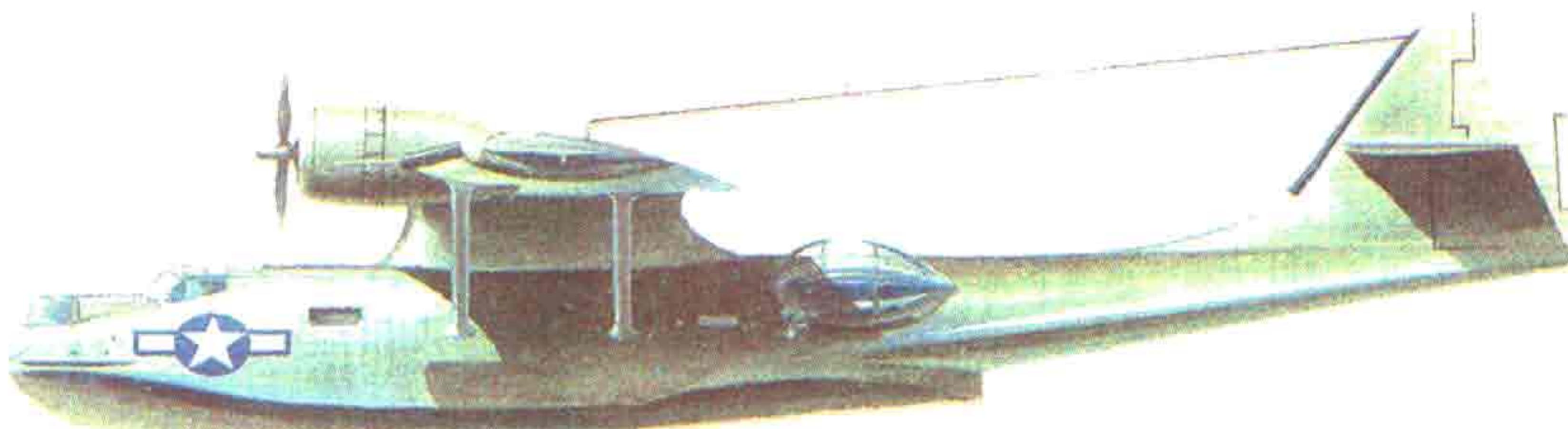


وزن تلسکوپ یازده هزار و ششصد کیلوگرم است و می‌تواند در مدت ۹۶ دقیقه با سرعت ۱۷ هزار متر در ساعت، یک دور مدار خود را به پیماید. این تلسکوپ برای تامین نیرو و انرژی مورد نیاز خود دو پانل بزرگ خورشیدی دارد که انرژی خورشید را جمع آوری می‌کند و در باتری‌های مخصوص نیکل آنهارابه شکل انرژی الکتریکی درمی‌آورد.

تلسکوپ فضایی هابل به افتخار دانشمندی به نام «ادوین هابل» نامگذاری شده است. ادوین هابل در ابتدا در دانشگاه شیکاگو آکسفورد، درس حقوق می‌خواند. مدتی مشتزنی کرد و سپس به دانش ستاره‌شناسی علاقمند شد. او نظریه‌ای در علم ستاره‌شناسی به وجود آورد که براساس آن، جهان روز به روز، بزرگتر و بزرگتر می‌شود. این نظریه، کمی بعد باعث پیدایش نظریه «بیگ بنگ» در مورد تشکیل جهان شد. براساس این نظریه، پیدایش جهان براساس انفجاری بزرگ صورت گرفته است.

هابل، اولین تلسکوپی نیست که انسان به فضا فرستاده است. پیش از این، در سال ۱۹۷۲ میلادی، اولین تلسکوپ فضایی به نام «کوپرنیک» در مدار اطراف زمین قرار داده شد. تلسکوپ‌های فضایی فقط به کار عکسبرداری نمی‌پردازند، آنها شکل‌های مختلف تشعушات فضایی و طیف‌های الکترومغناطیسی را هم مطالعه می‌کنند.

حداکثر سرعت: ۳۰۶ کیلومتر در ساعت
وزن: ۹۴۸۵ کیلوگرم (بدون بمب)



قصه های قهرمانی

قسمت آخر



پهلوان اکبر خراسانی

محمد علی دهقانی

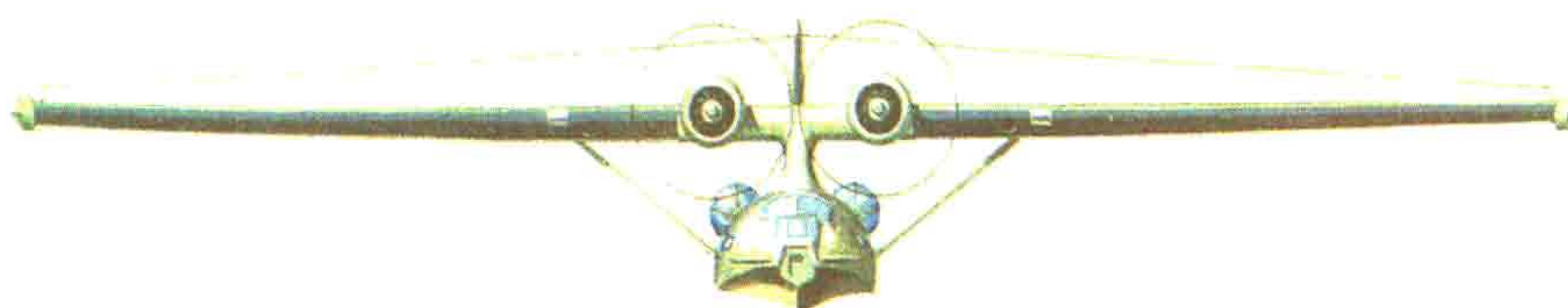


پهلوان اکبر را به غریبه کرد و پرسید: «شما با کسی کار دارید؟»

غریبه جواب داد: «من پهلوان «حبیب مراغه‌ای» هستم. شنیده‌ام در تهران پهلوانی به نام اکبر خراسانی پیدا شده و آمده‌ام تا با او کشتی بگیرم.»

همه حاضران در زورخانه با شنیدن این کلمات به طرف آن دو برگشته‌ند و با کنجکاوی گوش خواباندند. پهلوان اکبر لحظه‌ای فکر کرد و رو به پهلوان تازه وارد گفت: «اگر قبول کنی که یک دست کشتی با من بگیری و مرا به زمین بزنی، من هم پهلوان اکبر خراسانی را به شما نشان خواهم داد!»

مرد غریبه این پیشنهاد را قبول کرد. آن وقت پهلوان اکبر در میان سکوت و نگاه‌های پر از شوک و انتظار حاضران، لخت شد و شلوار مخصوص کشتی باستانی را پوشید و داخل گود رفت و شروع کرد به نرمش کردن. شاگردان هم که از قصد و نیت استاد باخبر شدند، زوداً گود بیرون آمدند و لباس پوشیدند و روی سکو به تماشا نشستند. وقتی گود از ورزشکاران خالی شد، پهلوان حبیب مراغه‌ای هم شلوار کشتی پوشید و توی گود آمد و در مقابل پهلوان اکبر قرار گرفت. پهلوان اکبر راست در چشم‌های حریف نگاه کرد و گفت: «من قبل از کشتی، فنی را که به تو خواهم زد، می‌گویم!» پهلوان حبیب مراغه‌ای، در حالی که



• طول بال: ۱۹ متر و ۴۵ سانتی متر

• اسلحه: ۴ مسلسل ۱۲/۷ میلی متری - یک مسلسل ۶/۷ میلی متری - ۱۸۱۴ کیلوگرم بمب

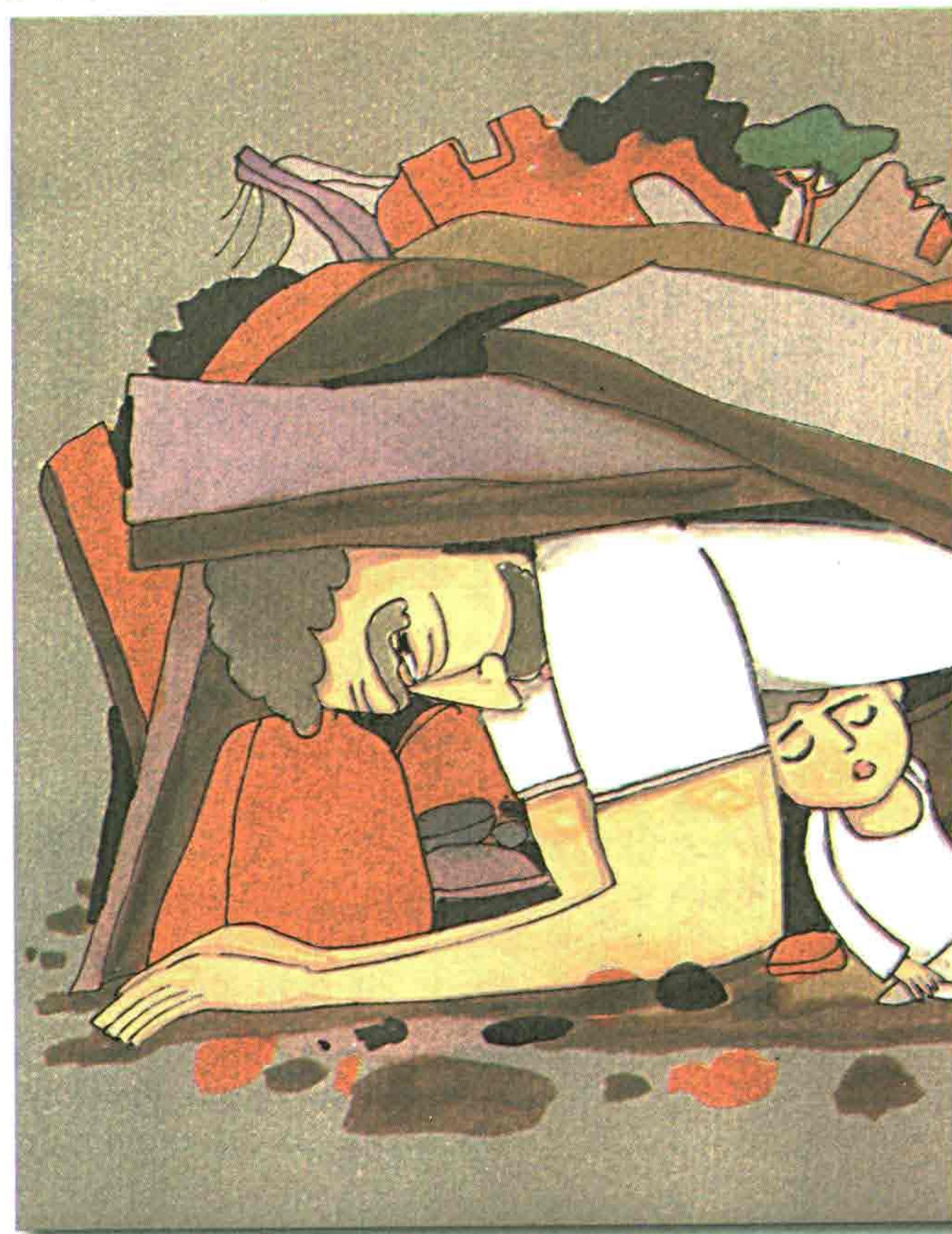
از این پیش خبر دادن حریف آزرده و ناراحت شده بود و احساس می کرد کوچک شده است، جواب داد: «اشکالی ندارد، فن خودت را بگو! ولی این طور که معلوم است، خیلی به خودت اطمینان داری!»

پهلوان اکبر گفت: «البته که باید به خودم مطمئن باشم. چون سالها تمرین کرده و رنج و ریاضت کشیده ام. حالا بیا شروع کنیم: فنی که من تو را با آن می اندازم، «رَکبی» است. مواطن خودت باش!»

دو پهلوان با هم سرشاخ شدند. پهلوان حبیب سخت مقاومت می کرد. او پیش از اندازه ورزیده و نیرومند بود. خیلی زود راهی برای انداختن او به نظر پهلوان اکبر رسید. خواست آن فن را به کار ببرد، اما پشیمان شد و از این کار خودداری کرد. چون او فن زمین زدن حریف را از پیش به او گفته بود و دور از جوانمردی و اخلاق می دانست که برخلاف آن عمل کند. پس منتظر فرصت ماند تا فن رَکبی را به کار بزند. از طرفی حریف هم زرنگ و هوشیار بود و برای اجرای این فن به آسانی راه نمی داد. کشمکش تا سه دقیقه به درازا کشید و این فرصت دست نداد. این زمان برای خاک کردن حریفی مانند حبیب زیاد بود. پهلوان اکبر نگران شد. باید زودتر کار حریف را یکسره می کرد. چشم های زیادی نگران او بود و خودش هم داشت خسته می شد. همه هوش و حواس خود را جمع کرد و یکدفعه فرصتی پیدا کرد و به سرعت برق و باد فن رَکبی را به کار زد و پهلوان حبیب مراغه ای به سختی زمین خورد.

وقتی پهلوان حبیب از جا بلند شد، دستی به سرشاره های خاکی خود کشید و با شگفتی از حریف پرسید: «تو کی هستی؟» پهلوان اکبر لبخندی زد و گفت: «من همان پهلوان اکبر خراسانی هستم که وصفش را شنیده ای!»

پهلوان حبیب جلو رفت و دستی به شانه حریف زد و گفت: «به حق و انصاف تو شایسته مقام پهلوانی هستی. چون من پیش از این فکر نمی کردم پهلوانی پیدا شود که پشت مرا به خاک برساند!»



نام هوایپما: D-40 - کیتبی هاوک

کشور سازنده: آمریکا

موتور: آیلسون



در باره دلیری، قدرت و مقاومت بدنی پهلوان اکبر خراسانی قصه‌ها نوشته‌اند. یکی از قصه‌ها این است که: روزی در خانه‌اش، میان اتاقی نشسته و با کودک هشت ساله‌اش سرگرم بازی بود. ناگهان وضع هوا به هم ریخت و رعد و برق شدیدی برخاست و زلزله سختی زمین را تکان داد؛ طوری که سقف و دیوارهای خانه شکافته شد و فرو ریخت. حادثه آن قدر ناگهانی بود که پهلوان اکبر هیچ فرصتی برای فرار نداشت. فقط در یک لحظه خودش را روی پسرش انداخت و در حالی که کف دو دست و دو زانوی خود را روی زمین گذاشته بود، پسرک رازیر پل بدن خود نگاه داشت و گذاشت آوار بر پشت او بشیند!

پهلوان، دوازده ساعت با همین وضع زیر آوار ماند و دم نزد، تانیروی کمکی رسید. قدرت و استقامت بدنی او حیرت‌انگیز بود. وقتی مردم بعد از دوازده ساعت تیرهای چوبی را برداشتند و خاکها را کنار زدند، کسی باورش نمی‌شد که پهلوان اکبر و پسرش هنوز زنده هستند!



«قیام»، در قرآن مجید هم به تعداد زیاد آمده است و هم در معانی مختلف به کار رفته است. اولین معنای آن «برخاستن» و «ایستادن» است؛ یعنی نقطه مقابل «قعود» به معنای «نشستن». معنای دوم «قیام»، «توقف» است، یعنی: از حرکت ایستادن. معنای سوم آن، دوام، ثابت بودن و استواری است. یک معنای دیگر «قیام»، «عزم» و «اراده» است: عزم و اراده شروع کاری یا انجام دادن عملی. معنای دیگر «قیام»، «وقوع امری»، پیش آمدن حالتی یا مشغول شدن به کاری است. «قیام» به معنای «نماز» هم هست و چون نماز به حالت ایستاده آغاز می‌شود، و بیشتر ذکرهای آن در حالت «ایستاده» است، آن را «قیام» گفته‌اند. بالاخره معنای دیگری از «قیام» که در اصطلاح خود ما فارسی زبان‌ها به کار می‌رود؛ جنگ، شورش و یا مبارزه است، مثل: قیام تاریخی ۱۵ خرداد ۴۲، که نقطه شروع انقلاب اسلامی ایران بود.

لغت نامه قرآنی

حروف: «ق»

«قیام»

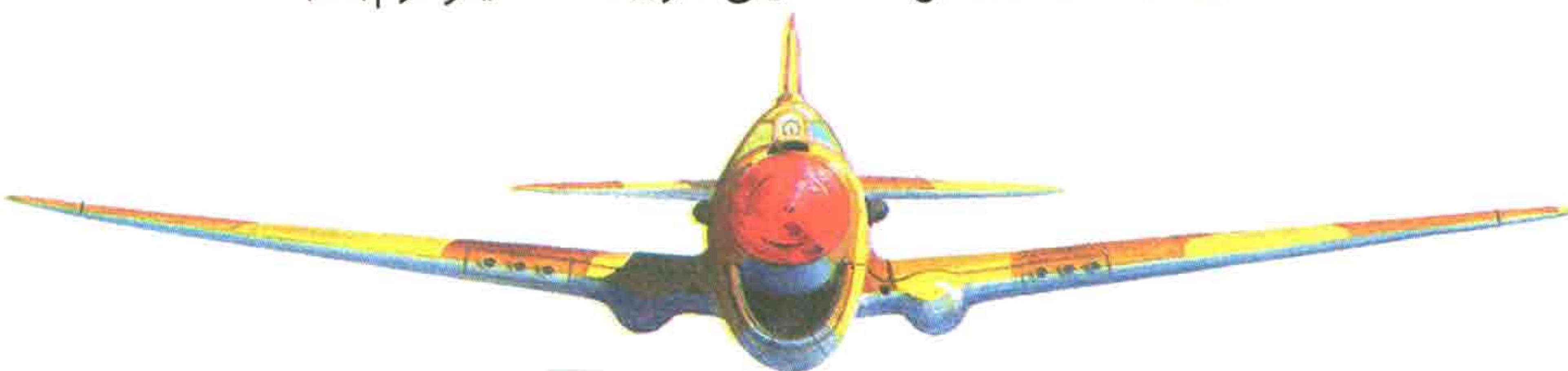
- حداکثر سرعت: ۶۰ کیلومتر در ساعت
- وزن: ۲۷۲۲ کیلوگرم (بدون بمب)

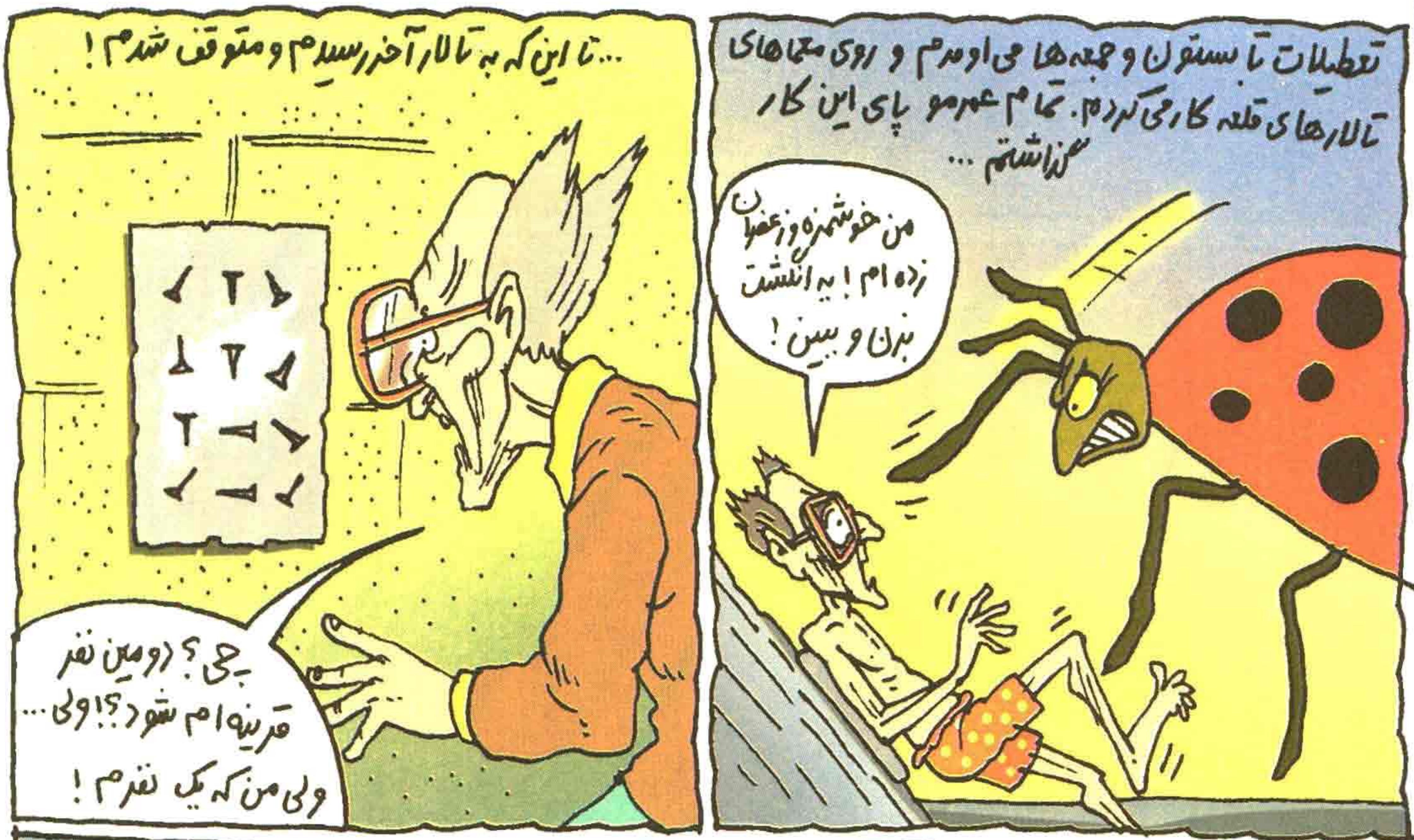


جویندگان جام جهانی (۱۳) مانا نیستانی



طول بال: ۱۰ متر و ۱۶ سانتی متر
اسلحة: ۴ مسلسل ۱۲/۷ میلی متری - ۲۲۷ کیلوگرم بمب





نام هوپیما: SB ۲C - هل دایور

کشور سازنده: آمریکا

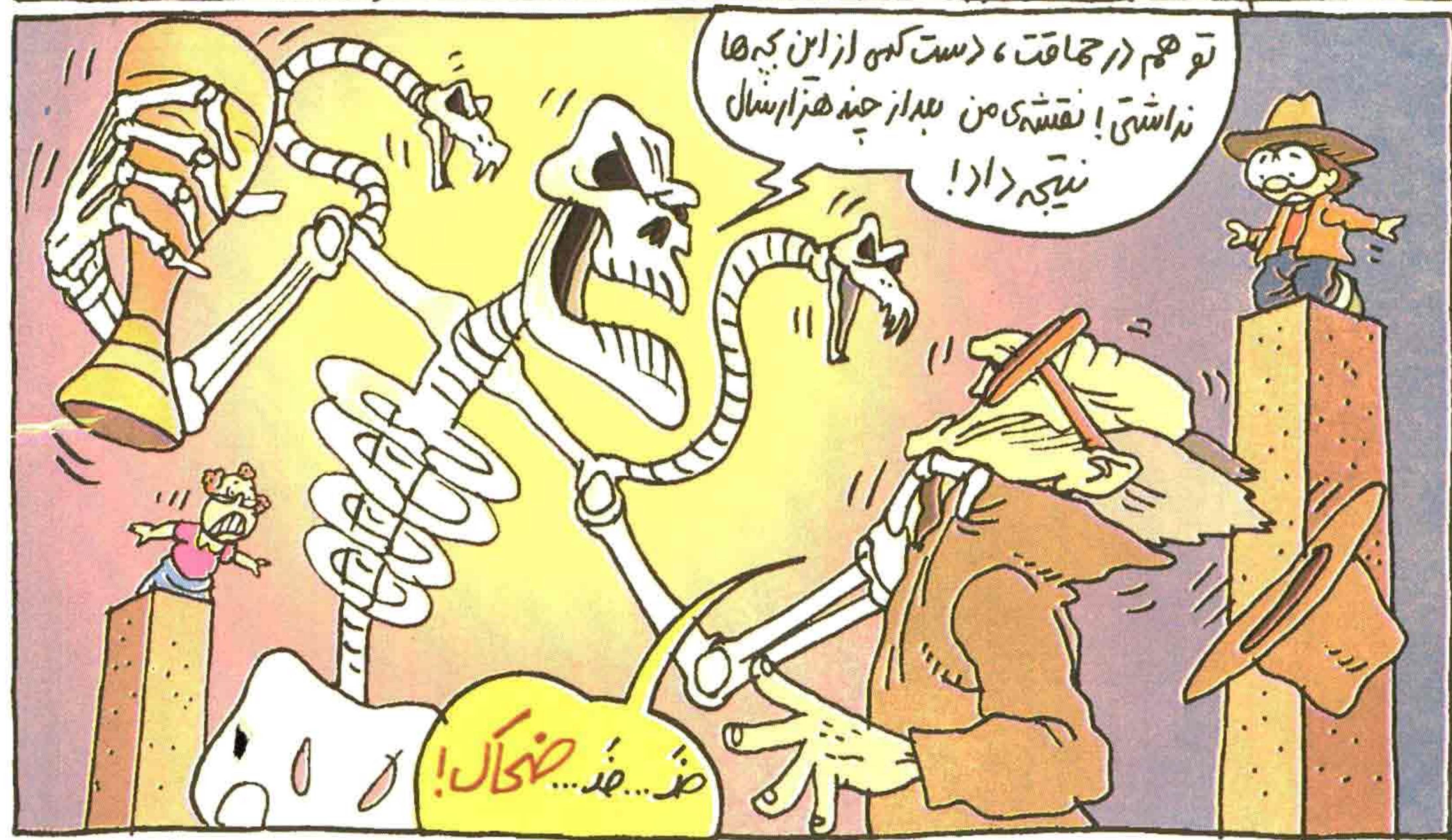
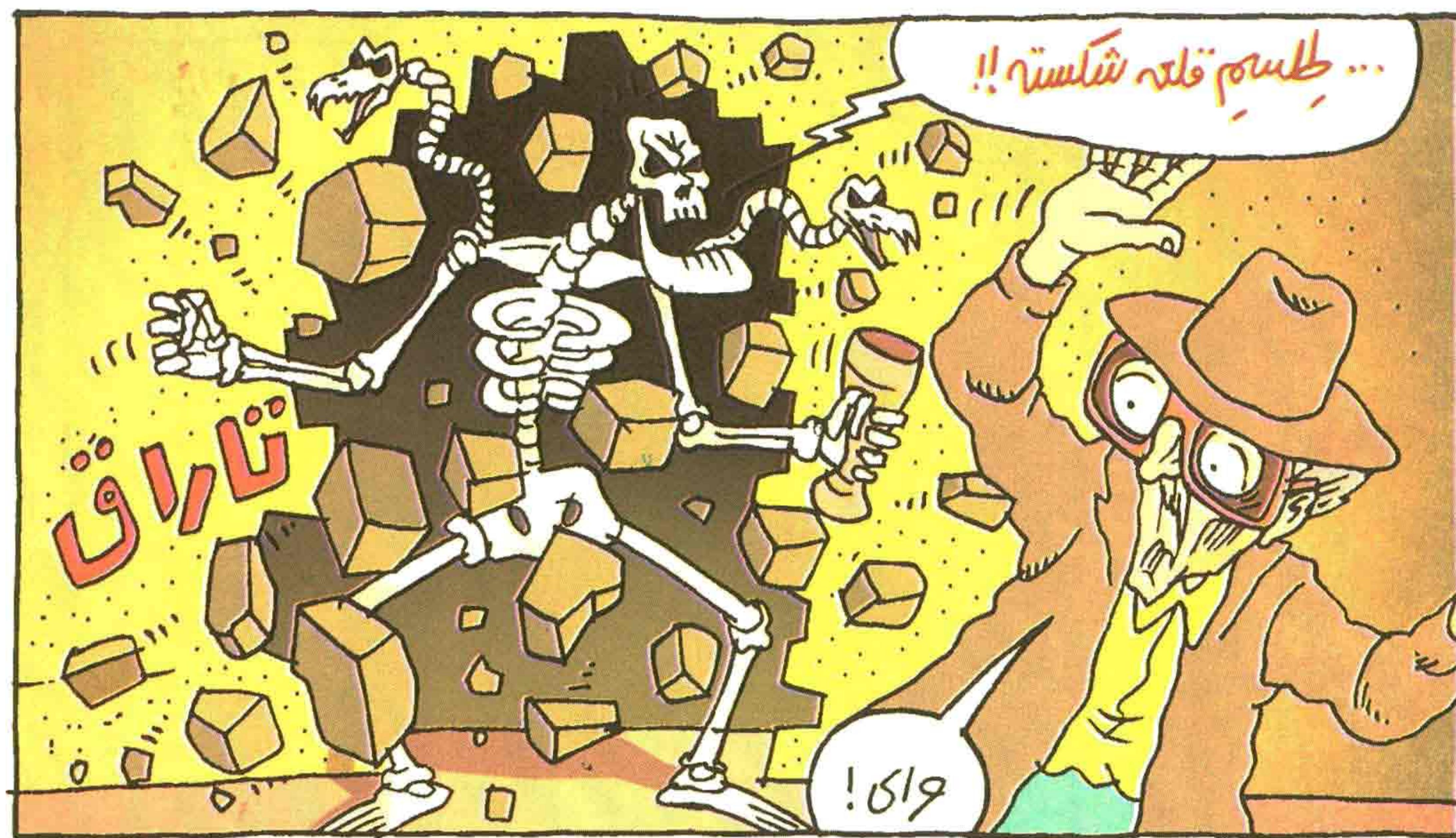
موتور: رایت ۴ سیلندر





حداکثر سرعت: ۴۵۲ کیلومتر در ساعت
وزن: ۷۹۹ کیلوگرم (بدون بمب)

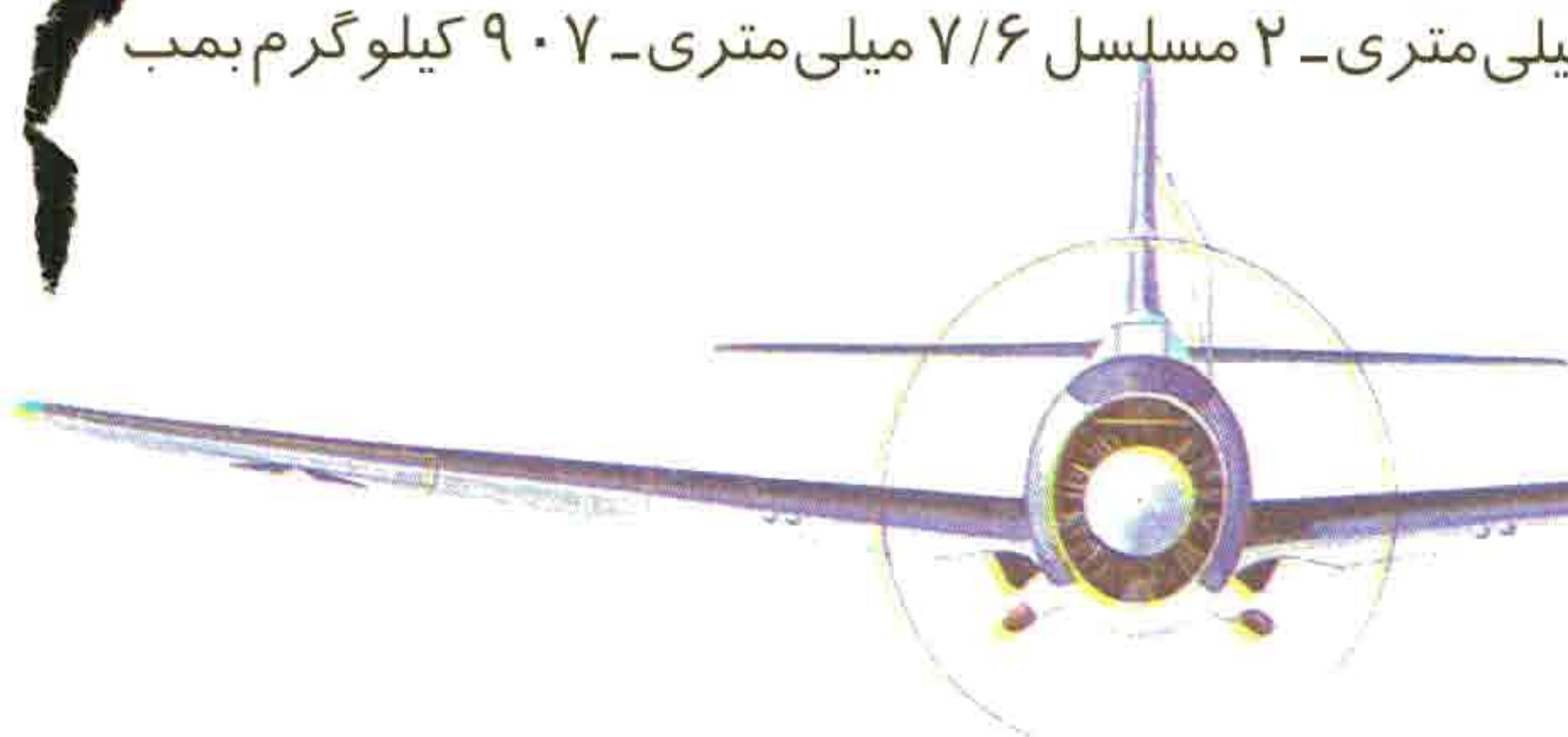


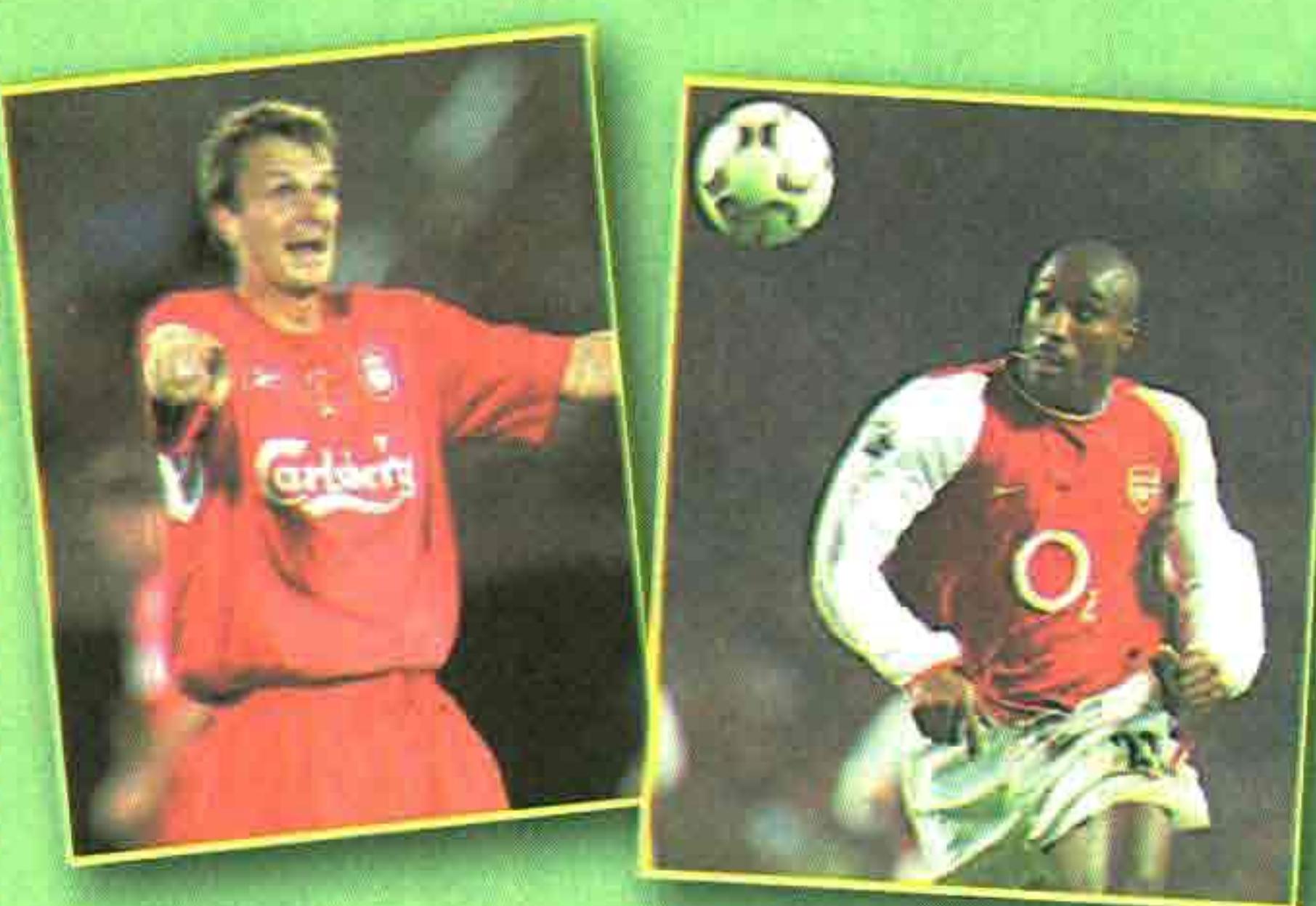


فقط حی توهم به چیزی مگیر... تا هننه کی بعد منظمه می‌وشه!

طول بال: ۱۱ متر و ۱۸ سانتی‌متر

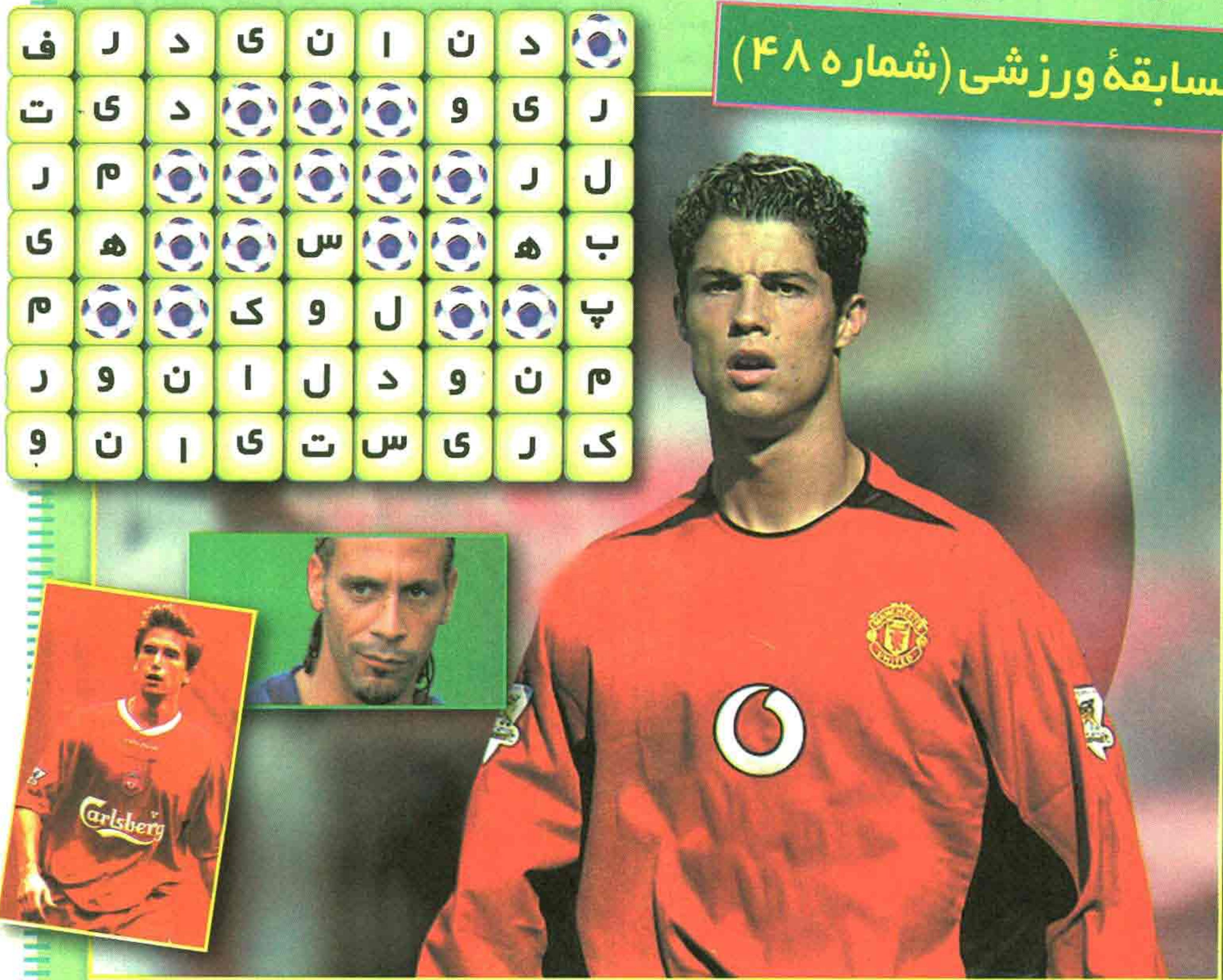
اسلحة: ۴ مسلسل ۷/۶ میلی‌متری - ۷ کیلوگرم بمب





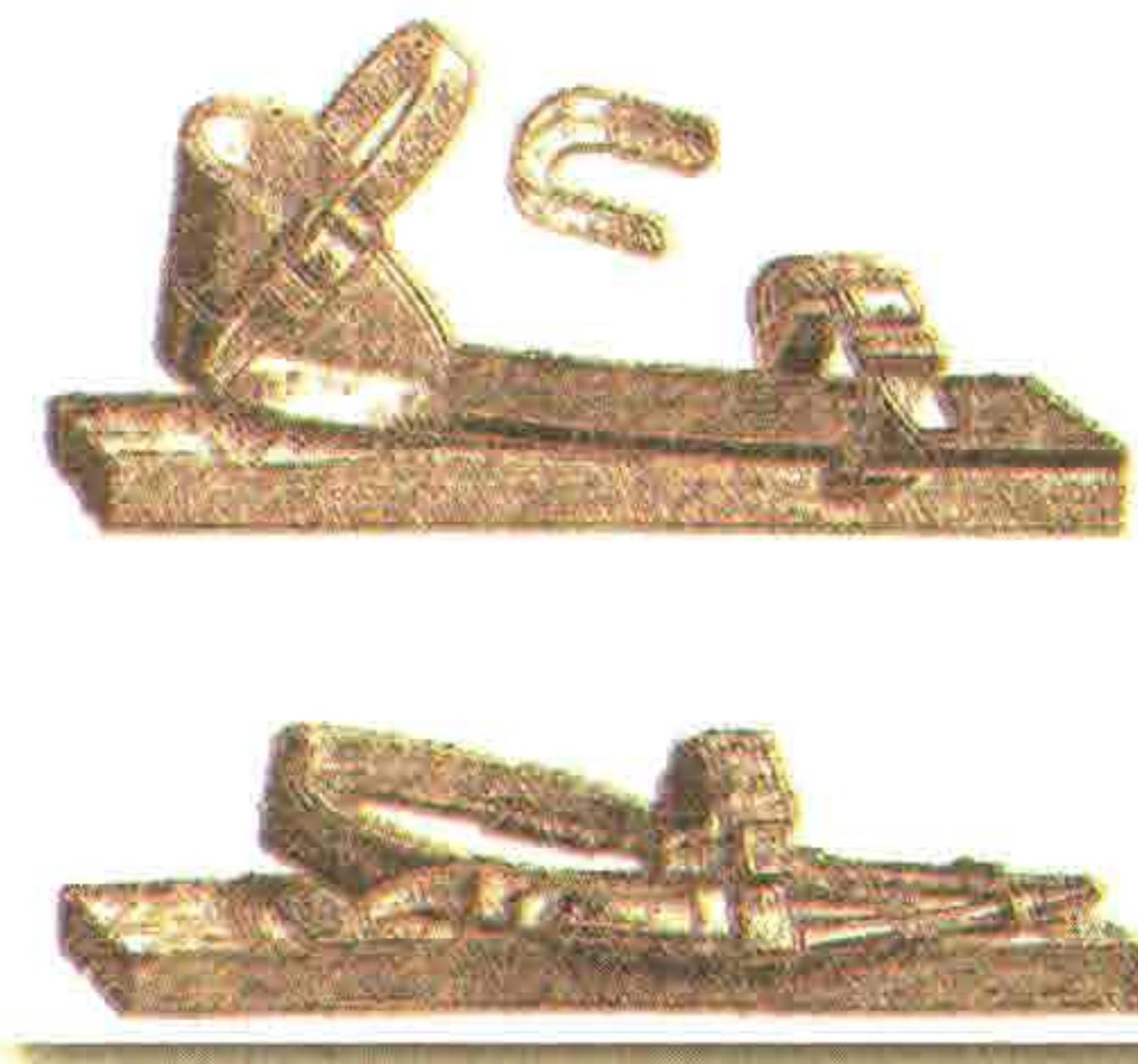
تصویر تعدادی ورزشکار را می‌بینید. نام ۴ نفر از آن‌ها در جدول یه صورت نام و نام خانوادگی، جدا از هم، قرار گرفته است. اما نام نفر پنجم (رمز جدول) حروفش جدا از هم در جدول قرار دارد. برای یافتن رمز جدول، نخست حروف نام و نام خانوادگی ۴ نفر اول را در جدول خط بکشید. یادتان باشد، این حروف از راست به چپ، چپ به راست، بالا به پایین و پایین به بالا در جدول قرار گرفته‌اند و ممکن است حروفشان با هم مشترک هم باشد. وقتی حروف باقی‌مانده را، به ترتیب، کنار هم قرار دهید، نام ورزشکار تصویر پنجم را پیدا می‌کنید که همان رمز جدول است. این نام را به همراه تصویر مربوط به آن به نشانی مجله بفرستید. حتماً روی پاکت زامه بنویسید: «مسابقهٔ ورزشی شماره ۴۸»

مسابقه ورزشی (شماره ۱۴۸۵)



- نام هواییما: داگلاس بوستون
 - کشور سازنده: آمریکا
 - موتور: رایت ۱ سیلندر

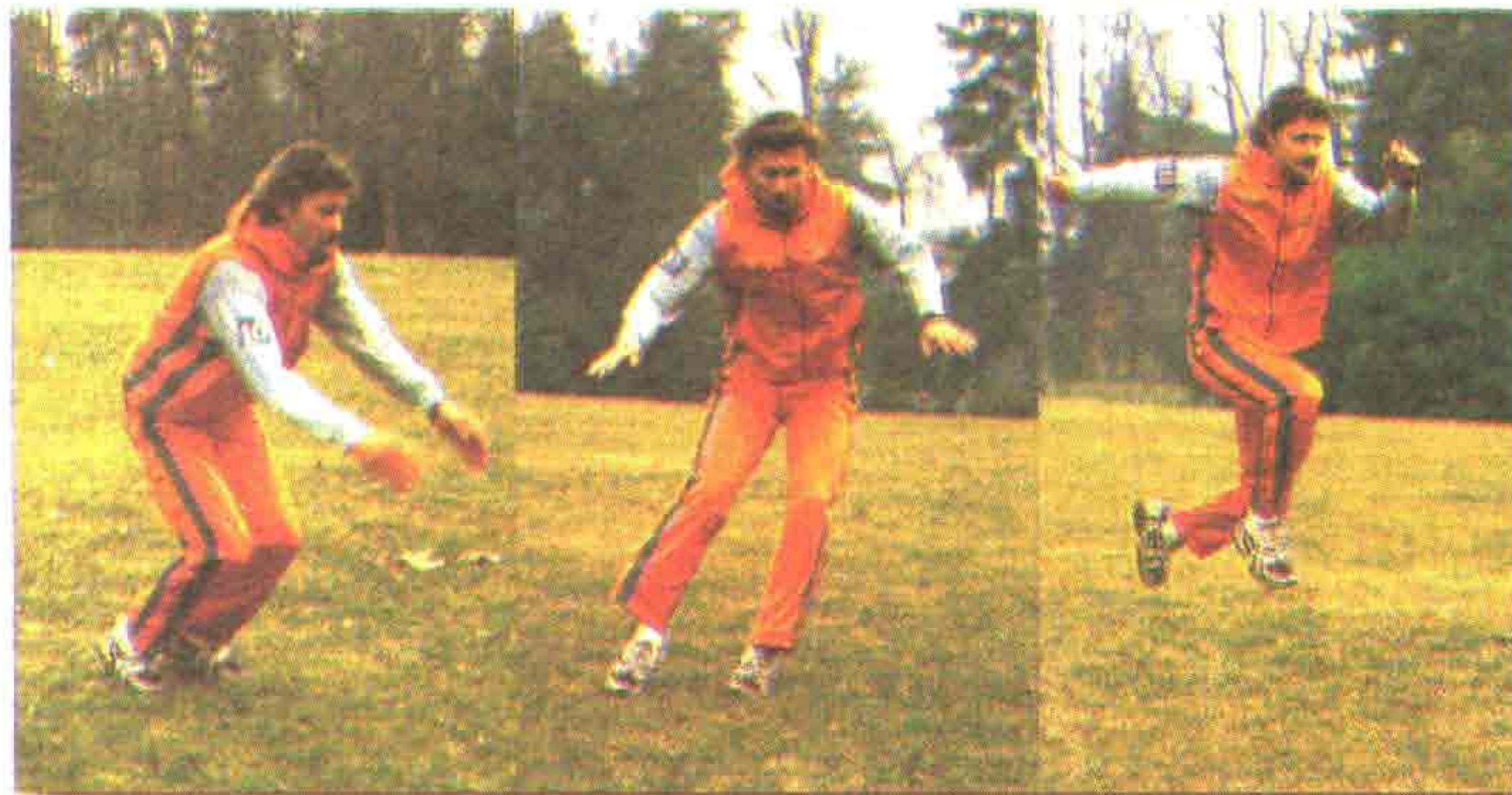
اسکی، ورزش مدرن



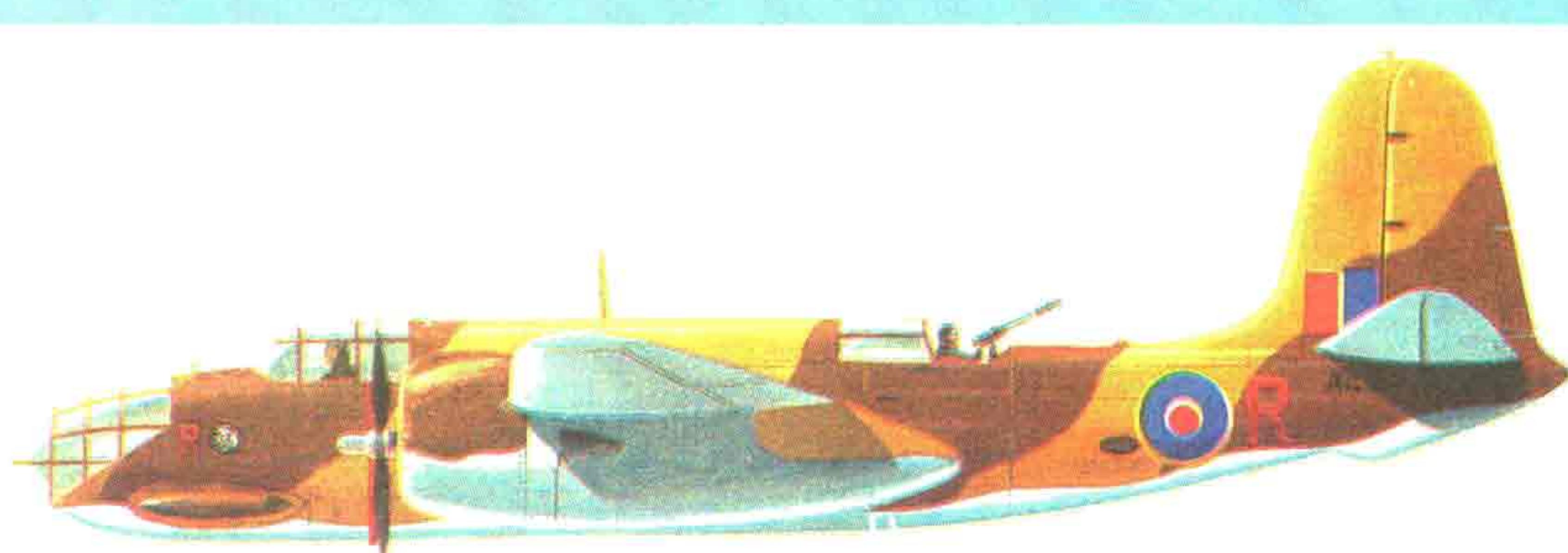
تاریخچه: «فیکس» وسیله‌ای است که کفش اسکی را به تخته اسکی متصل می‌کند. در ابتدا فیکس‌های اسکی از چوب و تسمه‌های چرمی مانند شکل ساخته می‌شد.

حالات درست ایستادن در اسکی:

تصویر حالت صحیح ایستادن در اسکی را نشان می‌دهد. خم بودن زانوان و موازی بودن اسکی‌ها در شکل صحیح ایستادن، مهم است.



تمرين‌های جهشی علاوه بر تمرين‌های کششی واستقامتی، در ورزش اسکی اهمیت دارند.



حداکثر سرعت: ۴۶ کیلومتر در ساعت
وزن: ۵۵۳ کیلوگرم (بدون بمب)

برگشت سریع

به عقب

در فوتبال، بسیار اتفاق می‌افتد که تیم در حال حمله، مجبور می‌شود که به سرعت به عقب برگردد و دفاع کند. حتی امروزه در فوتبال مدرن، حمله‌های جانبی و سپس دفاع همه اعضای تیم به صورت یک روش تیمی درآمده است. در این روش، برگشت سریع به عقب و جانماندن از مسیر حرکت بازی اهمیت زیادی دارد.

●● در نقشه می‌بینید که بازیکنان C، پس از حرکت و دریبل دو مانع فلزی، توپ را در اختیار بازیکن A قرار می‌دهند که در خلاف جهت بازیکن C حرکت می‌کند. سپس بازیکن C، بازیکن A را تعقیب می‌کند تا قبل از رسیدن او به نقطه ۳، با تکل توپ را دفع یا تصاحب کند. تصویر ۱-۲-۳-۴



طول بال: ۱۴ متر و ۶۳ سانتی‌متر
اسلحة: ۶ مسلسل ۱۲/۷ میلی‌متری-۱۸۱۴ کیلوگرم بمب



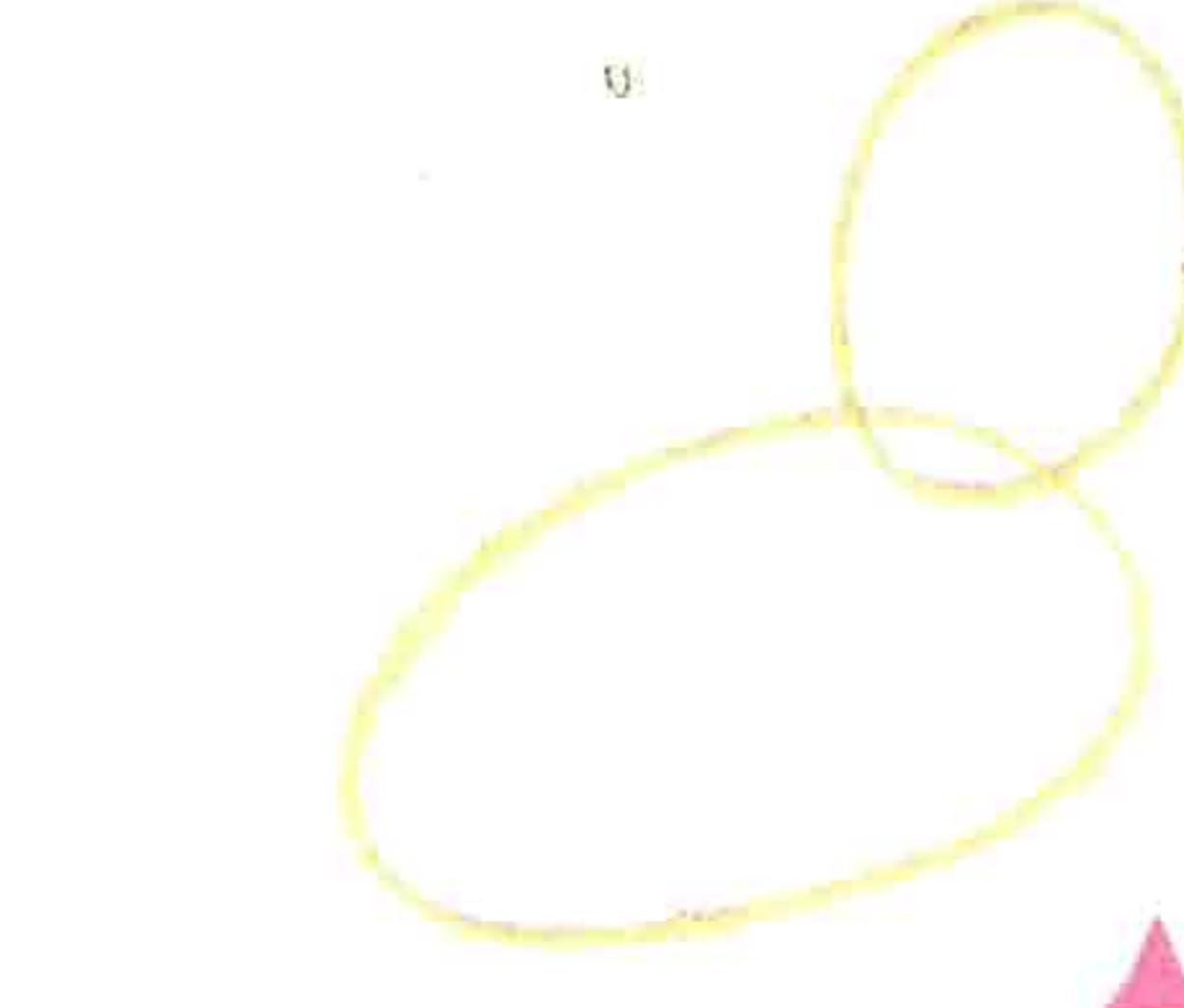
باید نقاشی کنیم



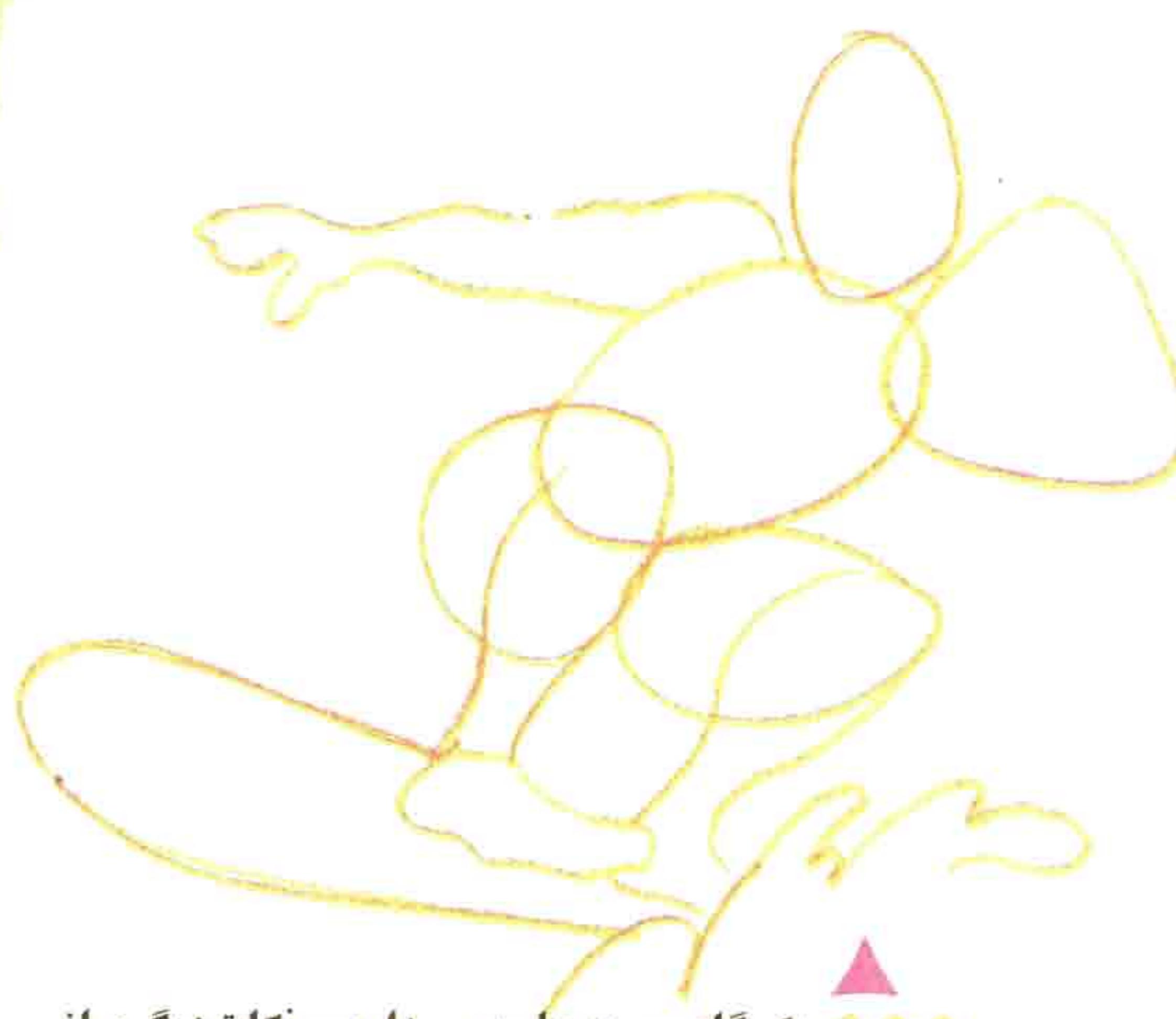
دوج سوار

این هفته قصد داریم، نحوه رسم نقاشی کارتونی را یادتان بدهیم که شاید در نگاه اول، رسم آن مشکل باشد، اما اگر مرحله به مرحله، کار را دنبال کنید، خواهید دید که نقاشی موج سوار آنقدر هم دشوار نیست.

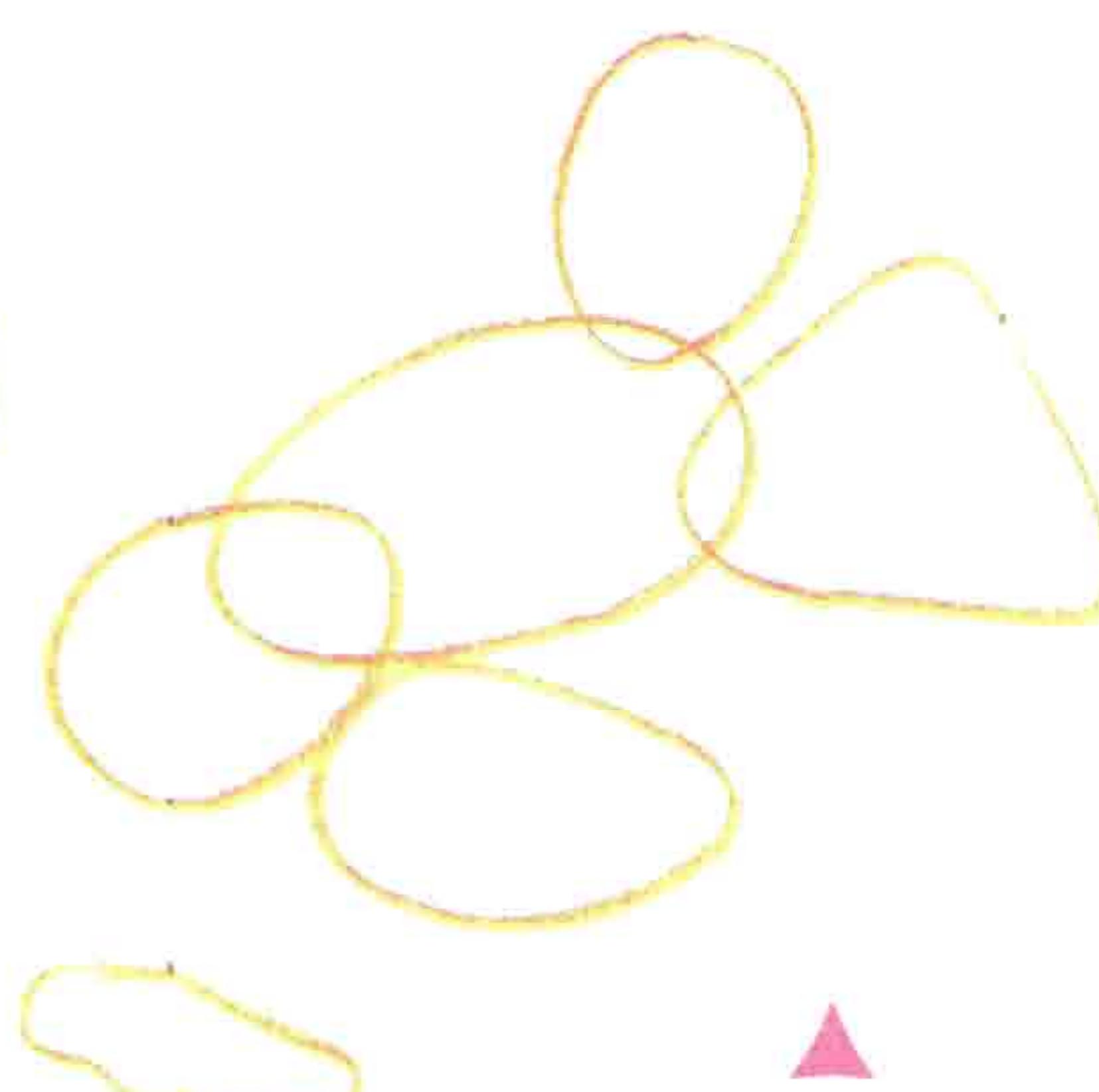
برای رسم سر و پای موج سوار، دو بیضی دیگر به طرح اضافه می کنیم.



مانند همیشه، کار طراحی را با رسم یک و دایره و بیضی ساده آغاز می کنیم.



یک گام مهم به جلو برمی داریم و نکات دیگری از طرح، مانند دست راست موج سوار، تخته شنا و کمی از آب اطراف او را رسم می کنیم.



یک طرح مثلث شکل برای حالت دست موج سوار و طرح دیگری برای جای پای اورسم می کنیم.



نام هواپیما: داگلاس C-47

کشور سازنده: آمریکا

موتور: پرات و ویتنی



به دایره و بیضی هایی که ابتدا رسم کرده بودیم، جزئیات دیگری از تصویر را اضافه می کنیم. در این مرحله، طرح مثلث شکلی را که رسم کرده بودیم برای حالت آرنج خمیده موج سوار نقاشی می کنیم.



با خطوط دیگری، حالت عضلات، انگشتان و موی موج سوار را کامل می کنیم و با روان نویس نمره نازک (نمره ۵/۰) خطوط اصلی طرح را سیاه می کنیم.



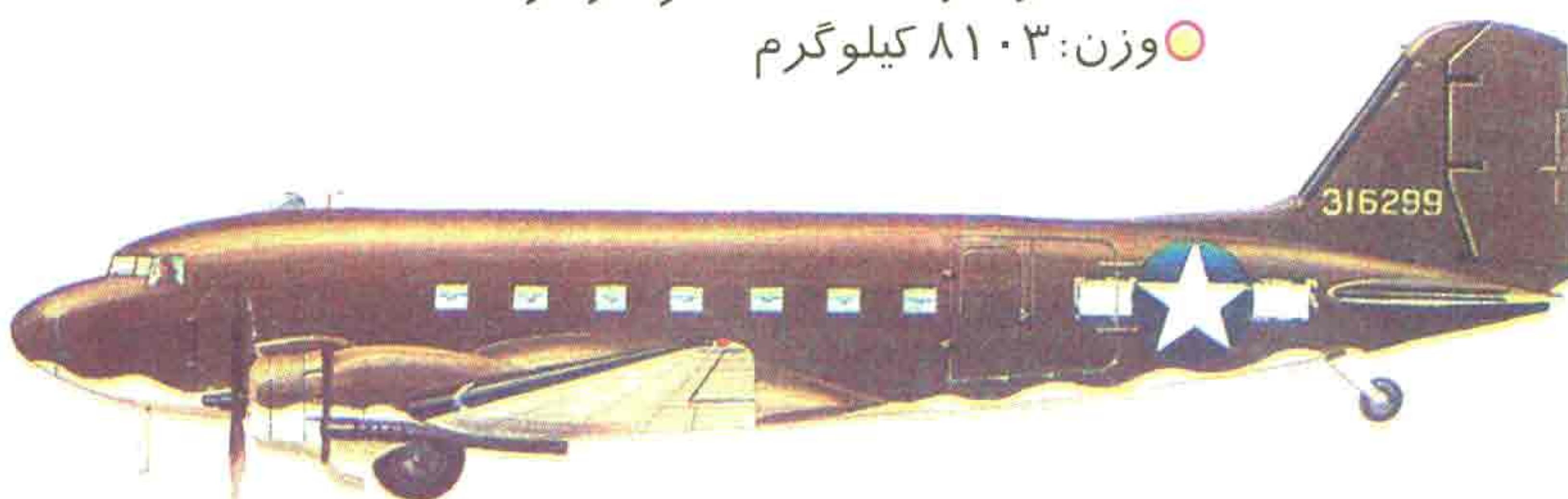
جزئیات دیگر تصویر مانند حالت چهره و قطرات آب اطراف او را در این مرحله نقاشی می کنیم و کار سیاه کردن خطوط اصلی را آغاز می کنیم.



پس از پاک کردن خطوط اضافی و رنگ آمیزی نقاشی، موج سوار ما آماده حرکت است.

حداکثر سرعت: ۳۷۰ کیلومتر در ساعت

وزن: ۳۱۰ کیلوگرم





آقا جوجه تیغی شاخته است

ناهید گیگاسری

جوچه تیغی هم همسایه‌ی مهربان و خوش اخلاقی بود، هم نماینده‌ی خوب و زحمتکشی. فقط حیف که خیلی شلخته و بی‌نظم بود. لانه‌اش همیشه نامرتب و خودش همیشه ژولیده بود. صبح‌ها یک وقت زود بیدار می‌شد یک وقت دیر. یک روز که آقا کلاع و آقا سار به لانه‌اش رفتند، لانه‌اش آن قدر به هم ریخته بود که جایی برای نشستن پیدا نمی‌شد. جوچه تیغی با دستپاچگی گفت: «ببخشید. امروز کمی بی‌حواله بودم. می‌خواستم فردا لانه‌ام را تمیز کنم». بعد شروع کرد به جمع آوری.

آقا گنجشک گفت: «من هم اگر جای تو بودم، همیشه بی‌حال و حوصله بودم. این که نشد زندگی! نه زنی. نه بچه‌ای. نه لانه‌ی مرتبی و نه سر و صدایی.»

جوچه تیغی خنده دید و گفت: «زن؟ من حتی یک بار هم به آن فکر نکردم.»

آقا سار گفت: «خب. اشتباه کردی. لانه‌ی به این قشنگی. جای به این خوبی. آن وقت تو باید تنها و بی‌حواله باشی؟!»

جوچه تیغی با خجالت گفت: «راستش را بخواهید، من هم از تنهایی خسته شده‌ام. دل و دماغ هیچ کاری را ندارم ولی نمی‌دانم چه کار کنم.»

آقا کلاع خنده دید و گفت: «همه چیز را به نه کلاع بسپار.» فردای آن روز، ننه کلاع و خاتم بلبل و خاتم شانه به سر، همراه جوچه تیغی به خواستگاری خانم جوچه تیغی که لانه‌اش نزدیک تپه بود، رفتند. آقا جوچه تیغی تا او را دید، یک دل نه. صد دل عاشقش شد اما خانم جوچه تیغی گفت: «ببخشید. من زن آقا جوچه تیغی نمی‌شوم. او خیلی شلخته است.»

● طول بال: ۱۹ متر و ۶۳ سانتی‌متر

● اسلحه: ندارد



هر چه همه تعریف میربانی و خوش قلبی و خوش اخلاقی آقا جوجه‌تیغی را کردند، خانم جوجه‌تیغی قبول نکرد که نکرد. جوجه‌تیغی از خجالت صورتش سرح شده بود و از ناراحتی پشت گردنش را می‌خاراند و نمی‌دانست چه بگوید.

وقتی به لانه‌اش برگشت. فقط راه رفت و فکر کرد و بعد یک دفعه شروع کرد به آب و جارو کردن لانه‌اش و مرتب کردن خودش. آن وقت، شاخه گلی چید و بدون آن که به کسی بگوید، سراغ خانم جوجه‌تیغی رفت و گفت: «خانم جوجه‌تیغی، من حاضرم به خاطر شما برای همیشه مرتب و منظم شوم. قول می‌دهم. فقط خواهش می‌کنم، با من ازدواج کنید.» لپ‌های خانم جوجه‌تیغی سرخ شد. خندید و گفت: «قبول می‌کنم.» و آقا جوجه‌تیغی با خوش حالی، به طرف درخت کاج دوید تا این خبر را به همسایه‌ها بدهد.

فردای آن روز، همه‌ی همسایه‌ها دست به کار شدند تا جشن خوبی برای آن‌ها برگزار کنند. یکی زیر درخت کاج را آب و جارو کرد. یکی میوه جمع کرد. خانم سنجاب کیک گردوبی درست کرد. مورچه‌ها دانه‌های خوش مزه جمع کردند. خانم شانه به سر و خانم گنجشک، برگ‌های رنگارنگ پاییزی را جمع کردند و درخت سرسبز کاج را با برگ‌های قرمز و زرد و نارنجی تزئین کردند. عنکبوت‌هم برای خانم جوجه‌تیغی، تور سفید قشنگی بافت. تور سفید هدیه عنکبوت به عروس و داماد بود. بقیه‌ی همسایه‌ها هم برای عروس و داماد هدیه‌های قشنگی تهیه کردند. روز عروسی همه چیز آماده بود. خانم سنجاب، عروس خانم را برای جشن آماده کرد. خانم جوجه‌تیغی زیر تور سفید شده بود مثل دسته گل.

خانم سار و خانم شانه به سر از مهمان‌ها پذیرایی می‌کردند. بچه‌ها خوش حال و خندان به این طرف و آن طرف می‌رفتند. آقا جعد همان طور که دست می‌زد، گاهی اوقات چرتی هم می‌زد. وقتی عروس خانم و آقا داماد آمدند، ننه کلاع روی سرشان، دانه‌های شیرین پاشید و بقیه هم برایشان دست زدند. جشن خوبی شد و به همه خوش گذشت.



نام هوایپما: داگلاس SBD

کشور سازنده: آمریکا

موتور: رایت



بشقاب سبزیجات

برای استفاده از چاقو و گاز، از بزرگ ترها نمک بخواهید.

روش کار:

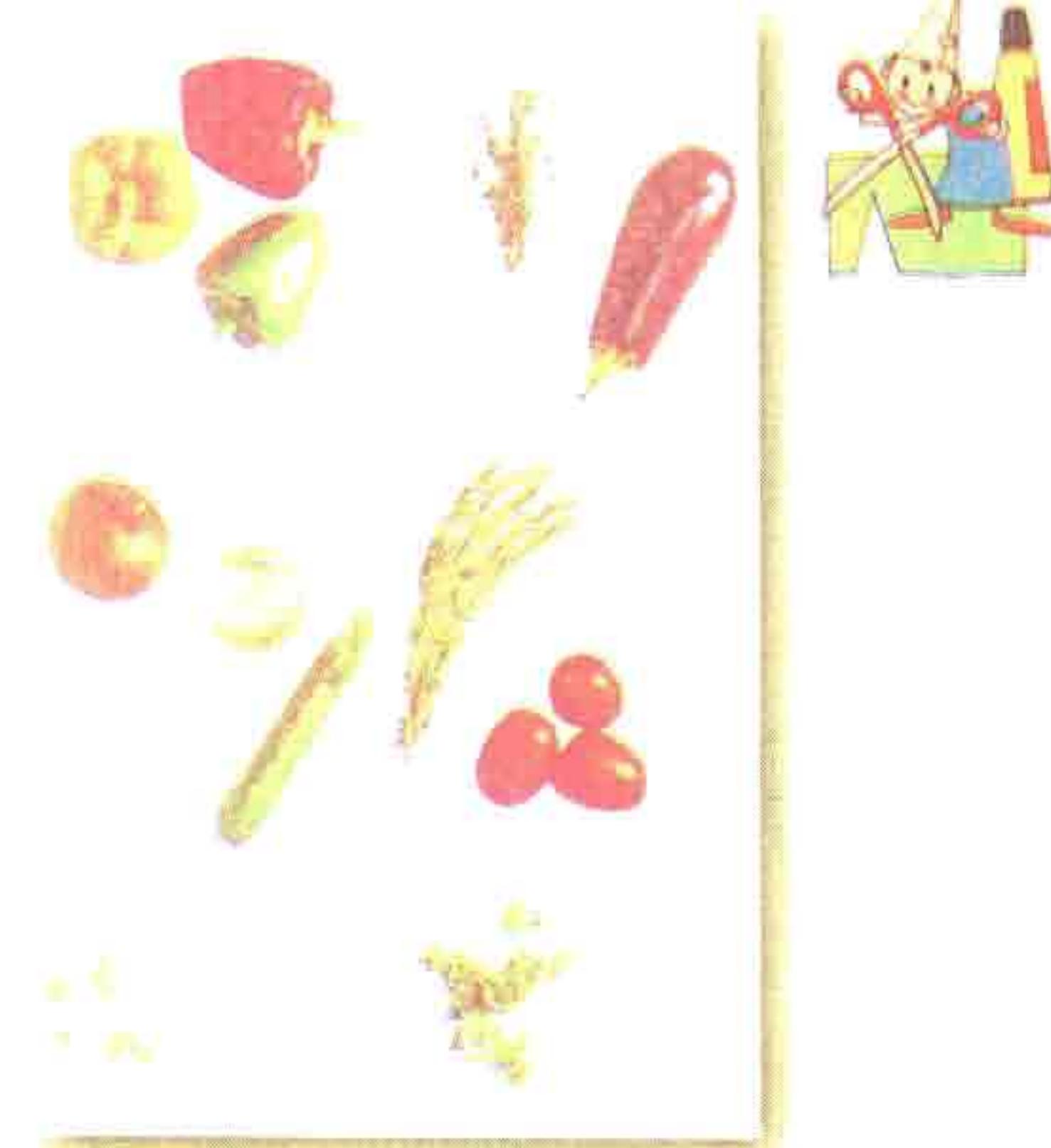
- قطعه های بادنجان را بعد از شستن داخل یک ظرف می چینید و آن را با نمک آغشته می کنید. سی دقیقه می گذارد بماند.



- قطعه های بادنجان را با دست فشار می دهید تا آب آن کاملاً گرفته شود. نمک آن را می شویید. این روش باعث می شود که تلخی احتمالی بادنجان گرفته شود.



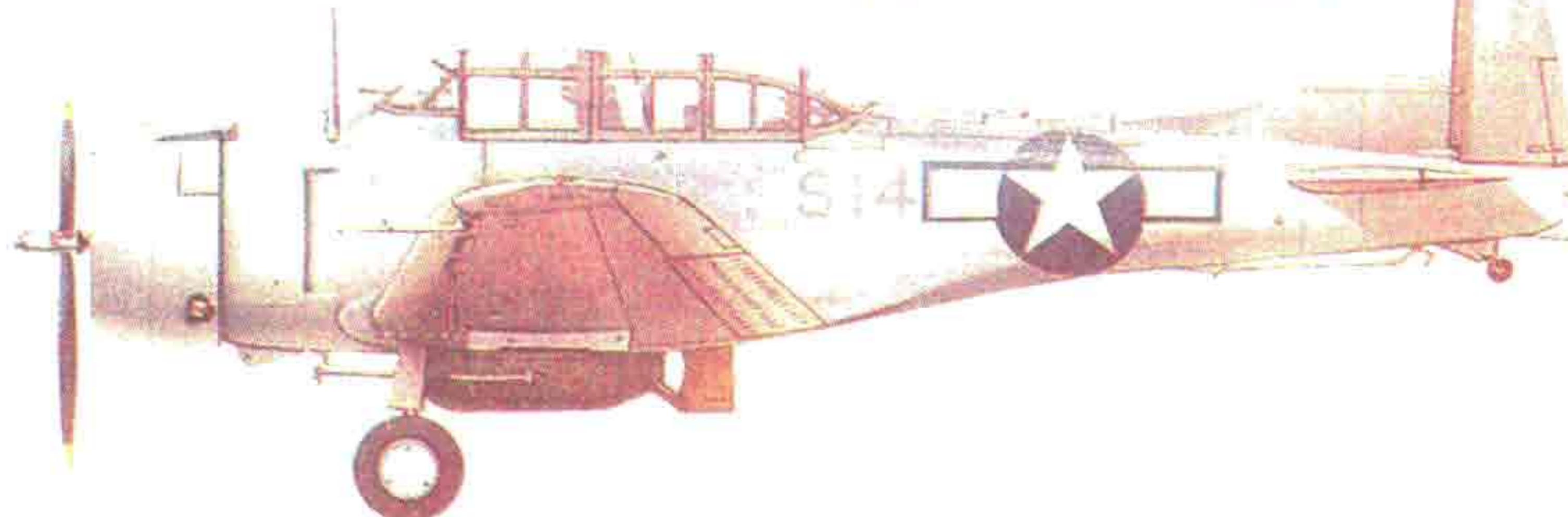
- فر را با حرارت ۲۰۰ درجه سانتی گراد یا ۴۰۰ درجه فارنهایت گرم می کنید. همهی سبزی هایی را که خرد کرده اید، از جمله بادنجان، داخل یک ماهی تابه مخصوص فر می چینید و روی آن ها را کم کم روغن مایع می ریزید.

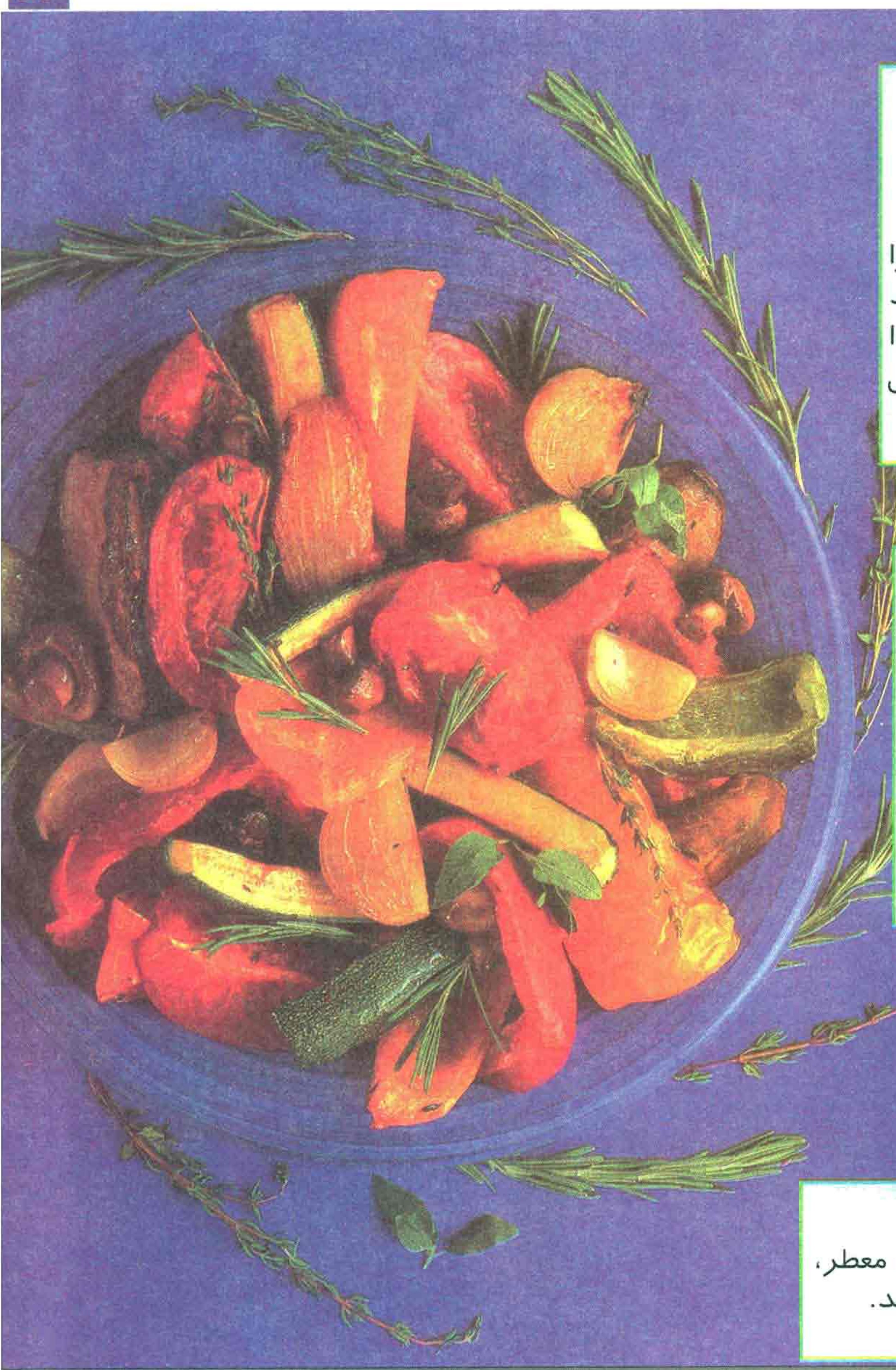


وسایل مورد نیاز:

- بادنجان، یک عدد (که به صورت قطعه های بزرگ خرد شده باشد)
- نمک به میزان لازم
- فلفل دلمه ای به رنگ های قرمز، زرد، سبز، از هر کدام یک عدد (تخم های آن ها را درآورده و قطعه قطعه کنید)
- یک عدد کدو سبز (که به صورت قطعه های بزرگ خرد شده باشد)
- یک عدد پیاز (به صورت حلقه حلقه درآمده باشد)
- ۱۱۵ گرم قارچ بسیار کوچک
- ۲۲۵ گرم یا همان سه عدد گوجه فرنگی متوسط (چهار قاج شوند)
- ۷۵ میلی لیتر روغن مایع
- ۴ تا ۵ شاخه برگ آویشن
- ۲ شاخه برگ مرزنگوش
- ۳ تا ۴ شاخه رزماری یا هر سبزی معطر دیگر (به عنوان چاشنی)
- فلفل سیاه و ادویه به میزان لازم

حداکثر سرعت: ۱۰ کیلومتر در ساعت
وزن: ۲۹۰۵ کیلوگرم (بدون بمب)





۴. بخشی از شاخه‌های معطر را در میان سبزیجات پخش می‌کنید و خوب ادویه می‌زیند. ظرف غذا را به مدت ۲۰ تا ۲۵ دقیقه داخل فر قرار می‌دهید.



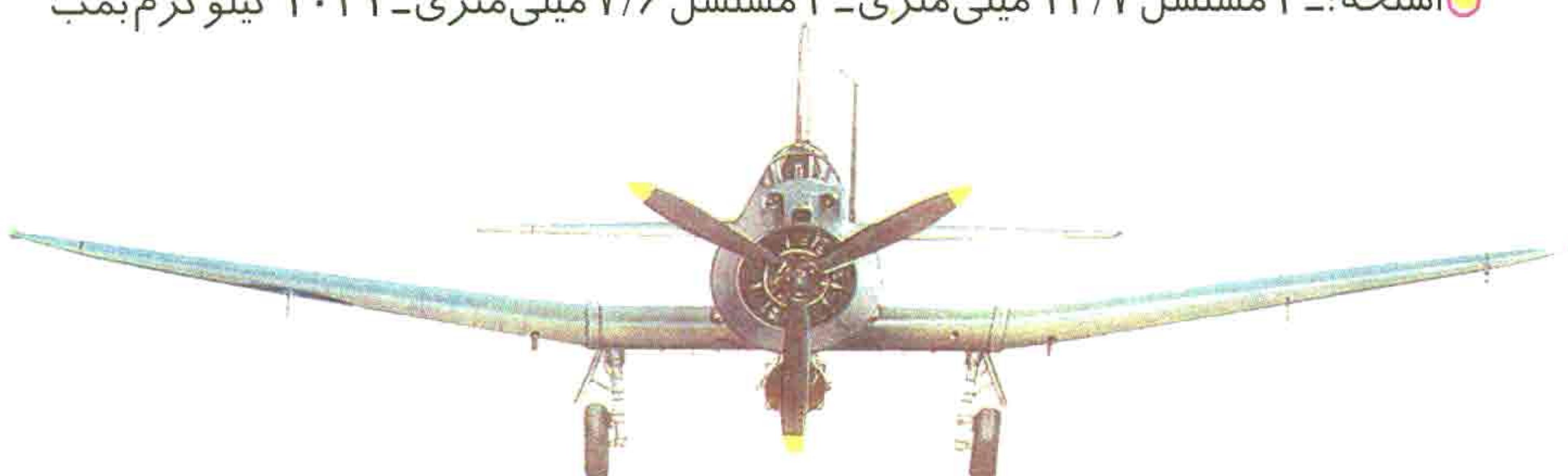
۵. سبزیجات را بر می‌گردانید و ۱۵ دقیقه دیگر یا بیشتر داخل فر می‌گذارید تا ترد و سرخ شوند.



۶. با باقی‌مانده سبزیجات معطر، غذارا پیش از سرو، تزیین می‌کنید.

● طول بال: ۱۰ متر

● اسلحه: ۲ مسلسل ۷/۶ میلی‌متری - ۱۰۲۱ کیلوگرم بمب





لوجه‌های جهان

بچه‌ها و آفریقا در جنوبی

در جنوبی‌ترین نقطه قاره‌ی آفریقا، در محلی که آب‌های گرم اقیانوس هند با آب‌های سرد اقیانوس اطلس برخورد می‌کنند، کشور آفریقای جنوبی قرار گرفته است. «کیپ تاون» و «پرتوریا» دو شهر مهم و مرکز سیاسی و تجاری آفریقای جنوبی هستند. سال‌ها در این دو شهر و سراسر کشور، «آپارتاید» یا همان تبعیض نژادی بین سیاهان و سفیدپوستان بیداد می‌کرد. آفریقای جنوبی را ابتدا آلمانی‌ها در سال ۱۶۵۲ میلادی تصاحب کردند. سپس در قرن ۱۸ میلادی انگلیسی‌ها به استعمار آفریقای جنوبی پرداختند. با پیدا شدن معادن مهم طلا و الماس در این کشور، اهمیت آفریقای جنوبی بیشتر شد و یهودیان نیز به این سرزمین جلب شدند. با مبارزات مردم آفریقای جنوبی به رهبری «نلسون ماندلا» در سال‌های دهه‌ی ۹۰ میلادی، استقلال به این کشور برگشته است.

••• تا قبل از اینکه آپارتاید (تبیض نژادی) در این کشور از بین بود، مدارس و محلات سیاهان از سفیدپوستان جدا بودند. اما از سال ۱۹۹۴ میلادی، سفیدپوستان و سیاهان با هم زندگی می‌کنند و درس می‌خوانند.

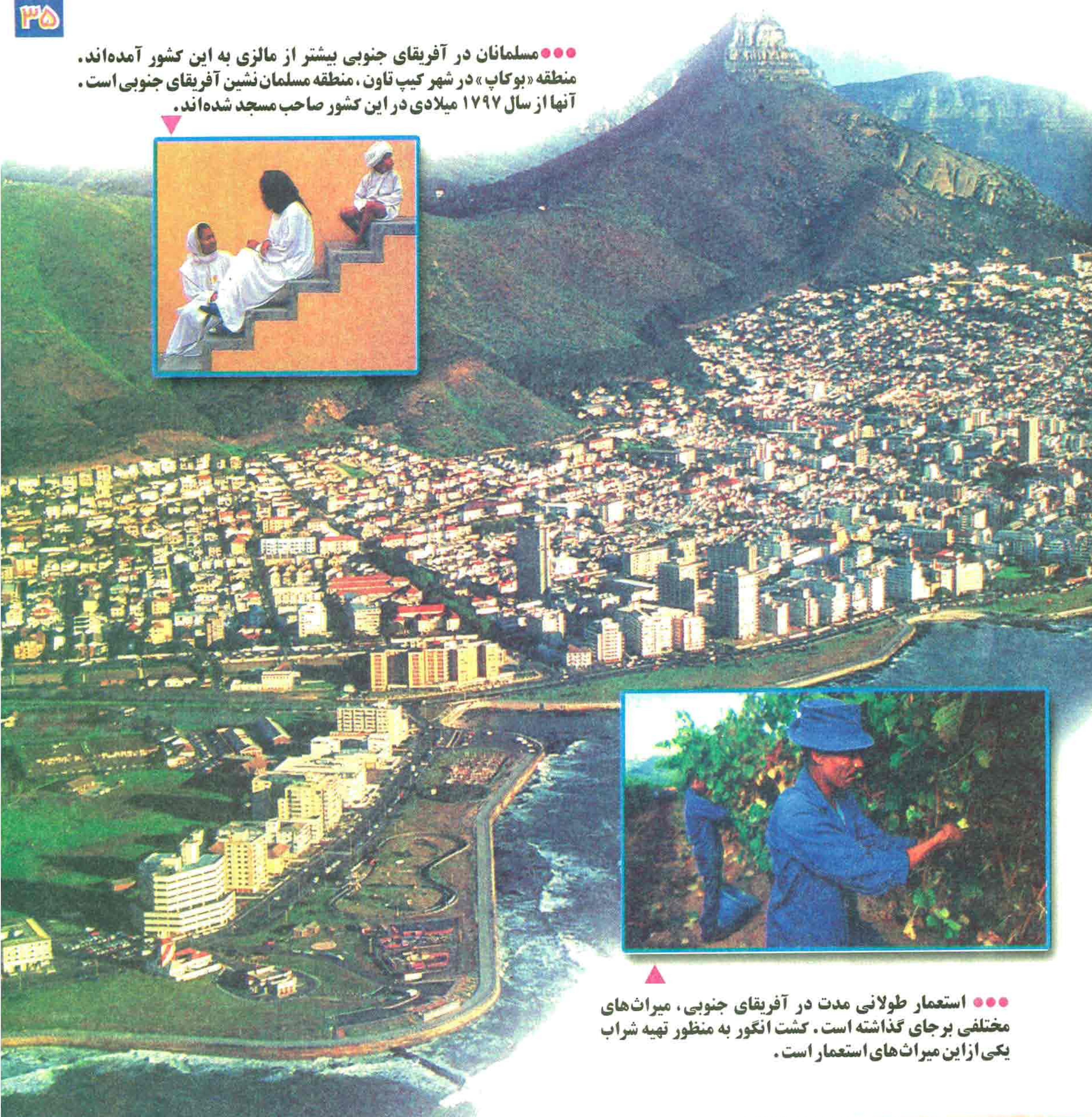
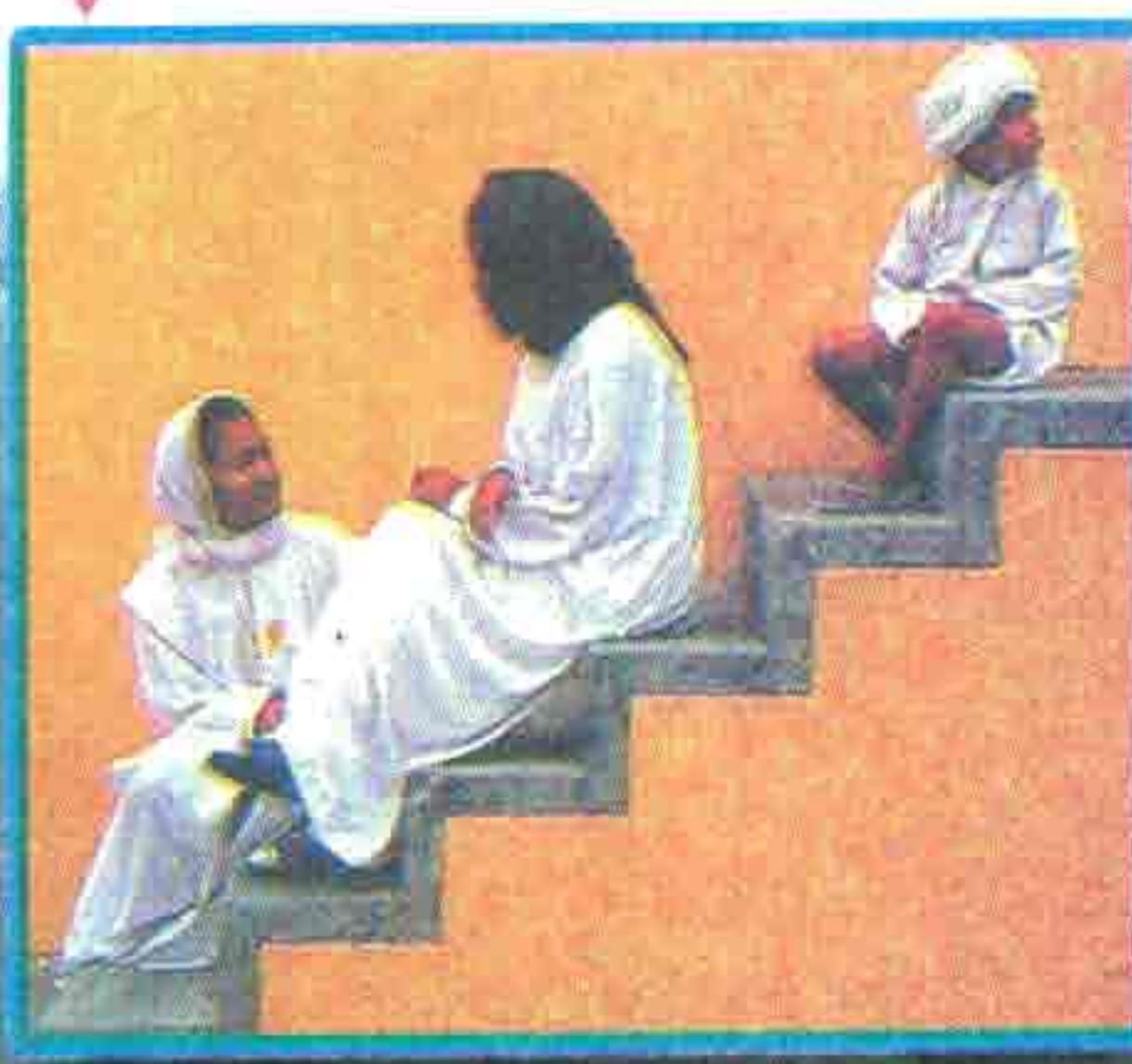
••• منظره‌ای زیبا از شهر «کیپ تاون» این شهر نقطه مهمی بر سر راه دریایی از شرق به غرب یا برعکس است. قله «تل» از نمادهای مهم شهر کیپ تاون در تصویر مشخص است.

••• آفریقای جنوبی دارای یکی از زیباترین مناظر طبیعی و پارک‌های حیات وحش در جهان است. پارک حیات وحش «تل» در اطراف «کیپ تاون» قرار دارد.



- نام هوایپیما: F4F وایلد کت
- کشور سازنده: آمریکا
- موتور: پرات و ویتنی

●●● مسلمانان در آفریقای جنوبی بیشتر از مالزی به این کشور آمده‌اند.
منطقه «بوکاپ» در شهر کیپ تاون، منطقه مسلمان نشین آفریقای جنوبی است.
آنها از سال ۱۷۹۷ میلادی در این کشور صاحب مسجد شده‌اند.



●●● استعمار طولانی مدت در آفریقای جنوبی، میراث‌های مختلفی بر جای گذاشته است. کشت انگور به منظور تهیه شراب یکی از این میراث‌های استعمار است.

○ حداکثر سرعت: ۵۱۲ کیلومتر در ساعت
○ وزن: ۲۴۷۱ کیلوگرم (بدون بمب)

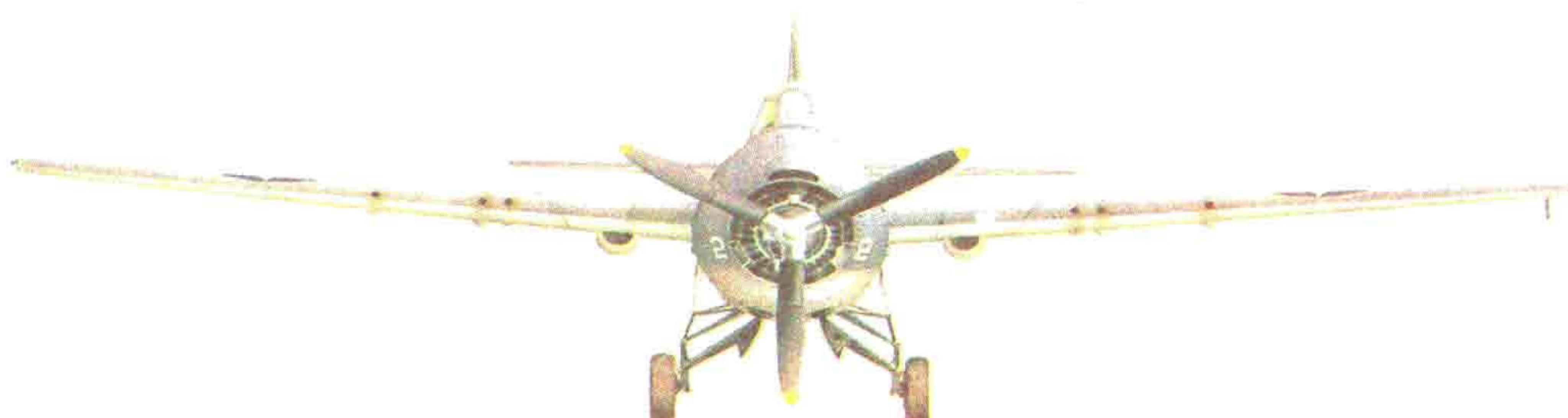


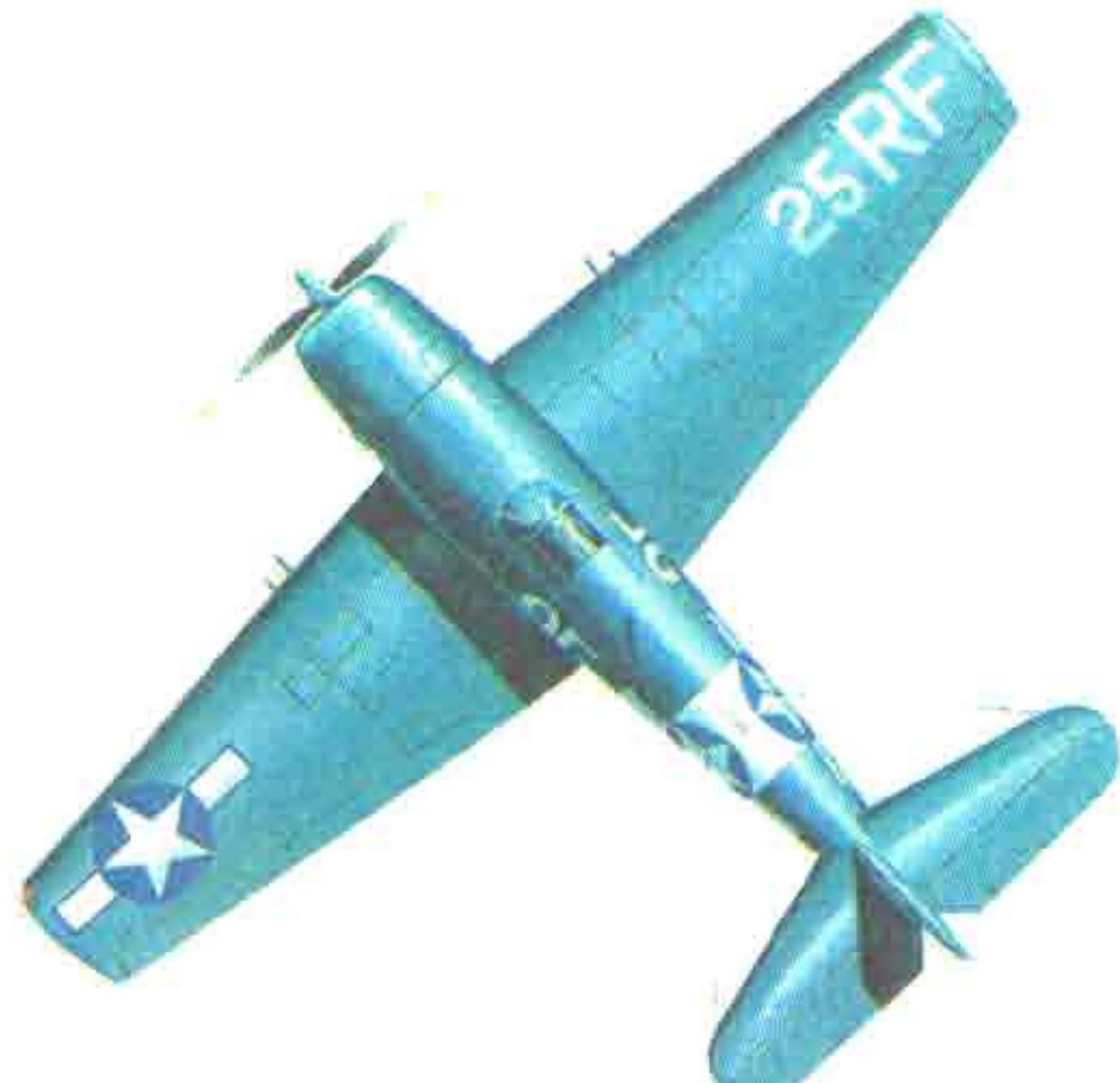
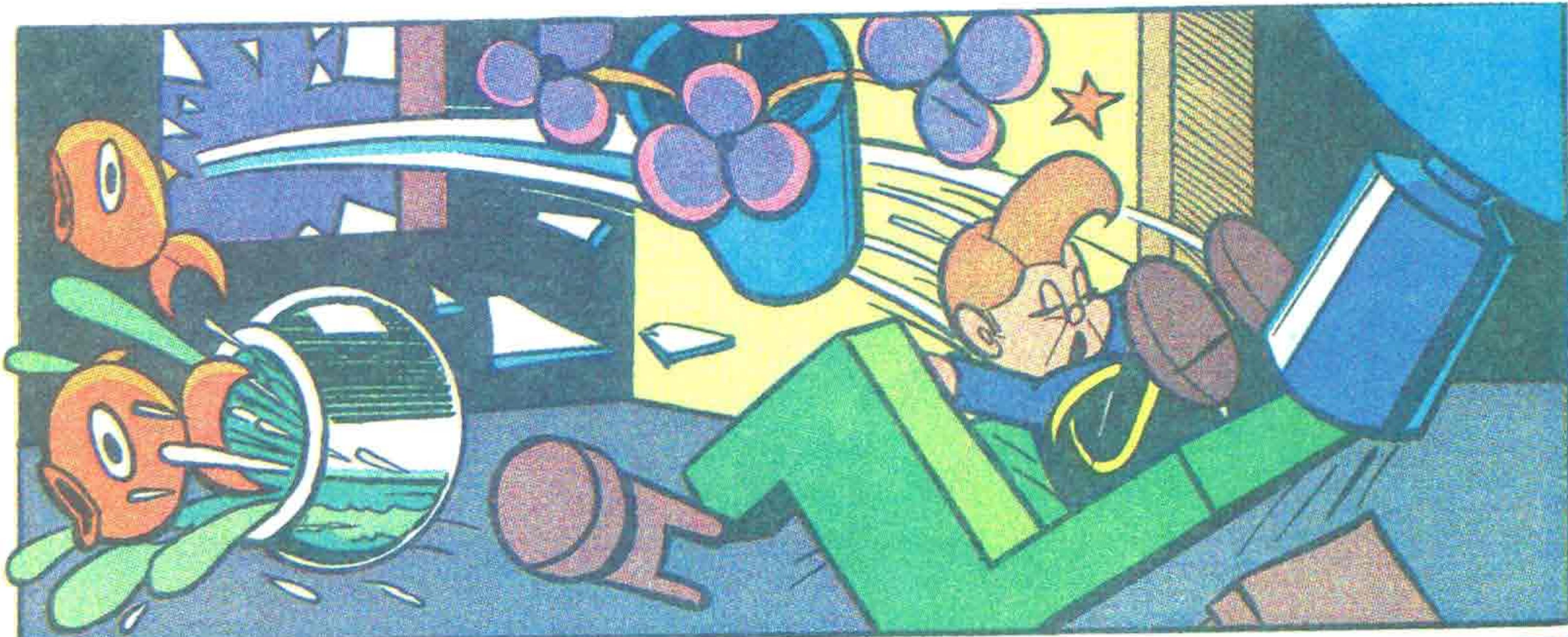
ماجرای احمد چیزی داشت

قسمت دوم

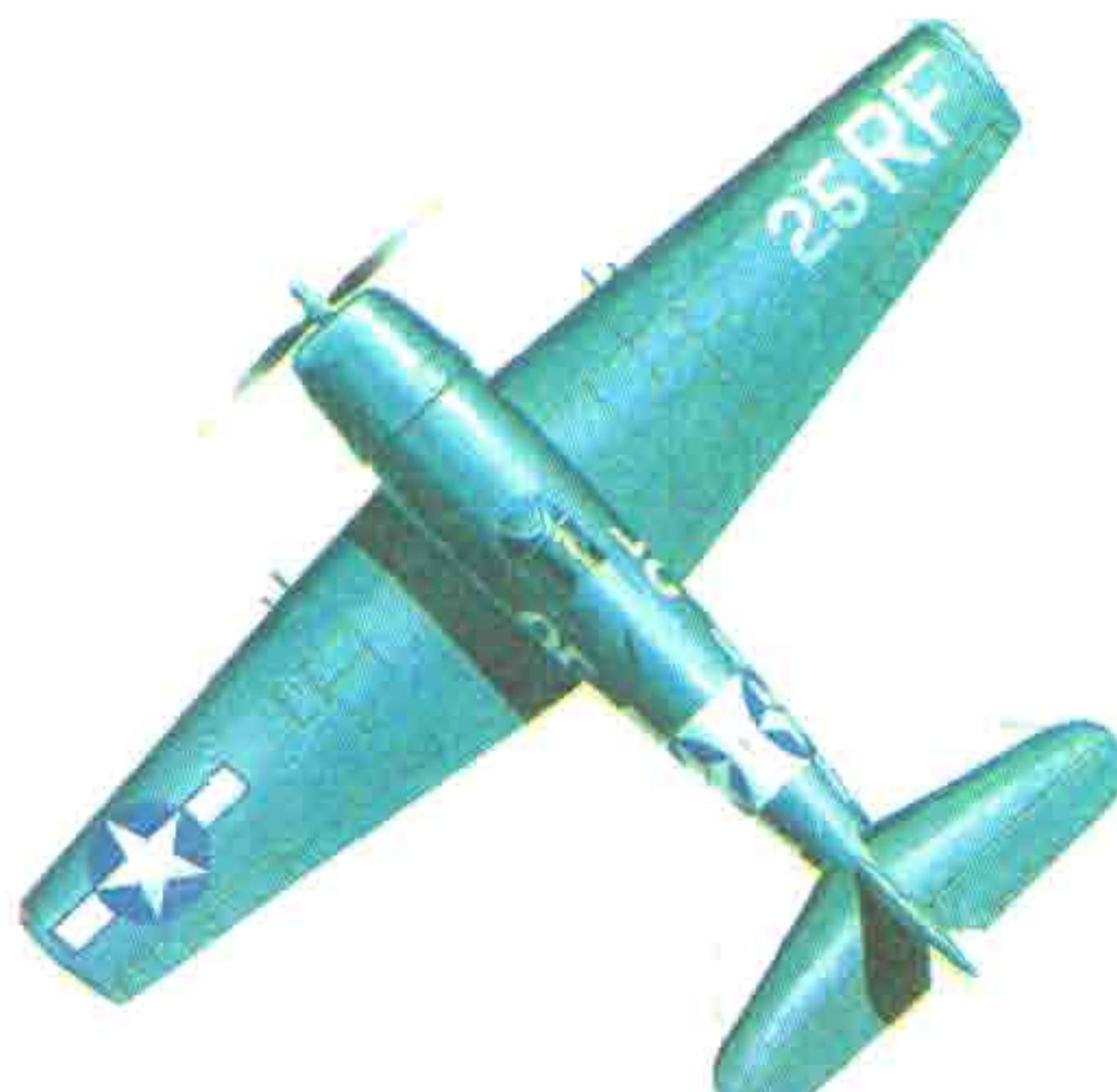


● طول بال: ۸ متر و ۷۶ سانتی متر
● اسلحه: ۶ مسلسل ۱۲/۷ میلی متری - ۹۱ کیلو گرم بمب



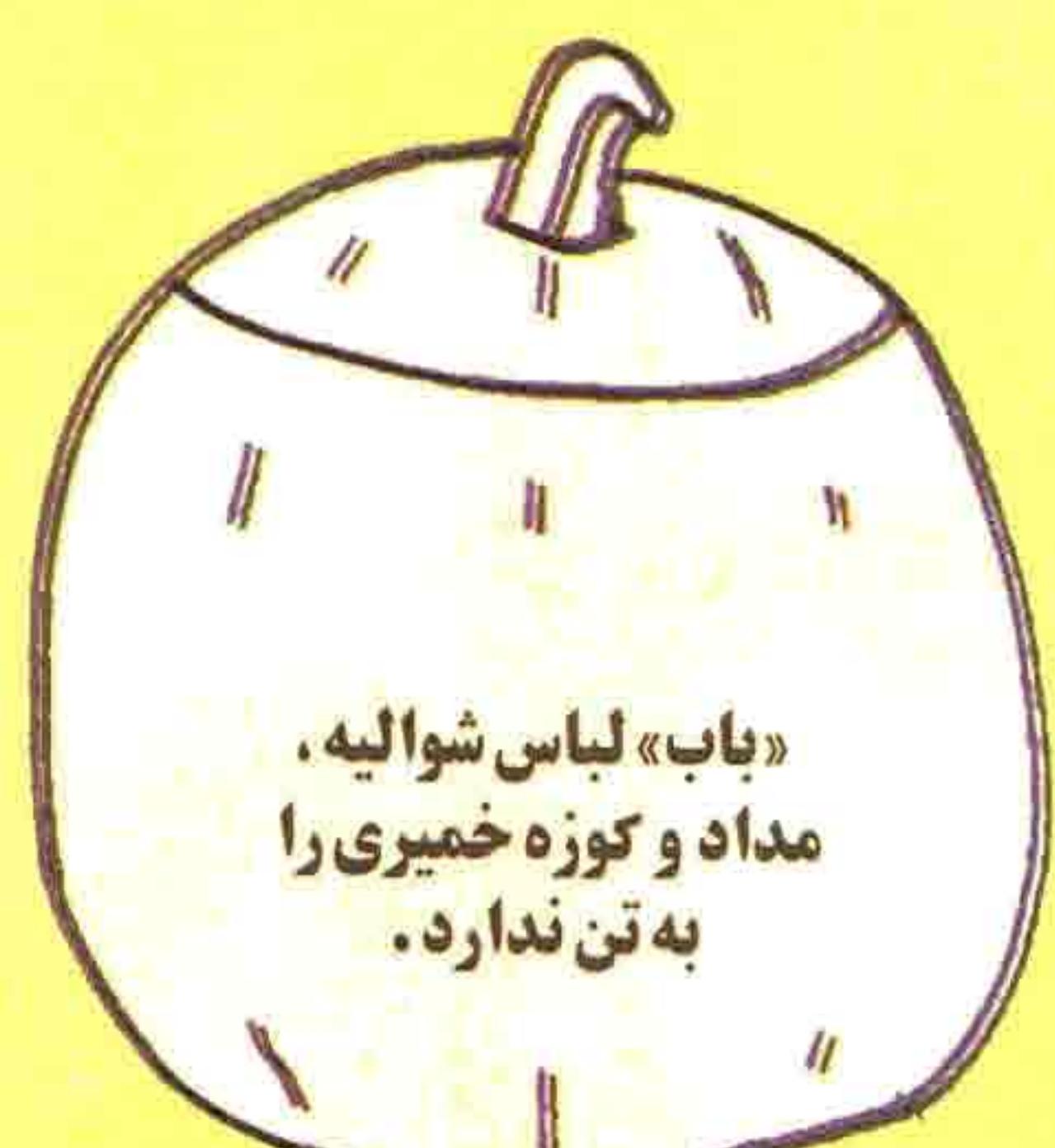


نام هوایپما: F6F هل کت
کشور سازنده: آمریکا
موتور: پرات و ویتنی





۱۰۰۰ مانی تغییر چهره و لباس



پاسخ سرگرمی شماره گذشته:

رابطه حافظی

با اضافه کردن یک قلب آبی به
مورده آخر، این تساوی برقرار
می شود. یعنی یک قلب سبز
برابر با ۴ قلب آبی خواهد
بود.

جشن تغییر چهره و لباس است و بچه ها سعی می کنند کاملًا تغییر
قیافه دهند، به طوری که قابل شناسایی نباشد. در این مهمانی
ماریا، جیمی، راجر، باب و جان هم شرکت کرده اند و خودشان
را به شکل مداد، کوزه خمیری، دراکولا، شوالیه و صورتک خنده
رو درآورده اند. اما از آنجایی که اصلاً قابل شناسایی نیستند، ما
نمی دانیم، کدامشان چه تن پوشی پوشیده اند. اطلاعاتی که در زیر
آمده، به شما کمک خواهد کرد تا متوجه شوید هر کدام چه لباسی
پوشیده اند. بعد از خواندن این اطلاعات، لباس هر کدام را مشخص
کنید.

حداکثر سرعت: ۶۱۲ کیلومتر در ساعت
وزن: ۱۹۱ کیلوگرم (بدون بمب)





۵ ۴ ۳

۶

۱

۲

۱

۳

۴

۵

پاسخ جدول شماره گذشته

جدول پا

سر خانه سازی

۵	۴	۳	۲	۱
ک	ا	ل	ن	ن
د	ر	ا	ی	م
ب	ز	م	د	۳
ت	ا	ی	۴	۵

جدول

سر خانه اجات

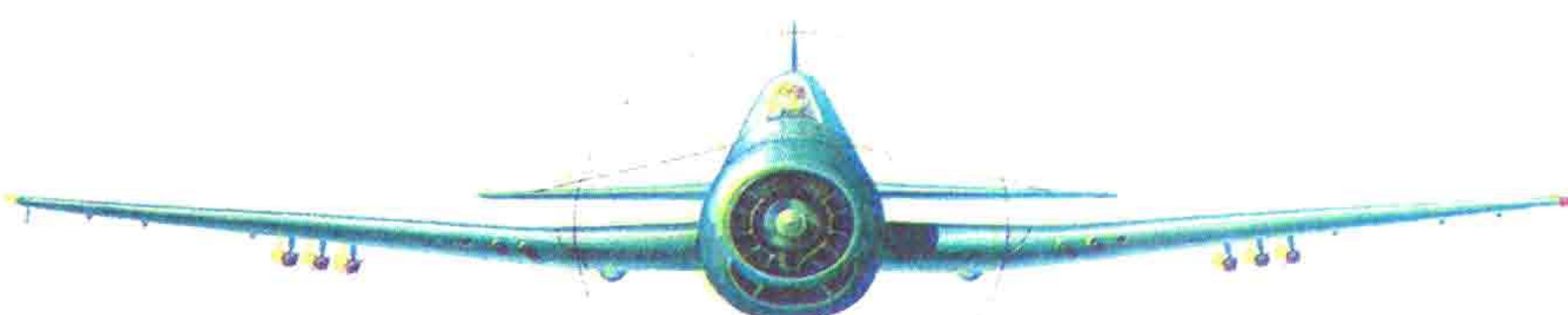
افقی

۱. غذای شب.
۲. میوه و ثمر - حرف انتخاب.
۳. راه میان بُر - لبینیات مورد علاقهٔ موش‌ها.
۴. سست و تبل - من و شما.
۵. چهره و رخ - پایه و اساس.
۶. طایفه و قبیله.

عمودی

۱. صریح و روراست.
۲. صدای قدم‌های آن، کم کم شنیده می‌شود.
۳. خیر نیست - باید مراقب باشیم با دود کارخانه‌ها و ماشین‌های فرسوده، آن را آلوده نکنیم.
۴. معمولاً بر روی رودخانه یا دره، برای عبور مردم می‌زند.
۵. بمب کاشتنی - مخترع تلفن.
۶. در امان و آسوده خاطر.
۷. علامت مفعول بی‌واسطه.

طول بال: ۱۰ متر و ۲۴ سانتی متر
اسلحة: ۶ مسلسل ۱۲/۷ میلی متری - دو مسلسل ۲۰ میلی متری کانن - ۴ کیلوگرم بمب





آسمان زیبا

آسمون چه مهربونه
مثل یه آدم می‌مونه
چشم اوون بر از ستاره‌ست
با ما هش به ما می‌خنده
آسمون رو دوست داریم ما
خورشیدش طایی رنگه
اشک مثل مرواریدش
برامون شادی می‌آره
یونا اردکانی، ۷ ساله از تبریز



نامه هایتان را از پستچی گرفتیم:

■ ایمان چرخ‌چی - وحید وزیری نژاد

■ کومنان (دواو) : سوزان خلیلی

■ کوچ : لعیا و دیبا بیات - محمد رضا کاظمی

■ گرگان : مینا رحیمی

■ نوشهر : ابوالفضل اسماعیل نژاد

■ تهران : رکسانا سادات تقی - مرjan Amintaii - احسان جعفرزاده - مهدی داودی - سحر طبیبی جزایری - آناهیتا روزی خواه - قارخ جوانمرد - مریم رحیمی پور - مهدی حسنی - سارا فرجی - آیسان احمدی - ریحانه پیرامی - محمد شهیدی - شفق مهدی پور - عرفان نادریان - ندا دولتی - میلاد قیومی - محمد امین خداشناس - یاسمون انصاری - صالح شبستری - سیده صفیه مدرسی - فاطمه عطار - اله کلهر - یگانه نصراللهزاده - پوریا فضلی روزبهانی - اصغر پورندیم - طوبی شاهدی - نوید شاهره - نیگن خامنایی - صدف و آمنه جلالی فراهانی - حسین مظاہری - کلبرودی - پریسا حق پور - مصطفی پاپی - هیوا سیاهکار - سجاد رهیمی نرگسی - پریسا فلاحت کیا - محمد رضا پاکدل - وحید بلندی روشن - سید سروش موسوی زاده

■ اصفهان : علیرضا بی پیر - علیرضا خلیلیان

■ بابل : داوود معتمد

■ بابلسر : مهدی و اشکان بشیری

■ بجنورد : حنیف محمدی ، ۱۱ ساله

■ تبریز : عادل لطفی

■ تربت حیدریه : بهنام سلحشور

■ چوبیار (مازندران) : صابر و علیرضا مجیدی

■ رشت : میلاد کیمیاگر - همایون زنجانیان - امیر محمود سمعیع پور

■ زنجان : امیر فؤاد ساطعی

■ شهریار : باغبان رحیمی

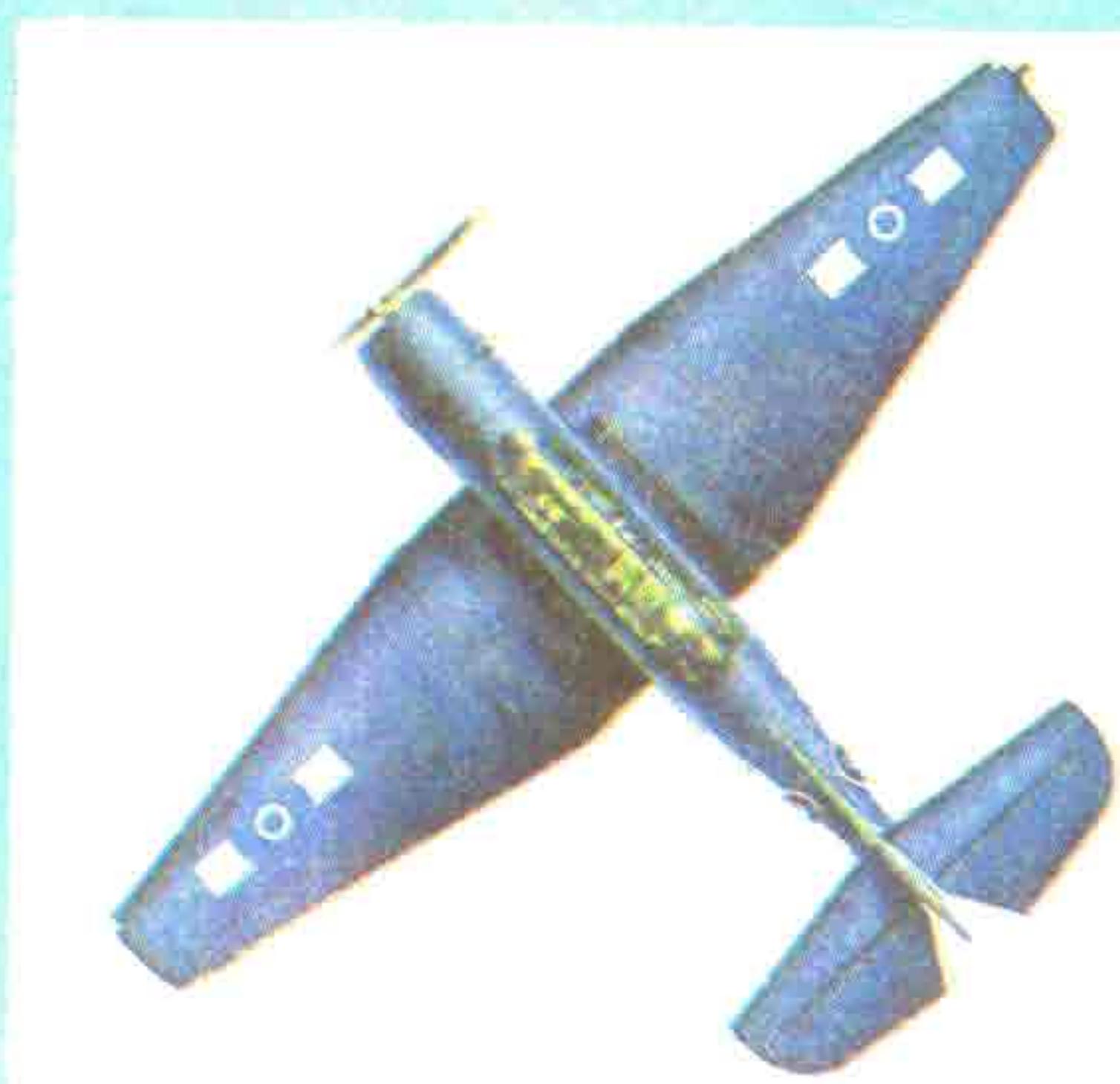
■ شیراز : سیده مینا اشرفی پور - مهتا مفخمی

■ قزوین : حسین ارجمندی

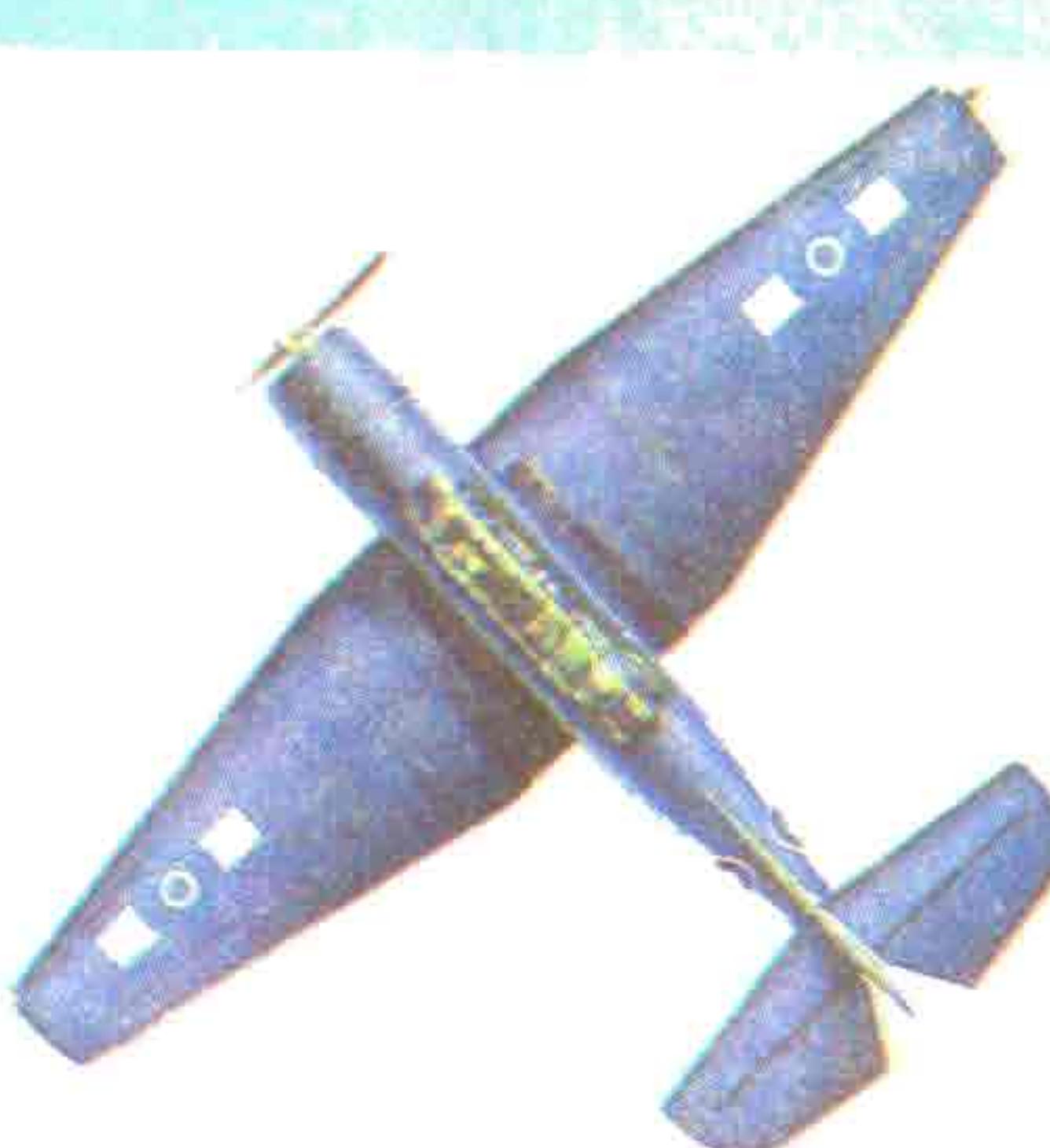
■ قم : میلاد فرهمندفر - مجتبی رضایی - سید حسن طباطبائی

■ قوچان : محمد جواد مهماندوست

■ کاشان : علی چشم پاک - ماشاء الله احمدی - فریده جهانگیر - فاطمه رحیمی



- نام هوایپما : TBF1 - اوونجر
- کشور سازنده : آمریکا
- موتور : رایت ۴ سیلندر



فرستنده:

نشریه



نشانی:

تهران- خیابان انقلاب- چهار راه حافظ- پلاک ۹۶۲

امور مشترکان مجله هفتگی «دوست»

دوست



۱۴

حداکثر سرعت: ۱۶ کیلومتر در ساعت

وزن: ۴۷۸۸ کیلوگرم (بدون بمب)



(دوست)

بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۸۴ هر ماه ۴ شماره، هر شماره ۱۷۵۰ ریال

مبلغ اشتراک را به حساب شماره ۰۵۲۵۰۷۶۷ باشکن صادرات پسندان انقلاب کد ۷۶۷ قام موسسه تبلیغ و نشر آثار امام (ره) واریز نماید (قابل پرداخت در کلیه شبکه های ایرانی) شعب بانک صادرات در سراسر کشور غیرم اشتراک را همراه با رسیده باشی ب نشانی: تهران خیابان انقلاب، چهارراه حافظ، پلاک ۹۷۲ امور مشترکان مجله دوست ارسال فرمائید.

قابل توجه متقدیان خارج از کشور

بستگان هر یک از افراد ساکن در خارج از کشور که در ایران سکونت دارند، می توانند مبلغ فوق را به حساب اعلام شده واریز نمایند و سپس نشانی فرد خارج از کشور را به امور مشترکان مجله دوست ارسال نمایند.

واحد اشتراک مجله دوست
آماده دریافت پیشنهادات و
انتقادات شما است.

- بهای یک شماره از مجله هفتگی «دوست»:
- خاورمیانه (کشور های همچوار) ۷/۰۰۰ ریال
- اروپا، آفریقا ۸/۰۰۰ ریال
- آمریکا، کانادا، استرالیا ۹/۵۰۰ ریال

مشترکین محترم استان اصفهان می توانند مبلغ اشتراک خود را به شماره حساب ۰۱۰۱۱۸۷۵۰۱۰۰۴ قابل پرداخت در کلیه شبکه های ملی سراسر کشور واریز فرمایند.
نشانی: اصفهان - خیابان شیخ بهایی مقابل بیمارستان مهرگان نمایندگی چاپ و نشر عروج تلفن: ۰۳۶۴۵۷۷

فرم اشتراک

نام:

نام خانوادگی:

.. / ۱۳ / تخصصات :

تاریخ تولد :

۰۰

نیازی نداشتم

کد پستی:

تلفن:

تا شماره:

شروع اشتراک از شماره:

امضاء

۱۴۲

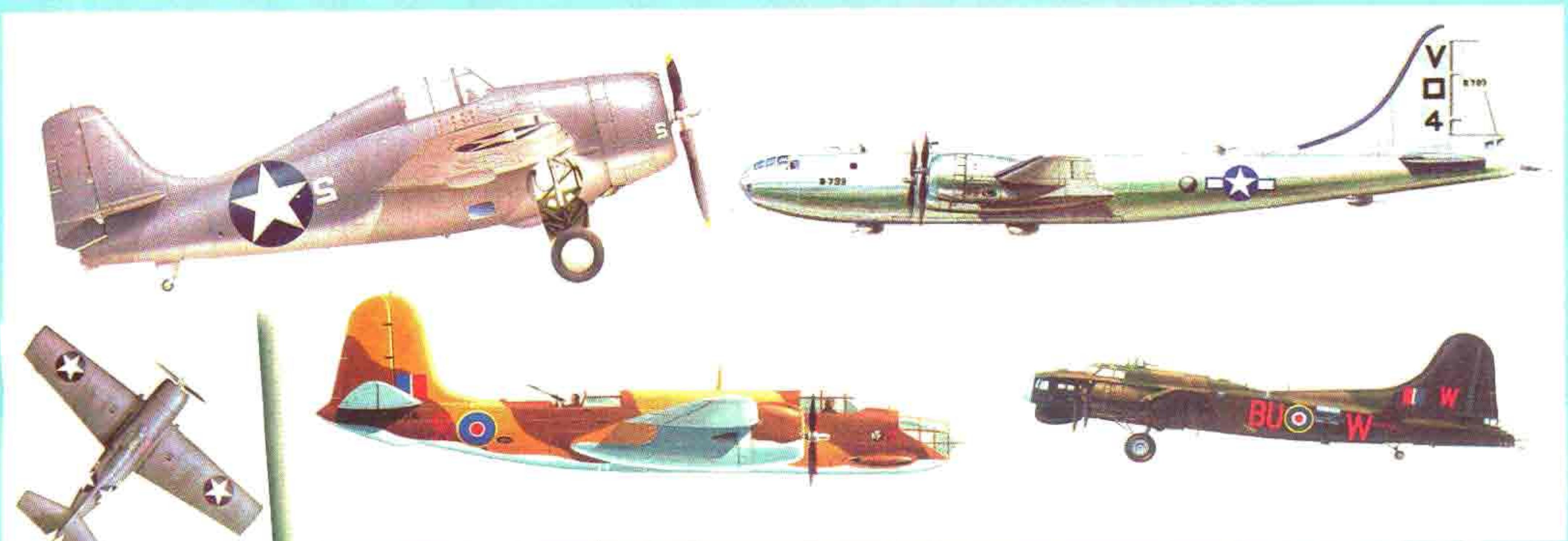
طول بال: ۱۲ متر و ۱۹ سانتی متر

اسلحة: ۳ مسلسل ۷/۶ میلی متری - یک مسلسل ۷/۶ میلی متری - ۱۱۳۴ کیلوگرم بمب





۱۴



مسابقه

«دوست دارید چه بینند؟!»
(ویژه اسفندماه)

شرح در صفحه ۲

